

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی: ۲۰)، تابستان ۱۴۰۱، جلد دو

مسئله‌شناسی ترکیبی گاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰
عباسعلی رهبر، مرضیه‌سادات سجادی

رابطه نش‌خوار فکری با کیفیت زندگی زنان مبتلا به وسواس در استان
کردستان
ابوالقاسم عیسی مراد، ناهید خداداد محمودی

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس آنومی در بیمارستان تأمین
اجتماعی شهر سنندج
شیوا سلطانی اصل

انقلاب سفید؛ واکنشی به کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
محمد مهدنور، آرش دانشمهر

بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در
مراجعه‌کنندگان به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان
میثم شهریاری مقدم، زینب جاودان، زینب بهمنی

پیش‌بینی میزان امید به تحصیل بر اساس خودکارآمدی تحصیلی در
دانش‌آموزان
روحاله وطن دوست، ذبیح پیرانی

برداشت‌های تربیتی و اخلاقی از اصل فقهی-حقوقی اصل لاضرر و زیان
با تأکید بر تلافی زیان
سید عرفان سیدالموسوی

بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تربیتی در فضای مجازی
سهیلا شه میری لاجی، پروین موسوی فر

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشـریـه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشـریـه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشـریـه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ امتیازی اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	مسئله شناسی ترکیبی کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ عباسعلی رهبر، مرضیه سادات سجادی
۱۱	رابطه نشخوار فکری با کیفیت زندگی زنان مبتلا به وسواس در استان کردستان ابوالقاسم عیسی مراد، ناهید خداداد محمودی
۱۹	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس آنومی در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سنندج شیوا سلطانی اصل
۲۹	انقلاب سفید؛ واکنشی به کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی محمد مهدنور، آرش دانش مهر
۴۱	بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در مراجعه کنندگان به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان میثم شهرباری مقدم، زینب جاودان، زینب بهمنی
۵۳	پیش‌بینی میزان امید به تحصیل بر اساس خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان روح‌اله وطن دوست، ذبیح پیرانی
۶۱	برداشت‌های تربیتی و اخلاقی از اصل فقهی - حقوقی اصل لاضرر و زیان با تأکید بر تلافی زیان سید عرفان سیدالموسوی
۷۱	بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تربیتی در فضای مجازی سهیلا شه میری لاجی

مسئله‌شناسی ترکیبی کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

کد مقاله: ۲۵۱۰۴

عباسعلی رهبر^۱، مرضیه‌سادات سجادی^{۲*}

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی مسئله کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی مردم ایران و ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت انتخاباتی بر مبنای مدل ترکیبی مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی لوزیک است سوال اصلی نیز عبارت است از اینکه «علل کاهش میزان مشارکت مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ به نسبت ادوار گذشته چیست و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان ایرانی چگونه خواهد بود؟» نتایج حاصل از تحقیق که با روشی توصیفی تحلیلی بدست آمده است نشان می‌دهد کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ با توجه به ۶ مولفه لوزیک؛ «نیاز»، «نارضایتی» و «محرومیت»، «مشکل‌زا بودن»، «شایع بودن» و «قابل تغییر بودن» قابل بررسی است؛ و مردم از تورم، شکاف طبقاتی، بیکاری و افزایش مشکلات اقتصادی-معیشتی به شکل معناداری ناراضی بودند، مجموعه این عوامل هم به ناامیدی شهروندان از بهبود وضع موجود دامن زد و هم اثربخشی انتخابات ریاست‌جمهوری و چرخش نخبگان در رفع مشکلات را در نگاه آن‌ها کاهش داد و انتظار می‌رود مسئله کاهش مشارکت در انتخابات با راهکارهایی که در مقاله به آن اشاره می‌شود حل و فصل گردد.

واژگان کلیدی: مسئله‌شناسی، کاهش مشارکت، رفتار انتخاباتی، ایران، مدل لوزیک.

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

مشارکت انتخاباتی به عنوان یکی از گونه‌های مهم مشارکت سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به طور عام و جامعه‌شناسی انتخابات به طور خاص دارد (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۹). در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، انتخابات ریاست‌جمهوری همواره بستر مناسبی برای رویارویی‌های سیاسی شخصیت‌های مهم و دارای سابقه حضور در انقلاب ۱۳۵۷ بوده است. تقابلهایی که در دهه‌های گذشته، با حضور پورشور مردمی و با افزایش میزان مشارکت انتخاباتی، هیجان‌بخش تقابلهای مبارزه‌های انتخاباتی بوده است. به نظر می‌رسد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ را می‌توان یک نقطه عطف در مسیر جمهوری اسلامی و هم زمان دگرگونی مهمی در روند مشارکت انتخاباتی به شمار آورد. نتایج سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، در شرایطی اعلام شد که آمار و ارقام رسمی، حکایت از آن داشت که دوره یاد شده، به لحاظ مشارکت انتخاباتی شهروندان، یکی از کم‌رونق‌ترین دوره‌های انتخابات در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است. در این دوره که سید ابراهیم رئیسی با کسب اکثریت آراء، به عنوان هشتمین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد تنها ۴۸/۸ درصد از کسانی که شرایط حضور در انتخابات را داشتند، مشارکت کرده بودند؛ بنابراین به لحاظ کمیت، این حضور مردمی، پایین‌ترین میزان مشارکت اجتماعی در تمام دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ایران، از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. (شفیعی سیف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۶۳) بر این اساس، در این پژوهش، در راستای پاسخ به این پرسش که «دلایل کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نسبت به دوره‌های گذشته چیست؟ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان ایرانی چگونه خواهد بود؟ سعی بر آن است که در چارچوب مدل ترکیبی مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی لوزیک مهم‌ترین دلایل این اتفاق و رویکرد مردمی بررسی و آینده رفتار انتخاباتی ایران راهبردهایی ارائه گردد.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون درباره مشارکت انتخاباتی در ایران با عناوین گوناگون و بررسی‌های موردی مطالعاتی صورت گرفته است که می‌توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد:

علی ساعی و همکاران (۱۳۹۵)، در اثری با عنوان «رقابت حزبی و مشارکت انتخاباتی: تحلیل ده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۸)» بر پایه نظریه نظام سیاسی دموکراتیک و روش رگرسیون؛ محمداقبر خرمشاد و فاضل کرد (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «اثربخشی طبقه متوسط جدید در تحقق مشارکت انتخاباتی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶)؛ بایبوردی و کریمیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر مشارکت انتخاباتی استان‌های آذری‌نشین بر یکپارچگی ملی»؛ ابراهیم صالح‌آبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نوع فعالیت شغلی و مشارکت انتخاباتی»؛ علی صاعی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «توسعه آموزشی و مشارکت انتخاباتی: مطالعه موردی انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری ایران» بر پایه رویکرد نظری دایاموند، لیست و هانتینگتون و روش رگرسیون؛ مجتبی مقصودی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران (بررسی موردی انتخابات ریاست‌جمهوری)؛ رسولی قهرودی، علوی‌تبار و زابلی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر تبلیغات سیاسی منفی در رفتار رای‌دهی و مشارکت انتخاباتی (مطالعه موردی دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران)؛ محسن شفیع سیف‌آبادی (۱۴۰۰) بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان بر پایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریو نویسی شوارتز؛ خواجه‌سروی، غلامرضا و دیگران، (۱۴۰۰)؛ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان؛ مورد مطالعه: مشارکت قوم ترکمن در انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری». اگرچه پژوهش‌های یادشده، مشارکت انتخاباتی مردم ایران را به گونه‌ای روشمند و هدفمند بررسی کرده‌اند، آنچه مقاله حاضر را از مقاله‌های دیگر مجزا می‌کند استفاده از چارچوب نظری و مدل مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی لوزیک و بررسی عوامل موثر بر عدم مشارکت انتخاباتی سال ۱۴۰۰ که وضعیت مشارکت انتخاباتی را در آستانه یک دگرگونی تاریخی قرار داد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای؛ استفاده از آثار، پژوهش‌ها و مقاله‌های موجود در اینترنت و خبرگزاری‌ها و گزارش‌های علمی گردآوری شده‌اند. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است؛ زیرا با نتایجی که از طریق آن به دست می‌آید، می‌توان ضمن کسب آگاهی از ریشه‌های رفتار معنادار مردم ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰، از آن در راستای رفع نیازها، انتظارات و خواسته‌های بنیادین شهروندان و نیز در راستای بهبود مشارکت انتخاباتی بهره برد.

۴- چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب مدل مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی دانیلین لوزیک^۱ به مسئله کاهش میزان مشارکت انتخاباتی می‌پردازد و در قالب این مدل به دنبال حل مسئله و راهبرد مسئله می‌باشد.

۵- مدل مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی لوزیک

اولین گام در حل مسئله تشخیص خود مسئله است؛ میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ نسبت به انتخابات قبلی و مجموعه انتخاباتی که در ایران انجام می‌شد به میزان کمتری بود، چون در ایران شاهد مشارکت‌های ۷۰-۶۰ درصدی و بالاتر بوده‌ایم، بنابراین مشارکت ۴۹ درصدی غیرعادی و یا نشان‌دهنده یک روند نامتعارف بود و سپس نیاز داریم به مدل، مدل مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی لوزیک که ترکیبی است از؛

۵-۱- شبکه معنایی مسئله و بررسی با معناها و مفاهیم مختلف

در قالب مدل مسئله‌شناسی لوزیک ابتدا شبکه معنایی مسئله را با معناها و مفاهیم مختلف بررسی می‌کنیم و مسئله کاهش میزان مشارکت در انتخابات را با مفاهیم دیگری چون «احزاب»، «شورای نگهبان»، «مقبولیت»، «مشروعیت»، «فرهنگ سیاسی»، «توسعه سیاسی»، «جامعه مدنی»، «دموکراسی» و «پایبندی به انجام تکالیف شرعی»، «اعتماد سیاسی»، «علاقه‌مندی به سیاست»، «مهارت‌های مشارکتی» و «احساس اثربخشی سیاسی»، «رسانه‌های جمعی»، «جنگ روانی»، «فشار حداکثری»، «مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم»، «فضای کرونایی»، «ناکامی دولت‌های قبلی در تحقق شعارها و برنامه‌ها» بررسی که این مفاهیم همبستگی معناداری با مشارکت و یا عدم مشارکت انتخاباتی نشان می‌دهند. (سید امامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۰) برگزاری انتخابات و مشارکت فعالانه شهروندان از تاثیرگذارترین عوامل تایید مشروعیت نظام است که میانگین مشارکت در ایران همیشه بالای ۵۰ درصد بود، در یک جنگ روانی که راه انداختند حدود ۵۰ درصد مشارکت را داشتیم این ۵۰ درصد با ۲۵ درصدی که آن‌ها هدف‌گذاری کرده بودند خیلی فاصله داشت و حداقل دو برابر بود و همچنین موضوع کرونا یکی از عوامل مهم بر کاهش مشارکت بود. (روزنامه جام‌جم، مورخ ۷/۴/۱۴۰۰: خرمشاد، ص ۲) در انتخابات ۱۴۰۰ ما با دو پدیده به طور جدی مواجه بودیم؛ یکی فشار حداکثری بود که مردم را به لحاظ اقتصادی در شرایط بسیار سختی قرار داده بود از این رو ما نمی‌توانیم انتخابات ۱۴۰۰ را بدون این فشار مورد تحلیل قرار بدهیم. حال بخشی از فشار اقتصادی ناشی انباشت سوء مدیریت‌های دولت‌های گذشته بود و بخشی از آن هم به دلیل تحریم و این دو عامل عواملی جدید بودند که این ۲۰ درصد یا ۳۰ درصدی را که بالا برنده یا پایین برنده انتخابات بودن تحت تاثیر قرار می‌داد و یک عامل دیگر را هم باید به مجموعه عوامل و دلایل نیامدن بخشی از مردم پای صندوق‌ها رای اضافه کنیم کسانی که در دو انتخابات گذشته بر اساس امیدهایی که به تحقق برخی وعده‌ها داشتند و دولت را در اجرایی کردن برنامه‌ها و شعارهای خود ناکام یافتند این مساله باعث نارضایتی مضاعف شده که آن ۲۵ درصد یا ۳۰ درصد موثر در انتخابات به نفع عدم مشارکت عمل کرد. (همان، مورخ ۷/۴/۱۴۰۰: خرمشاد، ص ۲)

۵-۲- تشخیص موانع

طبق مدل مسئله‌شناسی لوزیک مسئله را با موانع می‌شناسیم و در مسئله کاهش میزان مشارکت در انتخابات یکی از موانع نبود امکانات بود که شهروندان ایرانی در نبود احزاب و سازمان‌های بستر ساز مشارکت سیاسی و این خلاء مانع حضور حداکثری آن‌ها شد و مانع دیگر نیز انگیزه‌های متعارض بود که به وسیله تبلیغات و رسانه‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی تقویت می‌شد و مانع دیگر ابهامات انتخاباتی بود ابهامی که در بحث تایید صلاحیت نامزدها و عدم احراز صلاحیت‌ها ایجاد شد.

۵-۳- نسبت این شبکه معنایی با مشکل

مشکل می‌تواند یک نارضایتی، ناراحتی، نگرانی و یک وضعیت نامطلوب باشد؛ اما آن قدر مبهم است که نمی‌توان آن را توضیح داد و تشریح کرد. عدم اعتماد سیاسی به عنوان مشکل قابل بررسی است و وقتی از کاهش میزان مشارکت انتخاباتی می‌گوییم عملاً با یک مسئله مواجه هستیم. مشکل در مقایسه با مسئله، بسیار مبهم است، مسئله شفاف‌تر است و در آن وضعیت فعلی و احتمالاً وضعیت مطلوب، تا حدی مشخص شده است. آن‌چه اهمیت دارد روش و اقدام‌های مناسب برای حرکت از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب است.

1. Donileen Loseke

مشارکت ۴۸/۸ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و یک چنین رکوردی در رابطه با عدم مشارکت و غیبت مردم یا قهر با صندوق‌های رأی در تاریخ جمهوری اسلامی وجود نداشته است این بررسی‌ها نشان می‌دهد رابطه معناداری بین کاهش مشارکت سیاسی با وضعیت معیشتی، رکود و ناکارآمدی احزاب سیاسی، و عدم توسعه سیاسی، همه‌گیری کرونا، عملکرد شورای نگهبان در تایید صلاحیت‌ها، فعالیت براندازان خارج از کشور برای زیرسوال بردن مشروعیت نظام وجود دارد و نتیجه این شد که این مسئله عکس‌العمل‌های گسترده‌ای را داشته و پایین‌ترین میزان مشارکت به ثبت رسید و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی و نارضایتی از وضعیت موجود و سلب مسئولیت سیاسی در میان شهروندان قابل مشاهده بوده است. این برای اعتبار جمهوری اسلامی نکته‌ای بسیار منفی است و در قالب مشکل و عدم اعتماد سیاسی خود را نشان می‌دهد؛ اما دیدن و شناسایی مشکل، کافی نیست. حال باید مشکل را به مسئله تبدیل کرد. به این معنی که؛ ابتدا باید ببینیم که وضعیت فعلی چیست و سپس مشخص کنیم که وضعیت مطلوب ما چیست و چه باید باشد. در ادامه باید راهکارهایی برای تغییر وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب جستجو کنیم؛ در این حالت، چالش اصلی ما حل مسئله است.

۵-۴- نسبت شبکه معنایی مسئله با آنومی و بی‌نظمی

در مسئله‌مندی و مسئله‌شناسی آنومی نهادی مطرح می‌شود و خود ساختار به جای اینکه عامل نظم باشد بر هم زننده نظم سیاسی و اجتماعی می‌شود. برخی از مسئولان به جای اینکه عامل نظم باشند، برهم زننده نظم سیاسی و اجتماعی می‌شوند و شورای نگهبان را زیر سوال برده و انتخابات را تشریفاتی و انتصاب نامیدند و این در مشارکت مردم بی‌تأثیر نیست. وقتی مردم ببینند یک مسئول رسمی در کشور به این شکل شورای نگهبان و مساله انتخابات را زیر سوال می‌برد طبیعی است که با مساله سرد برخورد کنند و این تلقی ایجاد شود که گویا آراء آن‌ها تأثیرگذار نخواهد بود و نیز تحریم انتخابات توسط برخی مسئولان اینگونه عملکردها و بیانات می‌توانست در کاهش مشارکت مردم در انتخابات ۱۴۰۰ اثر گذار باشد. (گفتگو با پرویز امینی، ۳۱/۳/۱۴۰۰) <https://www.tasnimnews.com/fa/news/2525529> از بحث‌هایی که به آنومی اجتماعی ارتباط دارد هنجار است اگر در جامعه‌ای هنجارها شکسته شود و قواعد رفتاری از بین رود جامعه دچار هرج و مرج هنجاری می‌شود و به صورت بی‌نظمی خودش را نشان می‌دهد. (رهبر، ۱۴۰۰: ۶۰) اقتراف، تهمت‌زدن و ترساندن مردم از رقیب و ایجاد رعب و وحشت در میدان رقابت‌های انتخاباتی مصادیقی از هنجارشکنی است.

گاهی ابهام در ارزش‌ها وجود دارد در صورتی که نتوانیم ابهام را رفع کنیم تبدیل به بی‌نظمی می‌شود. (همان، ۱۴۰۰: ۶۰) شرکت در انتخابات را مصداق آری گفتن به جمهوری اسلامی ایران، اصل نظام و بیعت با ولایت فقیه دانستند در این راستا مهمترین انگیزه شرکت در انتخابات عبارت است از: تبعیت از ولایت و مقام معظم رهبری، عمل به وظیفه دینی و شرعی، احساس وظیفه ملی، مشارکت در سرنوشت کشور و ملی، مقابله با تهدیدات و تبلیغات خارجی در این خصوص در صورتی که ابهامی در افکار عمومی باشد خود را به صورت بی‌نظمی و انفعال در رفتار انتخاباتی نشان می‌دهد.

۵-۵- شاخص‌های ۶ گانه مسئله

سه ویژگی مهم در فهم مسئله «نیاز»، «نارضایتی» و «محرومیت» است؛ واقعیت این است که بخش زیادی از مشارکت مردم به انتخابات به عملکرد مسئولان و شرایط اقتصادی مرتبط است. نتایج نظرسنجی‌های معتبر نشان می‌دهد مردم مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت خود در انتخابات، را نارضایتی از وضع موجود و مشکلات اقتصادی عنوان کردند. عدم برآورده کردن نیازهای اقتصادی و معیشتی و محرومیت ناشی از آن منجر به کاهش نسبی مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ شد. شرایط بد اقتصادی و معیشتی که متأثر از تحریم، کرونا، کاهش قیمت نفت و ناکارآمدی برخی مدیران، باعث گلایه و نارضایتی مردم شده و از سوی دیگر، عدم تحقق برخی شعارهای انتخاباتی نامزدهای پیروز در انتخابات، بر نگرش بخشی از جامعه برای حضور در صحنه تأثیرگذار بود. بحث معیشت، عدالت، آزادی، آسایش، آرامش، کرامت انسانی، حاکمیت قانون و مقابله با فساد، نیازها، خواسته‌ها و مطالبات مردم هستند و مسائلی است که باید به آن توجه شود و اقدامات دولت در راستای تامین این موارد باشد.

علاوه بر این ۳ شاخص، ۳ شاخص دیگر هم وجود دارد «مشکل‌زا بودن»، «شایع بودن» و «قابل تغییر بودن»؛ اولین نکته در تعریف مسئله اجتماعی، هر آن چیزی مسئله اجتماعی است که ناظر بر شرایطی منفی باشد. دومین نکته در تعریف مسائل اجتماعی دشوار و جدی بودن مسئله است مسئله اجتماعی ناظر بر شرایط شایع و گسترده‌ای باشد. سومین نکته در تعریف مسئله اجتماعی آن است که همیشه در تصور مسئله اجتماعی یک مقداری دید خوشبینانه وجود دارد و شرایطی مسئله اجتماعی نامیده می‌شود که این تصور درباره آن وجود دارد که می‌شود و امکان دارد آن را تغییر داد؛ بنابراین مسئله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که غلط، مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر باشد. کاهش میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ به عنوان «مسئله اجتماعی» به

شرایطی اطلاق می شود شرایطی مشکل‌زا که شایع باشد و بتوان آن را تغییر داد، و باید آن را تغییر داد، و میزان مشارکت را در انتخابات آینده افزایش داد. (لوزیک، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۳)

۵-۶- تشخیص مسئله اجتماعی پنهان

ممکن است با شرایط مشکل‌زایی مواجه باشیم درحالی که هیچ نوع نگرانی درباره آن وجود نداشته باشد. اگر شاخص‌ها حاکی از آن باشد که شرایطی شایع، مشکل‌زا وجود دارد اگر چه عموم مردم از آن غافل باشند، متخصصین مسائل اجتماعی چنین شرایطی را مسئله اجتماعی پنهان می‌نامند. در اینجا «پنهان» بدین معنا است که حتی، اگر عموم مردم آن را درک نکنند و نگران نباشند، مسئله وجود دارد. (رهبر، ۱۴۰۰: ۶۸)

عوامل پنهانی در این میزان مشارکت دخیل بوده است نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که یک ۲۵ درصدی هست که هیچ وقت رأی نمی‌دهند، بالاترین میزان مشارکت‌ها در میان ۷۰ تا ۸۰ درصد متغیر بوده است. این عدم مشارکت ۲۵ درصد امر غیرعادی نیست و در همه جوامع هم وجود دارد، به هر دلیلی برخی میل ندارند و یا تفاوت فرهنگی بنیادین با نظام حاکم دارند بنابراین مسأله مشارکت در ایران را باید از ۷۵ درصد حساب کنیم نه از ۱۰۰ درصد و نیز بخشی از ۱۰ تا ۱۵ درصد از عدم مشارکت در این دوره مربوط به ویروس کرونا است که قطعاً تأثیر گذاشته است و همچنین بخشی از جامعه بر اثر مشکلات معیشتی و سرخوردگی که دولت ایجاد کرد، در انتخابات مشارکت نکردند.

در این انتخابات، بیش از سه میلیون و هفتصد هزار نفر، رای باطله به صندوق انداختند چنین شرایطی را می‌توان مسئله اجتماعی پنهان نامید بدین معنا است که حتی، اگر عموم مردم آن را درک نکنند و نگران نباشند، مسئله وجود دارد. به عبارتی آنهایی که رای باطله به صندوق انداختند گرچه نارضایتی داشتند اما از سویی دیگر نسبت به صداقت تحریم‌کنندگان انتخابات هم مشکوک بودند از این رو به این نتیجه رسیدند که مشارکت نکردن در انتخابات می‌تواند تبعاتی داشته باشد و از سویی دیگر به لحاظ وجدانی دل در گرو کشور و شهدا داشتند و آن‌هایی که پای صندوق رای آمدند و پیام رای دادن آن‌ها این بود که این مجموعه از افراد جامعه با بیرونی‌هایی که تلاش می‌کردند آن‌ها را به صف تحریم‌کنندگان انتخابات دعوت کنند مرزبندی دارند و لذا دولت آینده باید رسیدگی به خواسته‌ها و مطالبات این بخش از مردم را در اولویت خود قرار دهد. (روزنامه جام جم، مورخ ۱۴۰۰/۷/۴: خرمشاد، ص ۲)

۵-۷- مسئله و نسبت آن با اخلاقیات (سه گانه اخلاقیات انسانی، دینی، سازمانی)

در نامیدن شرایطی به عنوان مسئله اجتماعی یک معیار اخلاقی در نظر گرفته می‌شود جامعه‌ای که اخلاقیات در آن رعایت نمی‌شود و نسبت به اخلاقیات کم توجه است جامعه با بروز و ظهور مسائل روبرو می‌شود. اخلاقیات به سه نوع کلی قابل تقسیم هستند که عبارتند از: ۱- اخلاقیات انسانی ۲- اخلاقیات مذهبی ۳- اخلاقیات سازمانی؛ (رهبر، ۱۴۰۰: ۷۲)

اخلاقیات انسانی؛ اعتماد امر اخلاقی و انسانی است و رای دادن کار سیاسی- اجتماعی است و اعتماد را در قالب رای اندازه می‌گیریم در صورتی که اعتماد سیاسی دچار خدشه شود و به تبع آن میزان مشارکت انتخاباتی کاهش و فضای سیاسی و اجتماعی دچار مشکل و جامعه مستعد بی‌نظمی می‌شود. (همان، ۱۴۰۰: ۷۲)

اخلاقیات مذهبی؛ منبعث از نگرش الهیاتی و مذهبی شکل می‌گیرد و بر اساس نظام الهیاتی اسلام اخلاقیات خودش را تعریف می‌کند. شرکت در انتخابات را مصداق بیعت با ولایت فقیه تعریف می‌کنند و در این راستا مهمترین انگیزه شرکت در انتخابات عبارت است از: تبعیت از ولایت، عمل به وظیفه دینی و شرعی، احساس وظیفه ملی بنابراین در صورت تضعیف دین و اخلاقیات خود را به صورت بی‌نظمی و انفعال در رفتار انتخاباتی نشان می‌دهد. (همان، ۱۴۰۰: ۷۳)

اخلاقیات سازمانی؛ در اخلاق سازمانی نسبت بین نهادها و مردم باید نسبت شفاف و قابل پیش‌بینی باشد در صورتی که شفافیت دچار تردید شود و ارکان مختلف دولت نتواند اقناع لازم را انجام دهد به اخلاق سازمانی خودش خوب عمل نکرده است و نتوانسته اعتماد ایجاد کند و جامعه دچار بهم ریختگی می‌شود. (همان، ۱۴۰۰: ۷۸) در مسئله کاهش میزان مشارکت انتخاباتی، احراز یا عدم احراز صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان و عدم پاسخگویی شفاف مسئولان در قالب اخلاقیات سازمانی قابل بررسی است.

۵-۸- تشخیص ادعا سازان، قربانیان، مخاطبان

ادعاها صرف نظر از شکلشان و اینکه زبانی، نمایشی یا رفتاری باشند درصددند تا حضار را به شیوه‌های خاصی به دیدن و احساس کردن شرایطی ترغیب کنند. هدف ادعا سازان، ساختن ادعاهایی است که حضار یا مردم به آن باور پیدا کنند. بخش زیادی از تحرکات مخالفان شرکت در انتخابات، با عملیات روانی، فضا سازی، کنایه و ارباب درباره حضور در انتخابات و شعارها و

هشتگ‌هایی چون رای بی رای انجام می‌شد. با این حال، بخشی از ادعاسازان مخالف حضور در انتخابات، دلایل و توجیهاتی برای عدم مشارکت در انتخابات مطرح می‌کردند که عبارتند از:

۱- رای مردم تأثیری در روند امور ندارد: این که رای مردم تأثیری در اصلاح روند امور ندارد، از مهم‌ترین مواردی است که به عنوان دلیل عدم مشارکت که با تعبیر متنوع بیان می‌شود. گفته‌ها مبنی بر اینکه ۸ سال پیش رای دادیم چه شد؟ بهتر شد؟ کدام یک از کاندیداها که تأیید صلاحیت آن‌ها محتمل است، در صورت رای‌آوری می‌تواند تغییری ایجاد کند؟ در تعبیری گفته می‌شد حکومت بسته است و رای ما در آن تأثیری ندارد. در این طیف بخشی از مردم با تحلیل خود از روندهای گذشته، احساس می‌کنند رای آن‌ها فایده‌ای ندارد و فارغ از رویکرد سیاسی و براندازی، در چیزی که سودی در آن متصور نیست، چرا باید مشارکت داشته باشند؟

۲- فقدان اختیارات در دولت: اینکه «دولت و قوه مجریه برای تحقق مطالبات مردم اختیارات کافی ندارند»، یکی دیگر از موارد مورد استناد ادعا سازان رای ندادن است.

۳- رئیس‌جمهوری از قبل تعیین شده و رای دادن تأثیری ندارد: این، ادعای طیف دیگری از مخالفان حضور در انتخابات است که معتقد به وجود یک توطئه و نمایش، در برگزاری انتخاباتی هستند که از قبل برنده‌اش معلوم است و مدعی‌اند در مواقع لزوم، در رای مردم دستکاری می‌شود.

۴- رای ندادن سبب یکدستی حکومت و پاسخگو شدن آن می‌شود: استدلالی است که از سوی ادعاسازان بیان می‌شود، دو توجیه برای رای ندادن بیان می‌کنند و می‌گویند بهتر است رای ندهیم تا حکومت یکدست شود و آن‌ها را نسبت به مشکلات پاسخگو خواهد کرد.

۵- با رای ندادن، نظام فرو می‌پاشد: ادعاسازان می‌گویند در صورتی که مردم ناراضی از اوضاع رای ندهند، ضربه شدیدی به نظام خورده و فرو می‌پاشد، از این رو این شیوه را به عنوان راهکاری کم‌خطر برای آنچه در ذهنشان پایان کار نظام می‌شمارند، توصیه می‌کنند.

بدون مطرح کردن ادعاهایی درباره افرادی که در یک شرایط خاصی قرار دارند، ادعاهای مربوط به شرایط مسائل اجتماعی کافی نیستند. اولین شرط برای اینکه یک شرایطی مسئله اجتماعی باشد آن است که آن شرایط حتما قربانی داشته باشد و دومین شرط یک مسئله اجتماعی امکان داشتن یک فرد مقصر است. (لوزیک، ۱۳۹۸: ۱۱۹)

یک شرایط نمی‌تواند مسئله تلقی شود مگر اینکه از قبل آن زبانی وارد شده باشد؛ بنابراین در نظر گرفتن قربانیان برای متقاعد کردن حضار به اینکه شرایطی تبدیل به مسئله شده است الزامی است. مسائل اجتماعی را شرایطی دانسته‌اند که موجب ضرر و زیان افراد زیادی شده باشد غالباً منظور از قربانیان همان مردم هستند و آیندگان نیز می‌توانند به عنوان قربانیان تلقی شوند، ممکن است مردم به طور کلی جزء سازه‌های قربانیان باشند، مثلاً در ادعاهایی مانند «رئیس‌جمهوری از قبل تعیین شده و رای دادن مردم تأثیری ندارد» مخاطب، مردم به طور کلی هستند و نه افراد خاصی. (همان، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

۵-۹- حل مسئله و راهبرد

در چرخه حل مسئله گام اول تشخیص مسئله است و سپس تبیین و تعریف درستی از مسئله داشته باشیم در مسئله کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ عوامل تأثیرگذار در آن عبارتند از: یک عامل مسئله فشار اقتصادی و عملکرد ناصحیح دولت و ناکارآمدی آن در چند سال گذشته که به نوعی احساس ناامیدی و سرخوردگی در جامعه ایجاد کرد این مورد، فاکتور بسیار مؤثری است. دومین عامل این است که سیاست‌گذاری نتولیبرالی در جامعه ایجاد سیاست‌زدایی می‌کند و نوعی سیاست‌گریزی عمومی در فضای جامعه مدنی ایجاد می‌کند وقتی انسان‌ها را امتیزه می‌کنند، آن‌ها را به موجودات خودخواه و در خود فرو رفته بدل می‌کنند چون سیاست عرصه حضور عمومی، تفاهم عمومی، تعامل عمومی است و سومین عامل ناامیدی مردم از تغییر بود اینکه رئیس‌جمهوری با کلی وعده می‌آید، چیزی برآورده نمی‌شود، دوباره رئیس‌جمهور بعدی با کلی وعده و کلید می‌آید، باز چیزی به دست نمی‌آید.

۱- رویکرد فازی به مسئله: به لحاظ روش در بحث شبکه معنایی به نوعی با رویکرد و نگاه فازی به مسئله انتخابات، کاهش میزان مشارکت مردم را نه می‌توان صرفاً ناشی از عامل خارجی، ترغیب و تهییج مردم و تحذیر و اجتناب از رای دادن آنان دانست نه صرفاً ناشی از عامل داخلی دانست. در تحلیل مشارکت مردم و عوامل مؤثر بر آن در انتخابات ریاست جمهوری می‌توان به مجموعه ای از عوامل خارجی و داخلی اشاره کرد من جمله: کمپین تبلیغاتی- رسانه‌ای غرب و تبلیغ تحریم انتخابات توسط شبکه‌های ۲۴ ساعته BBC، صدای آمریکا، ایران اینترنشنال، من‌وتو و همچنین مشکلات گسترده اقتصادی، تأثیر فضای کرونایی، فقدان امید به بهبود و تأثیر آن در انتخابات، ناامیدی نسبت به جریان‌های سیاسی، ناامیدی و بن‌بست پس از آبان ۹۸، فضای دی ماه ۹۶، تأثیر ساقط کردن هواپیمای اوکراینی در کاهش مشارکت مردمی دانست. (رفیعی بهابادی، ۱۴۰۰/۲/۲۷) قابل دسترسی در:

<https://d-mag.ir/p4049>

۲- تشخیص خطاهای شناختی در حل مسئله: سوگیری شناختی، باورها و عقاید تحمیل شده و یا عواملی که از قبل شکل گرفته باعث عدم شناخت صحیح انسان می‌شود در انتخابات ۱۴۰۰ سیاسیون در داخل و خارج از کشور با ایجاد بزرگ‌ترین کمپین تبلیغاتی-رسانه‌ای با عنوان "رأی بی رأی" با هدف تحریم انتخابات به‌راه انداختند و تاثیر این باورها و عقاید تحمیل شده باعث می‌شد تفکر و استدلال دچار نقض شود و این سوگیری‌ها ناشی از تحمیل احساسات بیگانه و برخورد منفعلانه در انتخابات شد.

۳- نگرش مثبت به مسئله: بخش قابل توجهی از مردم احساس ناامیدی نسبت به جریان‌های سیاسی می‌کنند و به این نتیجه رسیدند که هر کسی که انتخاب شود قرار نیست وضعیت کشور بهتر شود و تصور می‌کنند نه جریان اصلاح طلب و نه جریان اصولگرایی نتوانسته‌اند کار در خوری برایشان انجام دهند لذا می‌بایست جهت حل مسئله کاهش مشارکت در انتخابات جهت‌گیری مثبت داشته باشیم و علل و عوامل موثر بر حضور شهروندان در پای صندوق‌های رأی و راه‌های افزایش این حضور بررسی و تقویت شود و در مباحث مرتبط با تحلیل رفتار رأی دهندگان به این که چه عواملی مردم را به شرکت در انتخابات برمی‌انگیزاند بپردازیم و در راهبرد مسئله، هدف بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت در انتخابات است.

۵-۱۰- پروسه ذهن و عمل و سوال صحیح با جهت‌گیری مثبت در مسئله

طرح سوال صحیح با جهت‌گیری مثبت در مسئله کمک می‌کند و در پژوهش حاضر سوال در این قالب نمایان می‌شود آینده رفتار انتخاباتی و عوامل موثر در افزایش مشارکت انتخاباتی شهروندان ایرانی چیست؟ بنابراین بررسی کاهش مشارکت در انتخابات به عنوان بروز یک رفتار اجتماعی و سیاسی می‌تواند منجر به شناخت دقیق‌تر یک جامعه و برنامه‌ریزی آگاهانه برای آینده آن جامعه بر مبنای سلايق عمومی شود.

در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری شاهد کاهش نسبی حضور و مشارکت از سوی مردم بوده ایم، آنچه از تحلیل انتخابات ایران و میزان مشارکت سیاسی حدود ۵۰ درصدی در آن برمی‌آید این است که چند عامل در این مسئله دخیل بوده است، از جمله دلایل کاهش نسبی حضور مردم در پای صندوق‌های رأی که شاید بتوان سهم بیشتری در بین دیگر عوامل برای آن قائل شد مشکلات معیشتی طی چند سال گذشته است، نارضایتی معیشتی و اقتصادی که با تشدید تحریم‌های ایران بر شدت آن افزوده شد باعث نوعی سرخوردگی و دلسردی شده که بروز آن در مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم قابل توجه است. در کنار این مسئله نارضایتی از عملکرد مسئولین که ناشی از سوءمدیریت و بی‌تدبیری‌های سال‌های اخیر است نیز می‌تواند به دقت مورد بررسی قرار گیرد لذا باعث شد این احساس در برخی از افراد جامعه شکل بگیرد که انتخابات تأثیری بر بهبود وضعیت کشور نداشته و حضور در انتخابات کمکی نخواهد کرد. (فرهید، ۱۴۰۰/۳/۳۰) قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1400033022776>

مورد دیگر که به عنوان دلیل عدم شرکت در انتخابات مطرح می‌شود، رد صلاحیت نامزد یا نامزدهای مورد قبول افراد بود و نیز تجربه تلخ سقوط هواپیمای اوکراینی نیز در کاهش تمایل بخشی از واجدین شرایط موثر بوده است. این مسئله که مسئولین پاسخگوی خطاهای خود نیستند موجب دلسردی بخشی از جامعه برای حضور حداکثری در این مشارکت شد؛ بنابراین دلایل کاهش مشارکت را می‌شود در چند دسته شرایط نامساعد معیشتی، شیوع بیماری کرونا و درگیری بخش‌هایی از جامعه با این بیماری، رد صلاحیت نامزد یا نامزدهای مورد قبول افراد، القای تشریفاتی بودن انتخابات به جامعه و به دنبال آن شکل نگرستن رقابت درست دسته‌بندی کرد.

در یک نگاه کلی عوامل موثر بر مشارکت گسترده شهروندان در انتخابات را می‌توان شامل عواملی همچون؛ افزایش بلوغ سیاسی، پایداری به تکلیف شرعی، افزایش اعتماد سیاسی، درک اثرگذاری مردم در تعیین سرنوشت کشور و در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی، کنترل کرونا از سوی دولت‌ها، سرانجام مذاکرات برجام، دوقطبی شدن انتخابات در جامعه و هیجانات انتخاباتی، اقناع افکار عمومی از سوی نظام‌های سیاسی دانست. (فرهید، ۱۴۰۰/۳/۳۰) قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1400033022776>

در میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند عوامل و راهکارهای مشارکت سیاسی و راهبردهایی که در عمل می‌توان در نظر گرفت به شرح ذیل است؛

۱- تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه: دین یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه می‌باشد. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. از این رو یکی از اهداف استعمارگران برای سکولاریزه کردن جوامع مسلمان بی‌تفاوت ساختن آن‌ها در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه‌سازی برای تسلط آسان بر جوامع است. (صفری، ۱۳۹۶: ۴)

۲- آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی: آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی در مردم، نقش مؤثری در افزایش مشارکت مردمی در انتخابات دارد. مردم اگر درک صحیحی از موقعیت و جایگاه کشور داشته باشند و حساسیت انتخابات ریاست‌جمهوری و نقش آن را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور و ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف خویش بشناسند و بدانند که حضور آنان در صحنه، خنثی

کننده بسیاری از توطئه‌های دشمنان بوده و امنیت بیشتری را برای کشور به ارمغان می‌آورد به یقین در عرصه انتخابات حضور پر رنگی پیدا خواهند کرد و لذا آگاهی‌های عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه مشارکت مردمی دارد. (۱۳۹۶/۲/۱۷) قابل دسترسی در: <https://pasokh.org/fa/New/961>

۳- شناخت و درک احساس مؤثر بودن مردم از رأی خویش: طبق اصل ششم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای شوراها و نظایر این‌ها و... لذا آگاهی و شناخت مردم از نقش مؤثرشان در اداره کشور و تعیین سرنوشت کشور می‌تواند انگیزه شرکت در آنان را افزایش داده و هرگونه ادعای بی‌فایده بودن رأی مردم و اتهام نمایشی بودن و بی‌اثر بودن آرای آن‌ها می‌تواند میزان مشارکت مردم را تضعیف و رو به کاستی ببرد برای همین توجیه مردم در خصوص میزان نقش و تأثیری که در اداره آینده سیاسی کشور دارند می‌تواند میزان مشارکت را به مراتب افزایش دهد.

۴- وجود احزاب و حضور فعال آن‌ها در چهارچوب قانون اساسی و شرع: یکی از راهکارهای توسعه مشارکت مردمی وجود احزاب اسلامی است که نیروهای مردمی را در گسترش مشارکت‌شان در مسائل سیاسی جهت‌دهی و نظام‌مند می‌نمایند زیرا حکومت در شکل امروزی آن به دلیل پیچیدگی‌های فراوان طبعاً مستلزم این است که تنوع علایق، منافع فکری، اجتماعی و اقتصادی در جامعه حفظ شود و مردم بتوانند به صورت فردی یا جمعی خواسته‌های خود را بیان کنند و وسایلی برای بیان این خواسته‌ها وجود داشته باشد. احزاب، جمعیت‌ها، تشکله‌ها و سازمان‌های سیاسی وسیله مناسبی برای مشارکت مردم در سرنوشت خود می‌باشند. (صفری، ۱۳۹۶: ۵)

۵- حضور سلاقی و گرایش‌های متنوع با پرهیز از جناح بازی‌های سیاسی: حضور سلاقی و گرایش‌های سیاسی متنوع و معتقد به نظام موجب ایجاد شور و نشاط فضای انتخاباتی و فضای رقابتی در کشور شده و این عاملی برای افزایش مشارکت مردمی خواهد بود. البته این تنوع نباید به گونه‌ای باشد و مردم را دچار سردرگمی در تصمیم‌گیری نماید. (۱۳۹۶/۲/۱۷) قابل دسترسی در: <https://pasokh.org/fa/New/961>

۶- فرهنگ سازی: فرهنگ از مهم‌ترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. مشارکت افراد در جامعه‌هایی که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی است، گسترده است؛ در مقابل، در جامعه فاقد چنین فرهنگی مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بر خورده انفعالی دارند. لذا باید فرهنگ مشارکت مردمی به نحو مطلوب نهادینه‌سازی گردد. (همان، ۱۳۹۶: ۵)

۷- شفافیت، صداقت و اطمینان بخشی: یکی از عوامل افزایش مشارکت مردمی، ایجاد فضای شفاف و به دور از ابهام، صادقانه و اطمینان بخشی به مردم می‌باشد. رقابت‌های انتخاباتی در صورتی می‌تواند به حضور و مشارکت حداکثری مردم بیانجامد که از شفافیت و صداقت لازم برخوردار باشد و از هر گونه عوام فریبی و شعارزدگی پرهیز شود و برای برون رفت از مشکلات و حرکت کشور برنامه‌های روشن، کاربردی و شفاف ارائه داده شود و مردم این اطمینان را پیدا نمایند که افرادی که پا در عرصه انتخابات گذارده‌اند، عزم و اراده جدی و برنامه روشنی برای برطرف نمودن مشکلات کشور و شکوفایی بیشتر آن دارا هستند. در صورتی که چنین اطمینانی از سوی نامزدها و جریان‌های سیاسی کشور برای مردم ایجاد شود، شاهد حضور حداکثری آنان در عرصه انتخابات خواهیم بود. (۱۳۹۶/۲/۱۷) قابل دسترسی در: <https://pasokh.org/fa/New/961>

۸- فقر زدایی: فقرزدایی و عدالت اجتماع- اقتصادی، رونق اقتصادی، اشتغال، مهار تورم، محورهای مهمی هستند که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای دارد. کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی در آینده به بهبود مشارکت انتخاباتی منجر خواهد شد، دولت می‌بایست هر چه سریعتر بخش‌هایی از فشار اقتصادی را تسکین دهد و به قسمتی از مطالبات بحق مردم پاسخ دهد. (روزنامه جام‌جم، مورخ ۱۴۰۰/۴/۷: خرمشاد، ص ۲)

۹- نقش مطبوعات و رسانه‌ها در ایجاد فضای رقابتی مناسب: رسانه‌ها نوعی حلقه ربط در جامعه هستند که در دنیای امروزی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. یکی از کارکردهای رسانه‌ها ایجاد همبستگی اجتماعی و تأثیر در مشارکت عمومی جامعه است. (صفری، ۱۳۹۶: ۶)

مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در ایجاد انگیزه و هیجان سالم انتخاباتی در میان مردم ایجاد نمایند و با آشنا سازی مردم با نامزدهای انتخاباتی، برنامه‌ها و اهداف آنان و گزینش نامزد اصلاح و ایجاد فضای رقابتی عادلانه و به دور از جنجال‌آفرینی، بستر مناسبی را برای حضور حداکثری مردم فراهم نمایند. (۱۳۹۶/۲/۱۷) قابل دسترسی در: <https://pasokh.org/fa/New/961>

۱۰- مدیریت و مهار بحران بیماری کرونا: با توجه به نگرانی‌های موجود درباره بیماری کرونا و با نگاهی به آمار ابتلا و مرگ و میر این بیماری در کشور، نیاز است در شرایط بحران‌هایی از این دست به مدیریت و مهار بحران بیماری در سطحی مطلوب اقدام شود به شکلی که این امنیت خاطر برای شرکت‌کنندگان در انتخابات پدید آید که خطری سلامت و جان آن‌ها را به واسطه حضور در مجامع تهدید نمی‌کند.

۱۱- پاسخگویی مسئولان: پاسخگویی از سوی مسئولین نیز می‌تواند بر حضور سیاسی و اجتماعی افراد جامعه تاثیر مثبتی داشته باشد.

۶- نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش پیش رو در راستای شرح دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان در دو بخش قابل تامل است که عبارتند از: ۱) علت‌یابی کاهش مشارکت انتخاباتی بر پایه مدل مسئله‌شناسی سیاسی اجتماعی (لوزیک ۲) عوامل و راهکارهای موثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان.

بر مبنای مدل مسئله‌شناسی لوزیک تبیین انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و کاهش مشارکت سیاسی با توجه به ۶ مولفه؛ «نیاز»، «نارضایتی» و «محرومیت»، «مشکل‌زا بودن»، «شایع بودن» و «قابل تغییر بودن» قابل بررسی است؛ به نظر می‌رسد تورم زیاد، بیکاری شهروندان، کاهش رفاه، افزایش مشکلات معیشتی، نارضایتی از وضعیت موجود را افزایش داده و ضمن تاثیرگذاری مستقیم بر افزایش میزان رای‌های باطله، به طور کلی بر مشارکت انتخاباتی مردم نیز تاثیرگذار بوده است و افزون بر این، هنگامی که افراد در آستانه خبرهای متراکم اپوزیسیون داخلی و خارجی قرار می‌گیرند تا حدود زیادی منفعل عمل می‌کنند و نهایتاً این احساس شکل گرفت که فرآیند انتخابات و چرخش نخبگان، ظرفیت لازم را برای بهبود زندگی آن‌ها یا رسیدگی به مشکلات عمده کشور و پایان دادن به بن‌بست سیاسی را ندارد. انتظار می‌رود با راهکارهایی که در مقاله به آن اشاره شد مسئله کاهش مشارکت در انتخابات حل و فصل و موفقیت دولت در این زمینه‌ها شور انتخاباتی را به ویژه برای دور بعد انتخابات ریاست‌جمهوری به شهروندان ایرانی باز گرداند.

از آنجا که میزان حضور و مشارکت افراد جامعه در انتخابات به عنوان بزرگترین پشتوانه هر نظام سیاسی، منجر به موفقیت‌های بین‌المللی آن کشور خواهد شد ضرورت دارد شاخص‌های موثر بر مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان به دقت واکاوی شود تا پدیده انتخابات همواره به عنوان فرصتی برای تزریق پشتوانه مردمی و تقویت قدرت ملی مطرح باشد.

منابع

۱. امام جمعه زاده، سید جواد و دیگران (۱۳۹۱)، «تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی با نگاهی به ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره ۳، صص ۳۶-۱۰.
۲. امینی، پرویز، «آیا مشارکت بر تحریم پیروز شد؟ تحلیل متن و حاشیه انتخابات ۱۴۰۰»، ۳۱/۳/۱۴۰۰؛ قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/03/31/2525529>
۳. حوزه علمیه قم، «برای این که انگیزه مشارکت مردم در انتخابات بالا رود چه باید کرد؟»، ۱۳۹۶/۲/۱۷؛ قابل دسترسی در: <https://pasokh.org/fa/New/961>
۴. خرمشاد، محمدباقر، روزنامه جام‌جم، مورخ ۷/۴/۱۴۰۰، «آرای باطله در سید نظام است نه تحریم کنندگان»؛ بررسی جامعه‌شناسانه انتخابات ۱۴۰۰، شماره ۵۹۷۳، ص ۲.
۵. خواجه‌سروی، غلامرضا و دیگران (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان؛ مورد مطالعه: مشارکت قوم ترکمن در انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۱۲-۷۴.
۶. رفیعی بهابادی مهدی، پیش‌بینی مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰، ۲۷/۲/۱۴۰۰؛ قابل دسترسی در: <https://d-mag.ir/p4049>
۷. رهبر، عباسعلی (۱۴۰۰)، «درسنامه کلاسی جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۵۰-۱.
۸. سیدامامی، کاووس و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، «عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مطالعه موردی شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۰۹-۱۴۶.
۹. شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۴۰۰)، «بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان بر پایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریونویسی شوارتز»، پژوهشنامه علوم سیاسی، پیاپی ۶۳، شماره ۳، صص ۱۰۸-۶۱.
۱۰. صفری، مصطفی (۱۳۹۶)، «راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت، موانع و محدودیت‌ها»، پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی، صص ۱-۹.
۱۱. فرهید، نیما، «واکاوی دلایل موثر بر میزان مشارکت در انتخابات»، ۳۰/۳/۱۴۰۰؛ قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/1400033022776/>
۱۲. لوزیک، دانیلین (۱۳۹۸)، «نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی»، ترجمه سعید معیدفر، چاپ هشتم، تهران: نشر امیرکبیر.

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کارپردی در
علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی: ۲۰)، تابستان ۱۴۰۱، جلد دو

رابطه نشخوار فکری با کیفیت زندگی زنان مبتلا به وسواس در استان کردستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

کد مقاله: ۷۸۴۹۶

ابوالقاسم عیسی مراد^۱، ناهید خداداد محمودی^{۲*}

چکیده

زمینه و هدف: نشخوار فکری گرایش به فکر کردن و تجزیه و تحلیل ناکارآمد مسائل اضطراب‌آور و پریشان‌ساز (مانند مشکلات روزمره، تجارب تلخ، موقعیت‌های استرس‌زا و تروماتیک، نگرانی درباره آینده و...) بدون تلاش برای حل مسئله است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نشخوار فکری با کیفیت زندگی زنان مبتلا به وسواس به پژوهش حاضر پرداخته است.

روش پژوهش: پژوهش از نوع همبستگی و علی - مقایسه ای است و از لحاظ هدف، از پژوهش های کاربردی می باشد و از نظر ماهیت کمی است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۰۰ نفر از زنان مبتلا به وسواس است که توسط مشاور و متخصص اعصاب و روان در شهرهای استان کردستان شناسایی شدند. آزمون ضریب همبستگی و شاخص رگرسیون با نرم افزار (اس پی اس اس ۲۵) وبا استفاده از جدول های فراوانی و نمودارهای ستونی وضعیت شاخص های دموگرافیک و فرضیه های تحقیق ارائه شده است.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد که با ارتقاء یک واحد نشخوار فکری به مقدار ۴۵۰/۰ متغیر کیفیت زندگی زنان ۹۷۱/۱ کاهش پیدا خواهد کرد. رابطه بین این دو متغیر معکوس و معنادار می باشد. بنابراین با افزایش نشخوار فکری ، کیفیت زندگی زنان کاهش می یابد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش بیانگر این است که با استفاده از راهبردهای درمانی در قالب برنامه های روان درمانی مبتنی بر اصلاح نگرش های ناکارآمد و آموزش شیوه های صحیح کنترل فکر و شیوه های حل مسئله می توان به کاهش نشخوار فکری و افزایش کیفیت زندگی مبتلایان کمک کرد.

واژگان کلیدی: نشخوار فکری ، کیفیت زندگی زنان، کردستان

۱- دکتری تخصصی روانشناسی، دانشیار گروه روان شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی

۲- کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان. (نویسنده مسئول)

nahidkhodadmahmoudi@yahoo.com

کیفیت زندگی یکی از پیامدهای سلامتی است که تاریخچه پیدایش آن به دوران ارسطو و ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در آن دوران ارسطو زندگی خوب و یا خوب انجام دادن کارها را به معنی شاد بودن در نظر گرفته بود و امروزه با توجه به تعریف سازمان جهانی بهداشت روی این مسئله تاکید شده و مفهوم آن درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ و سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند اهداف و انتظارات، استانداردها و اولویت هایشان است، پس موضوعی است کاملاً ذهنی که توسط دیگران قابل مشاهده و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی استوار است (نجات، ۱۳۸۷). برخی محققان معتقدند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است که با اهداف متفاوت دنبال خواهد شد. همچنین ارزیابی تجربیات همه جانبه زندگی بشری است که از طریق یک وضعیت خاص که در آن اولویت‌های زندگی فردی یا جمعی و یا اولویت‌های را که می‌توان با آنها برخورد کرد (ولن و همکاران، ۲۰۱۷)، بیان می‌شود. نظریه پردازان مختلف تعریف‌های خاصی از کیفیت زندگی دارند که همگی دال بر رفاه افراد برای یک ویژگی یا پدیده خاص با در نظر گرفتن دامنه‌های زندگی تعریف کرده‌اند. از سوی دیگر نشخوار فکری به عنوان نوعی تفکر منفی، معطوف به خود، تکرار شونده و مداوم، طی یک دهه گذشته توجه نظری و تجربی فزاینده‌ای را به خود معطوف کرده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹). نشخوار ذهنی به افکار مقاوم و عودکننده اطلاق می‌شود که بر محور یک موضوع معمول دور می‌زند، این افکار به شیوه غیرارادی وارد آگاهی می‌شوند و توجه را از موضوعات مورد نظر و اهداف کنونی، منحرف می‌سازند (بیگی هرچگانی و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس تعریف مارتین و تسر (۱۹۹۶)، نشخوار فکری اصطلاحی عمومی است که به افکاری که گرایش به تکرار شدن دارند، اشاره دارد. نولن-هوکسیما (۱۹۹۱) در نظریه سبک‌های پاسخ‌دهی خود در مورد افسردگی، نشخوار فکری به صورت تفکر تکراری و گذرا درباره علائم افسردگی و علل و پیامدهای احتمالی آن تعریف می‌کند. بر اساس این نظریه، «نشخوار فکری شامل تمرکز مکرر بر علائم افسردگی و علل، معانی و پیامدهای این علائم است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۷). نشخوار ذهنی یک اختلال روان‌شناختی نیست. بلکه پاسخی است که فرد به اضطراب و نگرانی‌ها می‌دهد. این فرآیند تلاشی برای کاهش پریشانی، جبران ناکامی‌ها و تجارب بد گذشته است. انسان به کمک نشخوار فکری تلاش می‌کند تا پاسخی به اضطرابش بدهد اما از آن جایی که این افکار ناکارآمد و منفعلانه است و حل مسئله را به همراه ندارد زمینه را برای افزایش نگرانی، ترس و اضطراب فراهم می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). برخی گمان می‌کنند که نشخوار ذهنی می‌تواند جنبه مثبت هم داشته باشد اما چنین نیست. نشخوار فکری با تجزیه و تحلیل منطقی و کارآمد متفاوت است. با این که نشخوار ذهنی یک اختلال روان‌شناختی نیست اما می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات روان‌شناختی گوناگون مانند اضطراب، افسردگی، وسواس و اختلال شخصیت، اختلال خواب و شود و به نوعی بر کیفیت زندگی فرد تاثیر بگذارد. در اختلالات روان‌شناختی زیر نشخوار فکری دیده می‌شود (کشاورزی ارشدی و همکاران، ۱۳۹۹). در تعریفی دیگر نشخوار ذهنی گرایش به فکر کردن و تجزیه و تحلیل ناکارآمد مسائل اضطراب‌آور و پریشان‌ساز (مانند مشکلات روزمره، تجارب تلخ، موقعیت‌های استرس‌زا و تروماتیک، نگرانی درباره آینده و...) بدون تلاش برای حل مسئله است (استروچ و همکاران، ۲۰۱۹). این افکار به صورت مزاحم و آزاردهنده هستند که می‌توانند به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه بروز پیدا کنند. به بیان دیگر نشخوار ذهنی، افکاری مزاحم و آزاردهنده هستند که فرد از آن‌ها برای رهایی یافتن از نگرانی‌ها و اضطراب‌های بهره‌بردار می‌کند ولی به حل مشکل و پایان یافتن نگرانی‌ها نمی‌انجامد؛ بلکه پریشانی و اضطراب فرد را افزایش می‌دهد (کشاورزی ارشدی و همکاران، ۱۳۹۹).

مارتین و تسر نشخوار فکری را اصطلاحی کلی می‌دانند که به طبقه‌ای کامل از افکار اشاره می‌کند که تمایل به تکرار دارند. از دیدگاه آنها نشخوار فکری مجموعه‌ای از افکار آگاهانه معرفی می‌نمایند که حول یک موضوع مهم می‌گردد و حتی در صورت غیبت تقاضاهای محیطی فوری و ضروری این افکار پدیدار می‌شوند. محیط بیرونی با ارائه نشانه‌هایی ممکن است موجب حفظ این افکار شود اما در عین حال حفظ این افکار و ادامه آن وابسته به نشانه‌های محیطی نیست (خسروی و همکاران، ۱۳۹۷). نالن هاکسما و همکارانش (۱۹۹۱) نشخوار فکری را به عنوان افکار منفعلانه و مکرر درباره علائم افسردگی، علل و نتایج آن مفهوم سازی کردند. برطبق این دیدگاه نشخوار فکری روی این حقیقت که فرد افسرده است، روی نشانه‌های افسردگی و روی علل، معنا و نتایج افسردگی، استوار است.

لوبومیرسکی و نالن هاکسما (۱۹۹۳) متوجه شدند که افراد دچار خلق افسرده احساس می‌کنند که نشخوار فکری موجب کسب بینش می‌شود و آنها را به راه حل می‌رساند. همچنین نالن هاکسما (۲۰۰۱) در تبیین تفاوت میزان شیوع افسردگی بین زنان و مردان معتقد است که نشخوار فکری بیشتر توسط زنان، یکی از مهمترین منابع آسیب‌پذیری بیشتر زنان برای افسردگی است. استروچ و همکاران (۲۰۱۹) نشخوار فکری را افکار مربوط به احساس غم می‌دانند و از آن تحت عنوان نشخوار فکری روی غم و اندوه یاد می‌کنند. (استروچ و همکاران، ۲۰۱۹)

الوی و همکارانش (۲۰۰۰) نشخوار فکری را به عنوان تعبیر و تفسیر حوادث استرس‌زای زندگی می‌دانند و آن را نشخوار فکری واکنش به استرس معرفی می‌کنند (بیگی هرچگانی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- مبانی نظری

۲-۱- علت بروز نشخوار ذهنی

عوامل گوناگون می‌توانند زمینه‌ساز افکار مزاحم و آزاردهنده در فرد شوند. این عوامل مربوط به رخدادهای گذشته و حال یا نگرانی نسبت به آینده هستند. برخی از این محرک‌های احتمالی که زمینه‌ساز افکار مزاحم و آزاردهنده می‌شوند چنین است:

- موقعیت استرس‌زا
- اعتماد به نفس پایین
- رویدادها و تجارب تلخ یا تروماتیک
- ترس و نگرانی درباره آینده
- کمال‌گرایی
- ترس و نگرانی درباره چیزهای خاص مانند فوبیا
- عزت نفس کم
- تغییرات ناگهانی در روند زندگی روزمره (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲- نشخوار ذهنی و اختلال روانی

نشخوار ذهنی یک اختلال روان‌شناختی نیست. بلکه پاسخی است که فرد به اضطراب و نگرانی‌ها می‌دهد. این فرآیند تلاشی برای کاهش پریشانی، جبران ناکامی‌ها و تجارب بد گذشته است. انسان به کمک نشخوار فکری تلاش می‌کند تا پاسخی به اضطرابش بدهد اما از آنجایی که این افکار ناکارآمد و منفعلانه است و حل مسئله را به همراه ندارد زمینه را برای افزایش نگرانی، ترس و اضطراب فراهم می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). برخی گمان می‌کنند که نشخوار ذهنی می‌تواند جنبه مثبت هم داشته باشد اما چنین نیست. نشخوار فکری با تجزیه و تحلیل منطقی و کارآمد متفاوت است. با این‌که نشخوار ذهنی یک اختلال روان‌شناختی نیست اما می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات روان‌شناختی گوناگون شود. در اختلالات روان‌شناختی زیر نشخوار فکری دیده می‌شود (کشاورزی ارشدی و همکاران، ۱۳۹۹).

اضطراب: نشخوار ذهنی پایه و بنیان اختلالات اضطرابی است. اگر اختلالات اضطرابی را یک درخت بدانیم ریشه این درخت نشخوارهای ذهنی است. کسانی که دچار اضطراب هستند با افکار مزاحم گوناگون دست و پنجه نرم می‌کنند. این افکار می‌تواند مربوط به رخدادهای گذشته و تجربه‌های تلخ یا تروماتیک، مسائل زمان حال یا نگرانی پیرامون آینده باشد. به یاد بسپارید که اضطراب ریشه برخی از اختلالات روانی دیگر است (لانسینو و همکاران، ۲۰۱۵).

افسردگی: نشخوار فکری در افرادی که دچار اختلال افسردگی هستند دیده می‌شود. این افکار مزاحم بیش‌تر مربوط به گذشته هستند و می‌توانند احساسات منفی مانند حسرت، گناه، پشیمانی، ناتوانی و پوچی را به همراه داشته باشند. افراد افسرده درگیر افکاری هستند که مربوط به گذشته است اما راهکاری برای حل آن پیدا نمی‌کنند (استروچ و همکاران، ۲۰۱۹).

اختلالات وسواس اجباری: نشخوار فکری می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش وسواس شود. همان‌گونه که گفته شد اختلال اضطراب زمینه‌ساز بروز اختلالات روان‌شناختی دیگر می‌شود. افراد مبتلا به اختلالات وسواسی اجباری ممکن است از افکار مزاحم ویژه‌ای رنج می‌برند. شدت پریشانی در وسواس بیش‌تر از نشخوار فکری است. ممکن است در برخی از افراد این نشخوارهای فکری با تقویت شدن، تغییر شکل پیدا کنند و تبدیل به وسواس شوند. در این حالت مشکلات فرد عمیق‌تر می‌شود. پس کسانی که دچار اختلال وسواسی اجباری هستند ممکن است دچار نشخوار فکری هم باشند (لانسینو و همکاران، ۲۰۱۵). اختلالات شخصیت: نشخوارهای فکری در برخی از اختلالات شخصیت مانند اختلال شخصیت مرزی، اختلال شخصیت خودشیفته، نمایشی و... هم دیده می‌شود. این افکار مزاحم زمینه‌ساز تشدید اختلال در فرد می‌شوند. اختلالات خورد و خوراک: کسانی که دچار اختلالات خورد و خوراک هستند نیز گرفتار افکار مزاحم می‌شوند. این افکار زمینه‌ساز پرهیز از خوردن یا رژیم‌های سخت و غیر منطقی می‌شود و به سلامت جسمانی فرد آسیب می‌رساند (یوک و همکاران، ۲۰۱۰). اختلالات خواب: در بسیاری از گزارش‌های درمانجویان پیرامون مشکلات خواب، از افکار مزاحم سخن به میان می‌آید. آن‌ها می‌گویند که گاهی پیش از خواب فکرشان به اندازه‌ای درگیر مشکلات روزمره و نگرانی‌های آینده می‌شود که دیگر نمی‌توانند به خواب بروند. به یاد بسپارید که اختلالات خواب نیز می‌تواند در نتیجه اضطراب در فرد پدید آید (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹).

- 1 Lanciano
- 2 Storch
- 3 Lanciano
- 4 Yook

۲-۳- عوامل محرک بالقوه برای نشخوار فکری

کمال گرایی؛ فرد کمال گرا مرتب از کار خود ایراد می‌گیرد و دچار نشخوار افکار می‌شود. عزت نفس پایین؛ در افراد با عزت نفس پایین افکار مبتنی بر احساس گناه و ناتوانی در انجام امور به نشخوار ذهنی فرد تبدیل می‌شود.

رویداد آسیب زا؛ برخی افراد پس از مرگ والدین، تصادفات رانندگی یا حوادث طبیعی مثل زلزله و سیل دچار نشخوار فکری می‌شوند.

استرس خاص؛ مانند یک رابطه ناموفق زناشویی یا شکست تجاری
رویداد استرس زای در آینده؛ مانند امتحانات نهایی یا مصاحبه کاری یا خواستگاری
روبرو شدن با ترس یا هراس؛ مانند شخصی که از سوزن ترس دارد و آزمایش خون انجام دهد.
انتظار دریافت اطلاعات در مورد یک رویداد بالقوه تغییر دهنده زندگی؛ مانند نتایج آزمایش پزشکی، تأیید وام یا نتایج کنکور.
نشخوار مداوم؛ به ویژه هنگامی که فرد علائم روانشناختی دیگری را نیز تجربه می‌کند، ممکن است نشانه بیماری روانی باشد.
نشخوار ذهنی در افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی خاصی هستند بیشتر دیده می‌شود. به عنوان مثال در افراد دارای کمال گرایی، روان رنجوری و تمرکز بیش از حد بر روابط با دیگران (یوک ۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

۲-۴- دلایل نشخوار ذهنی

دلایل نشخوار ذهنی اشخاص بسیار متنوع است. بر اساس انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) برخی از دلایل نشخوار ذهنی وسواسی عبارتند از:

باور به اینکه با نشخوار فکری، بصیرتی نسبت به زندگی و مشکلاتتان به دست می‌آورید.
سابقه‌ی تراما‌های (ضربه‌های روحی) عاطفی و فیزیکی.
مواجهه با عوامل استرس‌زای مداوم که قابل کنترل هم نیستند.
همچنین نشخوار ذهنی در بین کسانی که ویژگی‌های شخصیتی خاصی دارند رایج‌تر است، که شامل کمال‌گرایی، روان رنجوری، و تمرکز بیش از اندازه بر روابط شخصی با دیگران می‌شود (وایتال ۲ و همکاران، ۲۰۱۵).
ممکن است تمایل داشته باشید برای روابطتان با دیگران بیش از حد ارزش قائل شوید، به طوری که فداکاری‌های بزرگی برای رابطه می‌کنید، حتی اگر آن رابطه برای‌تان خوب نباشد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳- روش پژوهش

روش پژوهش از نوع همبستگی، از لحاظ هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیت کمی است. جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر از زنان مبتلا به وسواس بود که توسط مشاور و دکتر اعصاب و روان در شهرهای استان کردستان شناسایی شده‌اند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل از پرسشنامه استفاده شد. با مراجعه به ادارات بهداشتی، دفترهای مشاوره و روانشناسی و مطب دکترهای اعصاب و روان پرسشنامه‌های نشخوار فکری و کیفیت زندگی توسط افراد دارای این اختلال در حضور مشاور یا پزشک یا مسئولین مربوط در مراکز بهداشتی تکمیل شده است. پرسشنامه این پژوهش شامل دو بخش اصلی و یک بخش فرعی بود.

الف) نامه همراه: در این قسمت هدف از گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه و ضرورت همکاری پاسخ‌دهنده در عرضه داده‌های مورد نیاز، بیان شده است. برای این منظور بر با ارزش بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه تأکید گردیده تا پاسخ‌دهنده به طور مناسب پاسخ سؤال‌ها را عرضه کند.

ب) مشخصات پاسخ‌دهنده: این بخش از پرسشنامه مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان که شامل (جنسیت، وضعیت تحصیلی، سن و وضعیت تاهل) است

ج) سوالات مرتبط با متغیرهای تحقیق.

جدول ۱- ترکیب سوالات پرسشنامه

متغیرها	منبع	جمع سوالات
نشخوار فکری	هوکسما و مارو (۱۹۹۱)	۲۰
کیفیت زندگی زنان	سازمان بهداشت جهانی	۲۶
جمع	۴۶	

۳-۱- روایی (اعتبار) ابزار اندازه‌گیری پژوهش

در این پژوهش جهت سنجش اعتبار محتوا بر اساس نظر خبرگان و اساتید دانشگاه استفاده میشود. و همچنین قبلاً روایی پرسشنامه مورد استفاده در سایر مقالات خارجی و پایان نامه های ایرانی مورد تایید قرار گرفته است و برای اندازه گیری پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول ۲- متغیرها، تعداد سوال ها و ضریب پایایی

متغیرها	سطح قابل قبول	تعداد سوال ها	ضریب آلفای کرونباخ
نشخوار فکری	۰/۷	۲۰	۰,۷۹۹
کیفیت زندگی زنان	۰/۷	۲۶	۰,۶۷۲
ضریب آلفای کرونباخ کل سوالات			۰,۷۸۳

برای توصیف و تلخیص متغیرهای جمعیت شناختی از قبیل سن، جنسیت، سابقه و تحصیلات و ویژگی های توصیفی متغیرهای تحقیق از قبیل میانگین، انحراف معیار، چولگی و نمودارهای از آمار توصیفی و از آمار استنباطی به منظور بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف- اسمینوف و برای آزمون معناداری فرضیات تحقیق از آزمون ضریب همبستگی و شاخص رگرسیون به وسیله نرم افزار SPSS ۲۵ استفاده شد.

۳-۲- فرضیه پژوهش

افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری در روند کیفیت زندگی زنان مبتلا به این اختلال تاثیر گذار است.

۴- یافته ها

جدول ۳- همبستگی بین متغیرها (شاخص های کفایت رگرسیون)

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا
.595a	.354	.348	.47660

همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با 0/595 است. ضریب تعیین 35.4 درصد بدست آمده و این مقدار نشان می دهد که 35.4 درصد تغییرات کیفیت زندگی زنان مبتلا به افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری مربوط می شود چون این مقدار درجه آزادی را در نظر نمی گیرد لذا از ضریب تعیین تعدیل شده برای این منظور استفاده می شود که آن هم در این آزمون برابر 34.8 درصد است.

در جدول زیر معنی دار بودن رگرسیون به وسیله آزمون F محاسبه شده است.

جدول ۴- آزمون F (آنالیز واریانس) جهت معنا دار بودن رگرسیون

مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	سطح معناداری	مدل
12.207	1	12.207	53.740	.000۰	رگرسیون
22.261	98	.227			باقیمانده
34.468	99				جمع

با توجه به جدول فوق سطح معناداری محاسبه شده برای این آماره برابر 0/000 بوده و نشان از معنادار بودن رگرسیون در سطح ۹۵ درصد دارد.

جدول ۵- معنا دار بودن ضرایب رگرسیونی افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری در روند کیفیت زندگی زنان

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta		
مقدار ثابت	1.971	.152		12.952	۰,۰۰۰
افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری	-.450	.061	-.595	7.331	۰,۰۰۰

متغیر وابسته: کیفیت زندگی زنان

متغیر وارد شده در معادله رگرسیونی هسته اصلی تحلیل رگرسیون می باشد که در جدول فوق آمده است. معادله رگرسیونی را می توان با استفاده از ستون ضرایب استاندارد نشده به شرح زیر محاسبه کرد:

$$Y = 1.971 - 0.450X$$

کیفیت زندگی زنان = Y

افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری = X

میتوان گفت با ارتقا یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقا یا کاهش پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی با ارتقا یک واحد افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری به مقدار 0/450 متغیر کیفیت زندگی زنان 1/971 کاهش پیدا خواهد کرد. رابطه بین این دو متغیر معکوس و معنادار می باشد بنابراین با افزایش متغیر افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری در روند کیفیت زندگی زنان مبتلا به این اختلال کاهش می یابد این فرضیه تایید شده است.

۵- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نشخوار فکری با کیفیت زندگی زنان مبتلا به وسواس انجام گرفت. کیفیت زندگی مفهومی فراگیر است که محققان مختلف به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرده اند. کیفیت زندگی از مهمترین مسائل دنیای امروز در مراقبت از سلامتی، بزرگترین هدف بهداشتی برای بالا بردن سلامت افراد و عوامل موثر بر زندگی افراد ناتوان جامعه است. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت رسیدن به شرایط بهتر فیزیکی، روانی و اجتماعی است. کیفیت زندگی از موضوعات بسیار مهم در تحقیقات بالینی بوده و به عنوان یکی از جنبه های موثر در مراقبت از بیماران مورد تاکید قرار گرفته و بررسی آن از نظر تشخیص تفاوت های موجود بین بیماران، پیش بینی عواقب بیماری و ارزیابی اختلالات درمانی مورد استفاده قرار می گیرد. از آنجا که بسیاری از بیماری ها، اختلالات و ناسازگاری های روانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زندگی افراد تاثیر گذارند به این منظور گروه کثیری از مطالعات در صدد روشن کردن نقش شخصیتی در جمعیت های بالینی و سالم بوده اند. نشخوار فکری از جمله این ناسازگاری های روانی است. نشخوار ذهنی گرایش به فکر کردن و تجزیه و تحلیل ناکارآمد مسائل اضطراب آور و پریشان ساز (مانند مشکلات روزمره، تجارب تلخ، موقعیت های استرس زا و تروماتیک، نگرانی درباره آینده، بدون تلاش برای حل مسئله است. این افکار به صورت مزاحم و آزاردهنده هستند که می توانند به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه بروز پیدا کنند. به بیان دیگر نشخوار ذهنی، افکاری مزاحم و آزاردهنده هستند که فرد از آن ها برای رهایی یافتن از نگرانی ها و اضطراب هایش بهره برداری می کند ولی نه تنها مشکلی را حل نکرده، بلکه منجر به افزایش اضطراب و تنش می شود.

لذا تفکر و باورهای درست یکی از عوامل موثر بر کیفیت زندگی است. نتیجه پژوهش نشان داد که افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری در روند کیفیت زندگی زنان مبتلا به این اختلال تاثیر گذار است نشان داد که همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با 0/595 است. ضریب تعیین 35/4 درصد بدست آمده و این مقدار نشان می دهد که 35/4 درصد تغییرات کیفیت زندگی زنان مبتلا به افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری مربوط می شود چون این مقدار درجه آزادی را در نظر نمی گیرد لذا از ضریب تعیین تعدیل شده برای این منظور استفاده می شود که آن هم در این آزمون برابر 34/8 درصد است. با ارتقا یک واحد افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری به مقدار 0/450 متغیر کیفیت زندگی زنان 1/971 کاهش پیدا خواهد کرد. رابطه بین این دو متغیر معکوس و معنادار می باشد بنابراین با افزایش متغیر افکار منفی و مزاحم نشخوار فکری در روند کیفیت زندگی زنان مبتلا به این اختلال کاهش می یابد این فرضیه تایید شده است. با مطالعات غفاری و رضایی (۱۳۹۹) و برقی و همکاران (۱۳۹۹) و همبرگ و همکاران (۲۰۱۷) همسویی و همخوانی دارد یافته ها نشان داد که مهارت زندگی و گرایش به وسواسی در دانشجویان، قوی ترین متغیرها برای پیش بینی رضایت مندی زناشویی و کیفیت زندگی می باشند. بر اساس یافته های پژوهش برای افزایش میزان رضایت مندی زناشویی و کیفیت زندگی، زوجین بهتر است میزان مهارت های زندگی را در خودشان افزایش و میزان بیماری وسواسی را از طریق تدابیر لازم کاهش دهند. پس معنویت درمانی و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش علائم و باورهای وسواسی و بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری و عملی مؤثر است. میزان نشخوار فکری مرتبط با مرور احساسات ناشی از مشکل، نگرانی در مورد عدم حل مشکل و انتقاد از خود در بیماران افسرده و وسواس- جبری بیش از افراد

عادی بود. ضمن این که، دو گروه بیمار، نشخوار فکری بیش تری نسبت به افراد عادی داشتند. بر اساس این نتایج، می‌تواند با در نظر گرفتن نقش نشخوارهای فکری در تداوم اختلالات افسردگی و وسواس، به درمان آن در قالب برنامه‌های روان درمانی مبتنی بر اصلاح نگرش‌های ناکارآمد و آموزش شیوه‌های صحیح کنترل فکر و شیوه‌های حل مسئله توجه ویژه مبذول داشت. بیماران وسواسی در مقایسه با دیگر اختلالات اضطرابی رضایتمندی زناشویی و کیفیت زندگی بهتری دارند. این نتایج لزوم توجه به رضایتمندی زناشویی و کیفیت زندگی در تشخیص و طرح ریزی الگوی درمان برای اختلالات مذکور را خاطر نشان می‌سازد. در همین راستا راهبردهای درمانی نظیر گروه درمانی شناختی مبتنی بر حضور. آگاهی بیماران وسواس نسبت به مهارت‌ها، استعدادها، احساسات، باورها، نگرش‌ها و توانمندی‌های شناختی و اجتماعی خود و انجام دادن تکالیف در زمان مناسب و با کیفیت مناسب، درمان شفقت محور. لزوم توجه به کیفیت زندگی در تشخیص و طرح ریزی الگوی درمان. برنامه‌های روان درمانی مبتنی بر اصلاح نگرش‌های ناکارآمد و آموزش شیوه‌های صحیح کنترل فکر و شیوه‌های حل مسئله. افزایش سازگاری هیجانی و اجتماعی، کنترل واکنش‌های هیجانی، معنویت درمانی و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و روان درمانی تحلیل کارکرد. بر کاهش نشخوار فکری و بهبود کیفیت زندگی موثر است.

منابع

۱. برقی شیماسادات، روشن رسول، بهرامی هادی (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و معنویت درمانی به شیوه گروهی بر بهبود شدت علائم و باورهای وسواسی و کیفیت زندگی افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری و عملی. مجله مطالعات ناتوانی؛ ۱۰: ۶-۶
۲. بیگی هرچگانی، نیلوفر؛ حقایق، سید عباس، بشنام محسن (۱۳۹۸). نقش تعدیل کننده نشخوار فکری در رابطه بین کمال گرایی و ناتوانی ناشی از سردرد تنشی در بیماران شهرستان شاهین شهر در سال ۱۳۹۶: یک مطالعه توصیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان؛ ۱۸ (۴): ۳۳۸-۳۲۵
۳. خسروی معصومه، مهرابی حسین علی، عزیزی مقدم معیاده (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای مولفه‌های نشخوار فکری در بیماران افسرده، وسواس اجباری و افراد عادی. کومش؛ ۱۰ (۱): ۶۵-۷۲
۴. رستمی اعظم، شریعت نیا کاظم، خواجهوند خوشلی افسانه (۱۳۹۹). بررسی رابطه خودکارآمدی و ذهن آگاهی با نشخوار فکری در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود. فصلنامه علوم پزشکی؛ ۲۴ (۴): ۲۵۴-۲۵۹
۵. رضایی مهدی، غضنفری فیروزه، رضایی فاطمه (۱۳۹۷). اثربخشی طرحواره درمانی هیجانی بر شدت افسردگی و نشخوار فکری افراد مبتلا به افسردگی اساسی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد؛ ۲۴ (۱): ۴۱-۵۴
۶. غفاری، مظفر؛ رضایی، اکبر (۱۳۹۹). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی و کیفیت زندگی با گرایش به وسواسی و مهارت زندگی دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور، علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۲، از صفحه ۱۴۰ تا صفحه ۱۴۷
۷. کشاورزی ارشدی فرناز، حاجی زاده دکتر فرزانه، حسینی دکتر فریبا، صفا دکتر میترا (۱۳۹۹). اثربخشی مهارت آموزی مبتنی بر درمان شفقت به خود بر نشخوار فکری، خصومت و شرم در زنان مبتلا به HIV. مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران؛ ۳۸ (۴): ۲۲۵-۲۳۱
8. Heimberg, R.G. (2020). Distinct and overlapping features of rumination and worry: The relationship of cognitive production to negative affective states. J Cognitive Therapy and Research, 26(2), 179-88.
9. Lanciano, T., Curci, A. & Zatton, E. (2015). Why do some people ruminate more or less than others? The role of Emotional Intelligence ability. Europe's Journal of Psychology, 265-84
10. Storch, EA. Lisa, J. Merlo, LJ.(2019). Cognitive-behavioral therapy for pandas related obsessive-compulsive disorder. J Am Acad Child Adolesc Psychiatry; 45(10): 1171.
11. Wellen D, Samuels J, Bienvenu OJ, Grados M, Cullen B, Riddle M, and et al. (2017). Utility of the Layton Obsession Inventory to distinguish OCD and OCPD. Depress Anxiety, 24: 301-306
12. Whittal, M. Thordarson, D. McLean, P.(2015). Treatment of obsessivecompulsive disorder cognitive behavior therapy vs exposure and response prevention. Behav Res Ther; 43(12): 1559.
13. Yook, K. Kim, K. Young Suh, S. Lee, K. (2010). Intolerance of uncertainty, worry, and rumination in major depressive disorder and generalized anxiety disorder. Journal of Anxiety Disorders, 24 (1): 623-628

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس آنومی در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سنج

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

کد مقاله: ۵۱۶۹۰

شیوا سلطانی اصل^{*}

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس آنومی در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سنج انجام شد. روش مطالعه حاضر از نوع کمی است و براساس نوع هدف کاربردی و بر اساس زمان مقطعی است و همچنین فرآیند اجرای پژوهش از نوع پیمایشی است و از طریق پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه پرسنل بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سنج به تعداد ۳۹۰ نفر می باشد. در این پژوهش، به منظور نمونه گیری از جمعیت آماری از شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. ۱۹۴ نفر از کارکنان با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند که از این تعداد ۸۴ نفر از کارمندان بیمارستان حاضر به همکاری شدند و پرسشنامه در بین آنان توزیع شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. برای استنباط فرضیات پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون آزمون شفه و آزمون T برای مقایسه میانگین ها در نرم افزار SPSS استفاده گردید. یافته ها نشان داد که بین نگرش به آینده کارکنان با احساس آنومی رابطه منفی وجود دارد و هرچه نگرش به آینده کمتر باشد، احساس آنومی کارکنان بیشتر می شود. بین نابرابری اجتماعی، ابهام در قوانین، عدم مسئولیت پذیری، ضعف مدیریت با احساس آنومی رابطه مثبتی وجود دارد و هرچه نابرابری اجتماعی، ابهام در قوانین، عدم مسئولیت پذیری بیشتر باشد، احساس آنومی کارکنان نیز بیشتر می شود.

واژگان کلیدی: آنومی، نابرابری اجتماعی، بی هنجاری، ضعف مدیریت.

از جمله مسائلی که در طول تاریخ، انسان با نوعی با آن برخورد داشته، مسئله بی هنجاری^۱ بوده است. بی هنجاری می تواند بر حسب مواردی چون نوآوری، طغیان، اصلاح خواهی اجتماعی و یا رفتارهای ضد اجتماعی، تنازع و عدم پذیرش هنجارها، حکومت ناگرایی و یا ناهمنوایی منبعث از بی حالی و یا ناشی از خلق و ابداع، اشکال بسیار گوناگونی به خود گیرد (بیرو، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ همچنین به نحوی معیار مشترک بین اعضای جامعه متزلزل و از بین می رود؛ مسئله ای که به زعم برخی صاحب نظران، بیشتر در جوامع در حال گذر است. از سویی هم افرادی که خود دچار «احساس انومی» هستند با رفتارها و برخوردهای خود در سرایت همین احساس به دیگران و مبتلا کردن آن ها به «احساس انومی» نقش دارند (جوادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰). انومی به حالتی فکری گفته می شود که در آن به واسطه اختلالات اجتماعی، فرد دچار نوعی حالت سردرگمی در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد رفتاری می شود که نتیجه آن احساس فتور و پوچی است (علمی و همکاران^۲، ۲۰۰۵: ۲۳۹).

این واقعیت که انسان ذاتاً خواسته های سیری ناپذیری دارد و باید توسط یک نیروی تنظیم کننده خارجی کنترل شود، تناقضات موجود در تمدن را به ما نشان می دهد. زیرا همین نیروی خارجی در اشکال مختلف، رسانه ها، تعاملات انسانی، اجتماعی شدن در مدرسه و خانواده و ... که همه تحت گفتمان مسلط هستند، نه تنها محدودیتی برای خواسته ها ایجاد نمی کند، بلکه برعکس، سازوکارهایی برای تولید خواسته و میل آنها در انسان هستند. این مسئله در کشورهای در حال توسعه شکل دشوارتری به خود می گیرد چراکه این جوامع، در حال گذار از یک جامعه ای سنتی به جامعه ای مدرن هستند و با بحران های شدید اقتصادی، فرهنگی و به خصوص اجتماعی مواجه می باشند (ستوده، ۱۳۹۷: ۳۰-۱۲۹).

در شرایط ناهنجاری، به دلیل ضعف در قاعده هنجارها، تعارض بین آنها و حتی ظهور مناطقی بدون هنجارهای مشخص، عدم پایبندی به قوانین اخلاقی و سازمانی پدید می آید که در آن الگوها رفتار کارکنان را به خوبی هدایت نمی کنند؛ به عبارت دیگر، در این شرایط، بی نظمی، درگیری، بی ثباتی هنجارها و در برخی مناطق، ناهنجاری به وضوح قابل مشاهده است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). به عبارت دیگر می توان گفت که چون سازمان بر اساس نظم و به واسطه هنجارهای خود اداره می شود و هنجارها و الگوهای سازمانی تعیین کننده رفتار، درکنش متقابل میان کارکنان هستند، پیروی از آنها موجب تعادل و نظم در سازمان می گردد (مظلومی و سفیدچیان، ۱۳۹۴: ۴۵).

آسلا ندین (۱۹۹۹)، انومی را کمبود سرمایه اجتماعی بین مردم معرفی کرده است و احتمال وقوع آن را که از اشکال فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان افراد جامعه است، در دوره های سریع تغییر اجتماعی بیشتر می داند، زمانی که سرمایه اجتماعی در بین مردم جامعه و سازمان ضعیف عمل می کند و تطبیق یافتن با شرایط جدید برای افراد مشکل می شود. بنابراین مردم تمایلات اجتماعی خود را از دست داده و احساس ناامنی می کنند. دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در جامعه شناسی کلاسیک به چشم می خورد و شاید بتوان گفت که تولد جامعه شناسی معلول نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن و آغاز مدرنیته است. جامعه شناسان کلاسیک عمدتاً متوجه تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و خصوصیات منفعلانه فرد در قبال جامعه و ساختار اجتماعی هستند (ونزل^۳، ۲۰۰۹: ۱۳۹۲-۱۳۹۱).

رخداد شرایطی در جامعه بخصوص در بیمارستان ها که افراد آن به دلیل ناکارآمدی هنجارها و عرف اجتماعی، بی اعتمادی به نهادها و قوانین و ضوابط سازی و جاری در آن، بی اعتمادی در تعاملات با یکدیگر در برقراری کنش ارتباطی و تعاملی پویا و سازنده در میمانند، جامعه در معرض فروپاشی ساختارها و بی سازمانی نهاده شده است. پس برای برقراری و ایجاد کنش های ارتباطی و استدلال محور در جامعه، باید زمینه های این نوع کنش را فراهم کرد. فراهم کردن زمینه ی برقراری این نوع کنش، آسیب شناسی و رفع موانع موجود بر سر راه آن در بیمارستان ها می باشد. اهمیت این امر سبب شد تا مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه عوامل اجتماعی موثر بر احساس انومی در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سمنان انجام می گیرد.

در واقع در فضای انومیک کنشگر اگر هم خلاقیتی از خود بروز دهد این خلاقیت صرفاً معطوف است به علائق خودش چراکه فرد انومیک فضای اجتماعی را فضایی آزاردهنده و ناعادلانه می پندارد که نه تنها در این فضا نمی توان با دیگری همکاری کرد که باید مراقب باشد که در این فضا مورد آسیب دیگری قرار نگیرد. چنین فضایی طبعاً پیامدهای روانی شدیدی نیز می تواند به دنبال داشته باشد. لذا مطالعه ی انومی می تواند در شناخت زمینه های بروز اختلالات روانی نیز مؤثر باشد چراکه این اختلالات در بستری اجتماعی رخ می دهند و غالب آنها به اصطلاح درون فکنی خشمی هستند که فرد نسبت به جهان عینی (با واژگان جامعه شناختی ساختار اجتماعی) دارد.

1 Anomie

2 Elmi, Sharepour and Hoseini

3 Wenzel

۲- پیشینه تحقیق

خوشبخت و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «تبیین ابعاد انومی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش آموزان دوره‌ی متوسطه استان ایلام)» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که بین ابعاد انومی و اعتماد بین فردی، نگرش به آینده و احساس نابرابری اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. به گونه‌ای که رابطه بین ابعاد انومی و اعتماد بین فردی و نگرش به آینده معنادار معکوس و رابطه بین ابعاد انومی و احساس نابرابری اجتماعی معنادار و مستقیم بوده است. به طور کلی باید گفت که برای شناخت و بررسی پدیده‌های اجتماعی، باید ابعاد گوناگون آن را مطالعه کرد و متغیرهای بیشتری را در رابطه با مسئله مد نظر همراه با دقت بیشتری سنجید. محققان این مطالعه از نظریات دورکیم استفاده کردند. او در نظریه‌های کلاسیک خود مفهوم انومی و بی‌هنجاری اجتماعی را در دو سطح فردی و جمعی به کار برده است. انومی در سطح فردی، نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری و نشانگر حالتی فکری است که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود؛ اما در حالت اجتماعی، انومی در شرایطی امکان وقوع دارد که بر اثر تغییر جمعیتی و تقسیم کار اجتماعی مفهوم پیدا می‌کند و فرد مجال بروز می‌یابد و در عین حال نیروی وجدان جمعی نیز تضعیف می‌گردد. به نظر دورکیم انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنی پیدا می‌کند. در این تحقیق از رویکرد چهارگانه‌ی خرده نظام‌های پارسونز، ۴ بعد انومی مورد نظر است که عبارت‌اند از: انومی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.

نوابخش و نوریان‌فر در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر احساس انومی (بی‌هنجاری) سیاسی مطالعه موردی: شهروندان استان ایلام» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که میزان آزمون T معادل $2/86$ - و میزان سطح معنی داری در حدود $0/23$ است. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط این دو معنادار است؛ بنابراین، برای اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش از چهار شاخص استفاده شد که عبارت‌اند از: احساس انومی سیاسی، انومی سیاسی، ناهنجاری، تضاد هنجاری. نتایج تحلیل عاملی، آزمون T و خطای استاندارد نیز نشان می‌دهد که: متغیرهای رشد شتابان اقتصادی، انسجام دینی، در حد متوسط به بالا، متغیرهای ناعادلانه بودن قواعد، فردگرایی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در حد متوسط و میانه و متغیر سکولاریزم بسیار پایین تر از حد متوسط بر احساس انومی سیاسی شهروندان تأثیرگذار بودند. در این پژوهش با مطالعه آثار دورکیم مدل تئوری برای بررسی عوامل مؤثر بر احساس انومی سیاسی تدوین شده که عبارت‌اند از: تغییرات شتابان اقتصادی، همبستگی سیاسی، یگانگی دینی، ناعادلانه بودن قواعد، فردگرایی و سکولاریزم. ارکان و اجزای انومی مطرح در این پژوهش عبارت‌اند از: وحدت و انسجام سیاسی، مذهب، فردگرایی دینی و سکولاریزاسیون، یگانگی دینی و بی‌هنجاری، سکولاریزاسیون و بی‌هنجاری، فردگرایی خودخواهانه و بی‌هنجاری و غیر عادلانه بودن اصول قواعد.

جوادی و همکاران (۱۳۹۱)، تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس انومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز» انجام دادند. میزان احساس انومی در پژوهش حاضر ($55/61$) بدست آمد. در این تحقیق فرضیه ارتباط همبستگی اجتماعی نظریه دورکیم، نظریه مسنر و کروهن، رابطه معکوس همبستگی اجتماعی و احساس انومی، ارتباط احساس انومی با نظارت اجتماعی با نظریات دیوید ریزمن و اینکینسون و رابرتسون و رابطه معکوس نظارت اجتماعی و احساس انومی، کاهش احساس انومی با پذیرفتن ارزش‌های جامعه پارسونز تأیید شدند. پژوهش فوق بر اساس نظریات انومی دورکیم، رفتارهای اجتماعی پنجگانه مرتون و پارسونز و نظریه انومی سی من انجام شده است.

ویسر^۱ (۲۰۱۲)، تحقیقی با عنوان «ارتباط میان فشار اقتصادی و انزوای اجتماعی: نقش شرایط اقتصاد کلان و هزینه حفاظت اجتماعی در ۳۲ کشور اروپایی، ۲۰۱۰-۲۰۰۲» با هدف درک چگونگی و تعیین حدود تأثیرات شرایط کلان اقتصادی و هزینه حفاظت اجتماعی بر فشار اقتصادی ادراک شده و انزوای اجتماعی و نیز در نظر گرفتن اینکه تا چه اندازه هزینه حفاظت اجتماعی برای فشار اقتصادی و برای انزوای اجتماعی در شرایط متغیر اقتصاد کلان، ضعیفتر یا قویتر می‌گردد و نهایتاً مطالعه اینکه تا چه اندازه گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی بیشتر در خطر تجربه فشار اقتصادی هستند و به نوبه خود تا چه اندازه فشار اقتصادی به انزوای اجتماعی قابل تفسیر است.

فیشر و همکاران^۲ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «ابعاد ذهنی انزوای اجتماعی: بررسی کیفی تجارب سالخوردگان در شبکه‌های حمایت اجتماعی کوچک» به این نتیجه رسیدند که داشتن شبکه حمایت اجتماعی کوچک با انزوای اجتماعی و افزایش ریسک آسیب‌پذیری روحی و جسمی رابطه دارد. همچنین در این پژوهش ضرورت به کارگیری چشم‌انداز زندگی فرد در کنار ارزیابی کمی برای فهم شبکه‌های اجتماعی کوچک به عنوان تجربه‌ای از زندگی، مورد بحث قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش بر مبنای ۲۸ مصاحبه عمیق با سالخوردگانی است که در معرض ریسک انزوای اجتماعی قرار داشتن شناخته شده‌اند.

همانطور که مطالعات پیشین مشاهده شد، تمامی این مطالعات دارای نقطه مشترک از لحاظ خصوص انومی و ابعاد آن تحلیل نابسامانی‌های اجتماعی و از هم پاشیدگی هنجارها در گرو تحلیل نظری انومی از دیدگاه‌های مختلف در گروه‌های جامعه با مطالعه حاضر را دارد. از مهم‌ترین اختلاف مطالعه حاضر با دیگر مطالعات انجام شده می‌توان به جامعه آماری متفاوت و همچنین

1 Visser

2 Fisher et al

مولفه های نظری عوامل اجتماعی متفاوت با دیگر تحقیقات در نظر گرفت. این مطالعه با دیدگاه های نظری ارایه شده نمودی از بینش کلی و جزئی را در مورد آنومی نشان خواهد که که با عوامل اجتماعی که از دیدگاه های فکری ارایه شده در سطح کلان دورکهایم و مرتن احساس نابرابری، از هم پاشیدگی هنجارها، امیدواری، ضعف مدیریت، از دیدگاه های فکری ویلیام گود، شاو و مک گی، هارلوک و والتر رکلس نظارت خانواده، از دیدگاه ساترلند و هیرشی پیوندهای اجتماعی و از نظریه استاک پایبندی مذهبی مورد استفاده قرار می گیرد.

۳- چارچوب نظری پژوهش

آنومی از مسائلی است که جوامع مدرن با آن دست به گریبان اند. آنالومی مسئله اجتماعی یا بیماری جامعه مدرن است. در ادغام مشخصه های مطرح برای رهبری سیاستمگرانه با ناهنجاری های سازمانی می توان گفت با زیر پا نهادن ارزش های هدایت گر انسانی و اخلاقی می تواند رهبران زمینه برای تحقیقی آشکار و نهان کارکنان فراهم می گردد و از این طریق با ایجاد یک احساس درونی بی ارزش، آشوب و بی هنجاری سازمانی ادرار شده در کارکنان افزایش می یابد. هاوس و هاوول نشان داده اند که احساس بی عدالتی بطور جدی می تواند باعث احساس بی نظمی هنجاری و ناهنجاری شوند.

نظریه آنومی دورکهایم یکی از مهمترین نظریه های جامعه شناسی گذر رفتاری و انواع صور ناهنجاری های اجتماعی است که آنومی را در معنای بی سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی، بی هنجاری در نظام علم در نظر گرفته است. اندیشمند فرانسوی آنومی را در کتاب خودکشی معادل واژه فرانسوی *Dereglement* قرار داده و از آن در مفهوم عدم التزام به قواعد اخلاقی استفاده کرده است. دورکهایم به عنوان یکی از پیشگامان علم جامعه شناسی و از سرآمدان روش اصالت واقعیت اجتماعی با استفاده از روش تجربی به مطالعه انحراف و بی هنجاری اجتماعی پرداخته است. در دیدگاه دورکهایم، آنومی به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات علم و آنچه جامعه به عنوان قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است، به کار رفته است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۳). در این دیدگاه، زمانی شرایط آنومیک در یک جامعه ایجاد می شود که قواعد رفتاری از بین رفته یا در اثر تغییرات سریع اجتماعی یا بحران های اجتماعی مثل جنگ، قحطی و تورم به خو عمل نمی کند، یک چنین جامعه های ناتوان از کنترل آرزوها و تقاضاهای افراد است (سیگل، ۲۰۰۱) که در سایه چنین دگرگونی های نهادی و فرهنگی ناشی از ظهور مدرنیسم، نظارت اجتماعی سنتی اثراتش را از دست داده و اغتشاش در هنجارها را به وجود می آورد (گالن و کاران، ۲۰۰۴).

در دیدگاه نظری دورکهایم، واقعیت شناخته شده ای مطرح می شود که در آن بحران های اقتصادی بر تمایل افراد به خودکشی اثر تشدید کننده ای دارند به نظر وی، بحران ها هستند که آنومی را به وجود می آورند اگرچه بحران های صنعتی و مالی باعث افزایش خودکشی می شوند و نمی توان این نتیجه را گرفت که این افزایش به سبب فزونی فقری است که از بحران ها ناشی شده است چرا که بحران های حاصل از رفاه نیز به افزایش خودکشی می انجامد (دورکهایم، ۱۳۸۷). به تعبیری در حالت بحران، نظم و ترتیب طبقاتی بر هم خورده و فقر غیرقابل تحمل در اثر تغییر شرایط زندگی، دامنه نیازها و سلسله مراتب آرزوهای افراد نیز تحت تأثیر قرار داده و سپس تجدید نظر در هنجارهای سنتی توسط افراد صورت می پذیرد و از هم پاشیدگی در فرآیند رضایتمندی افراد نیز تخطی یا انحراف از هنجارهای اجتماعی را باعث می شود.

با این توضیحات معلوم می شود که دورکهایم دگرگونی های سریع در جامعه را به عنوان علت آنومی مطرح می کند از نظر او هر گونه تحرک سریع در اجتماعی که به از هم پاشیدگی شبکه ها پیامد، احتمال وقوع آنومی را قوت می دهد (معیدفر، ۱۳۹۵).

چنین دورکهایم در تحلیل ساختاری خود به نقش انسجام اجتماعی در آنومی اشاره کرده و پیوستگی اجتماعی افراد یک گروه با دیگر و انسجام سیستمی میان گروه های اجتماعی مختلف در کل جامعه را در این زمینه مهم عنوان کرده است. او برخلاف اثبات گرایان قبلی به شیوه های فردگرا و یا زیستی متوسل نشده و عمدتاً کانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی قرار می دهد و بر این عقیده است که هر چند کج رفتاری در تمام جوامع اتفاق می افتد ولی شکل مدرن آن خاص جوامع مدرن با انسجام ارگانیکی است که به شکل آنومی به عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می شود (ممتاز، ۱۳۹۱).

رابرت مرتن دومین شخصیتی است که تحت تأثیر دورکهایم از مفهوم آنومی بهره زیادی برده است. به نظر مرتن یک جامعه یا نظام اجتماعی می تواند در حالت سوء یکپارچگی قرار بگیرد که در چنین شرایطی تعادل ساختاری در معرض تهدید قرار می گیرد و بر وسایل نهادی شده کمتر از اهداف نهادی شده تأکید می شود. از نظر وی، این سوء یکپارچگی که حدی از عدم تعادل ساختاری است و ناشی از عدم تأکید بر هنجارها و مقررات و یا وسایل نهادی شده به اندازه تأکید بر اهداف نهادی شده است، می تواند باعث سستی و ضعف روزافزون هنجارها و مقررات شود و روند سوء یکپارچگی را تشدید کند (معیدفر، ۱۳۹۵).

رابرت مرتن با استفاده از دیدگاه فشار هدف ابتدایی خود را کشف این مسأله می داند که چگونه بعضی ساختارهای اجتماعی فشار مشخصی روی پاسخ های معین در جامعه برای درگیر شدن در اعمال نا نوایانه بیش از اعمال نوایانه اعمال می کنند که در این صورت ما باید انتظار داشته باشیم که نرخ بالایی از رفتار انحراف در این گروه ها پیدا کنیم، نه به خاطر اینکه انسان از گرایش های مختلف زیستی ترکیب شده است بلکه به خاطر اینکه انسان ها به صورت معمول به موقعیت های اجتماعی که خودشان را در آن پیدا می کنند، پاسخ می دهند. مرتن با ارایه دیدگاه اصلی خودش در قالب نظریه فشار از فرصت های مشروع

افتراقی یاد کرده و آن را در پارادایم اثبات گرا مورد کاوش قرار داده است. به نظر مرتن این جامعه است که فرد را به سمت رفتارهای انحراف سوق می‌دهد در این دیدگاه، کج رفتاری حاصل فشار ساختارهای اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتار شدن مجبور می‌کند تضاد و نبود تعادل بین اهداف و شیوه‌های نهادی شده مورد قبول افراد جامعه فرصت‌های نابرابری را در جامعه پدید می‌آورد (مرتن، ۱۹۸۶).

این عدم تعادل ساختی موجب بی‌هدایت شدن مقررات شده و زمینه برای نیل به هدف موفقیت به هر وسیله ممکن به اجرا در می‌آید که حالت افراطی چنین وضعیتی به طور منطقی بی‌قانونی و رهایی کامل فرد از قیدوبند هنجارها و فردیت است (معدفر، ۱۳۹۵). مرتن همچنین با تأکید بر نقش نظام فرصت‌های نابرابر در آنومی و آشفتگی اجتماعی معتقد است «هنگامی که امکان دسترسی به شیوه‌های مشروع رسیدن به هدف‌های موفقیت‌آمیز برای بخش قابل توجهی از جمعیت بسیار دشوار یا به طور کلی غیرممکن باشد، آشفتگی، کجروی و انحراف در مقیاسی گسترده بروز می‌کند» (کوزر، ۱۳۷۸).

شاو و مک‌گی با اشاره به هدایت سازمانی اجتماعی، شرایط شهری را عامل ظهور کج رفتاری عنوان می‌کنند از این نظر، در نواحی نابسامانی که نشانه‌های آن میزان بالای بیکاری، میزان بالای ترک تحصیل، سطح پایین درآمد و تعداد زیاد خانواده‌های تک‌والدی می‌باشد، چنانچه یکی از نهادهای کنترل اجتماعی مثل خانواده از هم پاشد و نتواند کارکردهایش را به نحو احسن انجام دهد در این شرایط رفتارهای ضد اجتماعی افزایش پیدا می‌کند (کاستلو و وول، ۱۹۹۹).

ادیون ساترلند تحت تأثیر نظریات شاو و مک‌گی عنوان می‌کند رفتارهای انحراف مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. به نظر ساترلند کج رفتاری یادگرفتنی بوده و ارثی یا محصول بهره‌هوشی پایین نیست، در تعامل با دیگران آموخته می‌شود، در درون گروه‌ها آموخته می‌شود و تأثیر رسانه‌ها در مرحله بعدی قرار می‌گیرند، تفاوت به لحاظ فراوانی، شدت، دوام، سن افراد و تأثیرپذیری افراد در ایام کودکی و جوانی در این امر مهم هستند (صدیق سروسناتی، ۱۳۹۳). به نظر ساترلند کج رفتاری مرتبط با تفاوت ارتباطات است و علت گسترش ناهنجاری‌ها بر اثر اشاعه خرده فرهنگ‌های خلافکار است یعنی در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند و افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهکار یا تبهکار می‌شوند. از نظر ساترلند فعالیت‌های غیرقانونی تا حدودی اند فعالیت‌های قانونی فراگرفته می‌شود به عنوان وسیله‌ای برای ان نیازها و ارزش‌های عام به کار می‌روند (گیدنز، ۱۳۹۱).

تروایس هیرشی به عنوان پایه‌گذار نظریه کنترل اجتماعی، علت نوایی افراد را با هنجارهای اجتماعی، پیوندهای اجتماعی می‌کند. به نظر هیرشی با سست شدن پیوندهایی که افراد را به جامعه متصل می‌کنند، تمام افراد به طور بالقوه قانون‌شکنی را تجربه خواهند کرد و با این تفاوت که بیشتر این افراد کنترل می‌شوند زیرا می‌ترسند که رفتارهای غیرقانونی آن‌ها به روابطشان با دوستان، خانواده، همسایگان لطمه بزند. ارتباط با سایر افراد، پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایج برای آینده دارد و اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی از عوامل نوایی و یا نا نوایی افراد تلقی شود (کاستلو و وول، ۱۹۹۹). هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را شامل داشتن تعلق خاطر یا علاقه نسبت به افراد و نهادها در جامعه، داشتن تعهد، مشغولیت و مشارکت، ایمان اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی می‌داند (صدیق سروسناتی، ۱۳۹۳).

رکلس، میزان توانایی و کارکرد سیستم فشاری در سطح جامعه به عنوان عامل نظارتی می‌تواند انسجام اجتماعی و در نهایت اعمال آنومیک را باعث شود. از نظر رکلس، کاهش کنترل‌های بیرونی (هنجارهای رسمی یا اجتماعی) و کنترل‌های درونی (هنجارهای غیررسمی و یا فردی) منتج به افزایش هنجاری می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۹۳).

بر اساس دیدگاه آلرت کوهن (۱۹۸۳) کوهن استدلال می‌کند که پسران طبقه پایین اهداف طبقه متوسط را می‌پذیرند اما برای دستیابی به آنها از طریق وسایل قابل قبول از نظر اجتماعی امکاناتی ندارند و بنابراین بر اساس معیار طبقه متوسط مورد قضاوت قرار می‌گیرند گویا قصد دارند به طبقه متوسط برسند ارزش‌های پسران طبقه پایین آمادگی لازم برای دستیابی به اهداف طبقه متوسط را ندارند، بنابراین دائماً از وضعیتی که هنجارهای طبقه متوسط آن را مطلوب می‌دانند محروم می‌شوند (نبوی، ۱۳۸۵). همچنین بر اساس نظریه کوهن (۱۹۹۳) وقتی مدیریت ناکافی سازمان به طور غیر منطقی، تأکید شدیدی بر دستیابی به هدف دارد، بدون اینکه متناظر با آن، بر رویه‌های مشروع دستیابی به هدف تأکید کند، آنومی ایجاد می‌گردد.

طبقه اجتماعی اقتصادی از یک سو به عنوان امکانات برای کنشگر عمل می‌کند، امکاناتی که وضعیت ساختاری او برای پیشبرد اهدافش در اختیار او می‌گذارند این مسئله مورد تأکید رابرت مرتون (۱۹۶۸ و ۱۹۳۸) است. بنابراین آرزومندی به اهداف توفیق‌آمیز و فرصت‌های ادراک شده برای دستیابی به این آرزومندی‌ها و همچنین شکاف بین این دویه عنوان سه متغیر کلیدی در این پژوهش در درون طبقه‌ی اجتماعی - اقتصادی طرح می‌شوند. به این ترتیب با مروری بر برخی نظریه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که آنومی مفهومی جامعه‌شناختی است که به وضعیت و شرایط اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای معمول با واقعیت‌های اجتماعی در ستیز قرار گرفته، معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در زندگی اجتماعی وجود نداشته، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار افراد از دست داده، تعهدات متقابل نادیده گرفته شوند و افراد به درستی از قواعد و قوانین پیروی نکنند (معدفر، ۱۳۸۵). افراد در این شرایط دچار نگرانی، اضطراب سردرگمی، بی‌هدفی، بی‌معنایی، بی‌انگیزگی، انزوایی، بی‌قدرتی و بیگانگی شده و گسست میان افراد و جامعه آشکار می‌شود. این حالات احساس آنومی فردی را بازتاب می‌دهد (شیانی، ۱۳۸۶).

در چارچوب نظریه مبادله اجتماعی، هومنز رفتارهای اجتماعی را به عنوان یک تبادل دو طرفه بین افراد می‌داند که ممکن است نتیجه مثبت یا پاداش و یا نتیجه منفی به دنبال داشته باشند. او در این رابطه چند قضیه را از جمله قضیه موفقیت، انگیزه، ارزش، محرومیت-سیری و قضیه پرخاش-تأیید مطرح می‌کند (توسلی، ۱۳۸۸). طبق نظر هومنز، شرط احساس مسؤولیت افراد هر جامعه‌ای نسبت به جامعه و مشارکت در فعالیت‌های جمعی به میزان پاداشی بر می‌گردد که افراد از رفتار خود دریافت کرده باشند. اگر مشارکت و یا احساس مسؤولیت یک جانبه باشد و فقط از سوی افراد جامعه باشد و جامعه خود را مقید و ملزم به برآورده کردن خواسته و نیازهای مادی و معنوی افراد آن جامعه نکند مسلماً تمایل مردم هم برای انجام رفتارهای داوطلبانه کمتر شده و کم کم به خاموشی می‌گراید. بنابراین بی‌تفاوتی اجتماعی یک جاده یک طرفه نیست که ما از افراد جامعه انتظار مسؤولیت‌پذیری و درگیری در مسایل جامعه داشته باشیم. جامعه نیز باید به نوبه خود محرک لازم برای درگیر شدن افراد در رفتارهای نوع‌دوستانه را فراهم کند.

به اعتقاد ملوین سیمن (۱۹۹۱) هرگاه فرد ارتباطش را با جامعه از دست بدهد دچار از خود بیگانگی می‌شود. او پنج نوع از بیگانگی را از هم متمایز می‌کند که عبارتند از احساس بی‌قدرتی و ناتوانی، احساس بی‌هنجاری و بی‌معیاری، احساس انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی و احساس تنفر از خود یا جدایی از خویشان.

بنابراین بر اساس چارچوب نظری، فرضیات پژوهش بصورت زیر تدوین می‌گردد:

۱. به نظر می‌رسد عزت نفس بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.
۲. به نظر می‌رسد نگرش به آینده بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.
۳. به نظر می‌رسد احساس نابرابری بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.
۴. به نظر می‌رسد ابهام در قوانین بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.
۵. به نظر می‌رسد عدم مسؤولیت‌پذیری بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.
۶. به نظر می‌رسد ضعف مدیریت بر احساس انومی کارکنان تأثیر گذار باشد.

۴- روش تحقیق

روش مطالعه حاضر از نوع همبستگی و از نوع کمی است و براساس نوع هدف کاربردی و بر اساس زمان مقطعی است و همچنین فرایند اجرای پژوهش از نوع پیمایشی است و از طریق پرسشنامه خوداجرائی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه پرسنل بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سمنان به تعداد ۳۹۰ نفر می‌باشد. در این پژوهش، به منظور نمونه‌گیری از جمعیت آماری از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. در ابتدا چند بخش از بیمارستان تأمین اجتماعی را به طور تصادفی برگزیدیم و سپس از بین هر بخش از بیمارستان چند بخش را معین و پس از آن عناصر نمونه را از هر واحد به طور تصادفی انتخاب کردیم. و در نهایت بخش‌های اداری و خدماتی بیمارستان را برای اجرای پژوهش، انتخاب نمودیم.

حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران تقریباً ۱۹۴ نفر بدست آمد. از این تعداد ۸۴ نفر از پرسنل بیمارستان تأمین اجتماعی سمنان که حاضر به همکاری بودند، انتخاب شدند و پرسشنامه در بین آنان توزیع گردید.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پرسشنامه عوامل موثر بر احساس انومی استفاده گردید. این پرسشنامه محقق ساخته و بر اساس نظریات کوپراسمیت، تارویردی زاده و همکاران، مرتن، ساترلند، قلاوندی، مرتن، پارسونز، دورکهایم، مرتن، شاو و مک گی تنظیم گردیده و ۶۶ سوال دارد. این پرسشنامه با کمک استاد راهنما اصلاح و تنظیم گردید و روایی آن بر اساس نظریات دیگر اساتید تأیید گردید. در این مطالعه جهت بدست آوردن پایایی، پرسشنامه بین ۳۰ نفر از پرسنل بیمارستان تأمین اجتماعی توزیع شد و داده‌های آن با کمک نرم افزار SPSS جهت آزمون آلفای کرونباخ، تحلیل شد. نتایج پایایی پرسشنامه حاکی از آن است که ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ بدست آمد.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون برای اثبات فرضیات در نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS24 استفاده شد.

۵- یافته‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی آنان رابطه وجود دارد.

بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. $\rho = 0: H_0$

بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرش به آینده و احساس انومی	-۰,۳۲۵	۰,۰۰۳

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی در سطح ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه منفی و معکوسی بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۳۲۵- می‌باشد؛ بنابراین هرچه نگرش به آینده کمتر باشد، احساس انومی کارکنان بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین احساس نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی آنان رابطه وجود دارد.

بین نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. $\rho = 0: H_0$

بین نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نابرابری اجتماعی و احساس انومی	۰,۴۴۴	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 قبول شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه مثبت و مستقیمی بین نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۴۴۴ می‌باشد؛ بنابراین هرچه نابرابری اجتماعی بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین ابهام در قوانین کارکنان با احساس انومی آنان رابطه وجود دارد.

بین ابهام در قوانین کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. $\rho = 0: H_0$

بین ابهام در قوانین کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ابهام در قوانین و احساس انومی	۰,۵۷۳	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین ابهام در قوانین با احساس انومی در سطح ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه مثبت و مستقیمی بین ابهام در قوانین با احساس انومی وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۵۷۳ می‌باشد؛ بنابراین هرچه ابهام در قوانین بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین عدم مسئولیت پذیری کارکنان با احساس انومی آنان رابطه وجود دارد.

بین عدم مسئولیت پذیری کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. $\rho = 0: H_0$

بین عدم مسئولیت پذیری کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
عدم مسئولیت پذیری و احساس انومی	۰,۵۰۴	۰,۰۱۷

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین عدم مسئولیت پذیری کارکنان با احساس انومی پذیرفته در سطح ۹۵ درصد می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه مثبت و مستقیمی بین عدم مسئولیت پذیری کارکنان با احساس انومی وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۵۰۴ می‌باشد؛ بنابراین هرچه عدم مسئولیت پذیری بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز افزایش خواهد یافت.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی آنان رابطه وجود دارد.

بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. $\rho = 0: H_0$

بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی آنان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \rho \neq 0$

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ضعف مدیریت و احساس انومی	۰/۶۲۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق چون سطح معنی‌داری کوچک تر از ۰/۰۵ است و نتیجه آن این است که فرضیه H₀ تایید شده و فرضیه H₁ (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی در سطح ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه مثبت و مستقیمی بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۶۲۹ می‌باشد؛ بنابراین هرچه ضعف مدیریت بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز افزایش خواهد یافت.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس انومی در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر سنج انجام گرفت. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه منفی و معکوسی بین نگرش به آینده کارکنان با احساس انومی وجود دارد و هرچه نگرش به آینده کمتر باشد، احساس انومی کارکنان بیشتر می‌شود. این نتیجه با نظریه کلوارد و اوهلین همخوان است که بیان داشت که انومی یک خرده فرهنگ کج رفتارانه یک ساختار فرصت است که از پیش‌عضایی که در آینده به عضویت این خرده فرهنگ در خواهند آمد را سامان می‌دهد. آن‌ها بر خلاف مرتون و کوهن بیان می‌کنند که ارزش‌های کج رفتارانه هم واسطه‌ای فرصت‌های مشروع و هم واسطه‌ای فرصت‌های نامشروع برای موفقیت در نگرش به آینده انتقال می‌یابند. این نتیجه فقط با تحقیق خوشبخت و همکاران (۱۳۹۶) همسو است.

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی بین نابرابری اجتماعی کارکنان با احساس انومی وجود دارد و هرچه نابرابری اجتماعی بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز بیشتر می‌شود. بنابراین تفاوت‌های میان افراد و جایگاه‌هایی هستند که به صورت اجتماعی تعریف شده و آن‌ها را اشغال کرده‌اند همین تفاوت‌ها افراد را به لحاظ حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات دچار نابرابری می‌کند. که با نظریه انومی دورکهایم همسو است. از نظر دورکهایم انومی ادغام مشخصه‌های مطرح برای رهبری سیاست‌مگرانه با ناهنجاری‌های سازمانی می‌توان گفت با زیر پا نهادن ارزش‌های هدایت‌گر انسانی و اخلاقی می‌تواند رهبران زمینه برای تحقیقی آشکار و نهان کارکنان فراهم می‌گردد و از این طریق با ایجاد یک احساس درونی بی‌ارزش، آشوب و بی‌هنجاری سازمانی اذراء شده در کارکنان افزایش می‌یابد. هاوس و هاوول نشان داده‌اند که احساس بی‌عدالتی بطور جدی می‌تواند باعث احساس بی‌نظمی هنجاری و ناهنجاری شوند. این نتیجه تنها با تحقیق خوشبخت و همکاران (۱۳۹۶) همسو است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی بین ابهام در قوانین با احساس انومی وجود دارد و هرچه ابهام در قوانین بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز بیشتر می‌شود. مطابق در نظر دورکیم یک جامعه انومیک، جامعه‌ای است که قواعد رفتار -هنجارها- شکسته شده یا در طول دوره‌ای از تغییرات سریع کارآمدی خود را از دست دهند. هر جامعه تلاش دارد تا اهداف و آرزوهای مردم خود را محدود کند اگر جامعه‌ای انومیک شود نمی‌تواند برخواست‌ها و آرزوهای جامعه‌ی خود اعمال کنترل کند؛ در این جامعه مطالبات افراد پایان ندارند در این شرایط اطاعت از قوانین با دشواری صورت می‌گیرد و بروز رفتارهای جایگزین در بین افراد، مانند کج رفتاری و انحراف، اجتناب ناپذیر است. این نتیجه با نتایج تایتل (۲۰۱۶) همسو است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی بین عدم مسئولیت‌پذیری کارکنان با احساس انومی وجود دارد و هرچه عدم مسئولیت‌پذیری بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز افزایش خواهد یافت. همانطور که کوهن بیان می‌کند مشکل مشترک افراد دسته‌های کج رفتار این است که این افراد به خاطر عدم مسئولیت‌پذیری، از اعتبار و عزت پایین‌تری برخوردارند که معیارهای طبقه‌ی متوسط حول مفهوم «پسر خوب» می‌گردند. این معیارها عبارت‌اند از: بلند همتی، مسئولیت‌پذیری، عقلانیت، ادب، خویشتن‌داری و کنترل پرخاشگری. این نتیجه با نتایج ورشوساز (۱۳۹۴) و قاسم زاده ابلی و علمی (۱۳۹۴) همسو است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی بین ضعف مدیریت کارکنان با احساس انومی وجود دارد و هرچه ضعف مدیریت بیشتر باشد، احساس انومی کارکنان نیز افزایش خواهد یافت.

وعده دادن‌های پوشالی و عمل نکردن به وعده است، ضعف مدیریت در تبعیض و توجهات و توزیع طرح‌ها و اعتبارات، عدم ارتباط مسئولین با مردم، عدم حضورشان در اجتماعات و همچنین مدیران با کمترین سابقه و تجربه مدیریتی از عوامل ضعف مدیریت است. بر اساس نظریه کوهن (۱۹۹۳) وقتی مدیریت ناکافی سازمان به طور غیر منطقی، تأکید شدیدی بر دستیابی به هدف دارد، بدون اینکه متناظر با آن، بر رویه‌های مشروع دستیابی به هدف تأکید کند، انومی ایجاد می‌گردد. این نتیجه با نتایج جوادی و همکاران (۱۳۹۱) و پیراسته مطلق (۱۳۹۱) همسو است.

۱. بیرو، آن. (۱۳۸۸). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی، چاپ پنجم، تهران: نشر فکوهی.
۲. توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. جوادی، حسن، علمی، محمود و صباغ، صمد. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز. مطالعات جامعه شناسی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۲۹-۴۵.
۴. خوشبخت، عشرت؛ وحید، فریدون و اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۶). تبیین ابعاد آنومی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مورد مطالعه: دانش آموزان دوره‌ی متوسطه استان ایلام)، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره اول، صص ۱۸۱-۱۶۳.
۵. دورکهایم، امیل. (۱۳۸۷). خودکشی، مترجم نادر سالارزاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. دورکهایم، امیل. (۱۳۸۷). "درباره تقسیم کار اجتماعی"، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
۷. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۷). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر آوای نور.
۸. شیانی، ملیحه و محمدی، محمد علی. (۱۳۸۶). تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تاکید بر جنسیت، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، ۳، ۲۳-۶۰.
۹. صدیق سروسستانی. (۱۳۹۳). رحمت‌الله، آسیب شناسی جنایی، تهران: انتشارات آن، چاپ اول.
۱۰. عباس زاده، محمد، علیزاده، محمدباقر، اسلامی، سیده رضا. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی"، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره سوم، شماره اول.
۱۱. قاسم زاده ابلی، زیبا و علمی، محمود. (۱۳۹۴)، بررسی میزان آنومی اجتماعی در بین حاشیه نشینان شهر اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره چهارم، صص ۹۷-۸۲.
۱۲. کوزر، جانسون، روزنبرگ، هری (۱۳۷۸). "نظریه های بنیادی جامعه شناسی"، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، انتشارات نی.
۱۳. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱). مبانی جامعه شناسی، تره منوچهر صبوری، چاپ پنجم، نشر نی، تهران.
۱۴. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۳). وندالیسم: مبانی روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی و روانشناسی رفتار وندالیستی، در مباحث آسیب شناسی و کژرفتاری اجتماعی، تهران، انتشارات آن.
۱۵. مظلومی، نادر، سفیدچیان، سلمان. (۱۳۹۴). "بررسی نقش ظرفیت تغییر در شکل گیری آنومی سازمانی با رویکرد کیفی"، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال چهارم، شماره دوم.
۱۶. معیدفر، سعید. (۱۳۹۵). جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران، نشر نور علم، تهران.
۱۷. ممتاز، فریده. (۱۳۹۱). انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۱۸. نوابخش، مهرداد و نوریان فر، عزالدین. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر احساس آنومی (بی‌هنجاری) سیاسی مطالعه موردی: شهروندان استان ایلام، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۳۲-۱.
19. Costello, B.J & Vowell, L.R. (1999), Testing Control Theory and differen-tial association, Criminology, 37(4).
20. Cullen, B.J & Others. (2004), Cross-national differences in managers willingness to justify ethically suspect behaviors: A test of institutional Anomie Theory, Academy of Management Journal, 47(3).
21. Merton, R.K. (1968), Social Theory and Social Structure, New York: Free press.
22. Merton, Robert K. (1938). Social structure and anomie. American sociological review, 3:672-682.
23. Siegel, L.J. (2001), Criminology, theories, patterns and typology, seven e dition.
24. Tittle, Charles R. (2016). Sanction and social deviance. Social forces, 61: 653-682.
25. Wenzel, V., & Weichold, K., & Rainer. K. (2009). The life skills program IPSY: Positive influence on school bonding and prevention of substance misuse. Journal of Adolescence, (32), 1391-1401.

انقلاب سفید واکنشی به کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

کد مقاله: ۴۹۷۷۱

محمد مهدنور^{۱*}، آرش دانش‌مهر^۲

چکیده

انقلاب سفید، در دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی از جهات مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت فراوان در تاریخ تحولات کشور است. این مقاله، انقلاب سفید را بر خلاف ادعای متولی‌اش که آن را در جهت پیشرفت کشور با احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی دانسته، واکنشی به کمونیسم روان اتحاد جماهیر شوروی در همسایگی شمال ایران به منظور تحکیم قدرت پادشاهی، بررسی کرده است. سوال اصلی این پژوهش آن است که چگونه حزب کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی با ویژگی‌های ماهوی خود، پهلوی دوم را به منظور حفظ و بقای سریر قدرت خود، ملزم به اصلاحاتی متحولانه در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران می‌کند؟ و در باب فرضیه‌ی مقاله آن که، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مطرح می‌کند که محمدرضا پهلوی مجبور بوده است در راستای استحکام و حفظ قدرت خود به عنوان متحد کشورهای بلوک غرب، با نظامی پادشاهی در جهانی دوقطبی، دست به اصلاحاتی کمونیستی در واکنش به ایدئولوژی چپ جاری و روان حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی بزند تا از خطر افتادن قطعه‌ی بازی دومینوی خود به عنوان یکی از کشورهای همسایه، در امان بماند؛ که در غیراین صورت، با سقوط سلطنت خود مواجه می‌شد.

واژگان کلیدی: کمونیسم، انقلاب سفید، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، حزب توده

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی (نویسنده مسئول) f4mahdenoor@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی

حکومت پهلوی دوم، در دوران ۳۷ ساله‌ی عمر خود با چالش‌های مختلفی روبرو شد و با گروه‌های مختلف سیاسی دست و پنجه نرم کرد. یک از این چالش‌ها تحت نام "انقلاب شاه و مردم" یا "انقلاب سفید" بود. این انقلاب به عنوان اصلاحات الزام‌آور، در آستانه‌ی دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی صورت پذیرفت. دلایل طرح و اجرای اصلاحات مذکور از گسترش دامنه‌ی رقابت‌های آمریکا و به‌طور کلی بلوک سرمایه‌داری غرب با بلوک شرق تحت رهبری اتحاد جماهیر شوروی، در راستای نفوذ و حضور سلطه‌جویانه در کشورهای اقماری، بعضاً موسوم به جهان سوم و عقب‌مانده، سرچشمه می‌گرفت که پس از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد وارد مرحله‌ی جدی‌تر و بازگشت‌ناپذیرتری شده بود. (وب‌سایت مشرق، ۱۳۹۴) طرح انقلاب سفید به طور فراگیر تمام جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه سنتی ایران را در بر می‌گرفت. (ایرنا، ۱۳۹۸) انقلاب سفید از جمله مواردی بود که طیف وسیعی از مخالفت‌ها را از سوی نیروهای متعدد به ویژه نیروهای مذهبی و روحانیون به دربار سلطنتی سرازیر کرد و در این میان مخالف سرسخت اجرایی شدن این لایحه، امام خمینی (ره) بود. در میان نیروهای مخالف، جریان کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز، نقشی اساسی داشت. این مقاله تلاش دارد تا شکل‌گیری انقلاب سفید را به عنوان واکنشی در مقابل کمونیسم شوروی بررسی نماید.

محمدرضا پهلوی از دهه‌ی ۱۳۴۰ ش. به بعد، برنامه‌های بلندپروازانه‌ای اجرا نمود. او ملزم به تجدیدنظر در سیاست‌های خود بود و دست به اقداماتی متحولانه در این راستا زد. ناکامی‌ها، مخالفت‌ها و موانع، هیچ‌کدام مانع او در تعقیب سیاست عظمت‌طلبانه‌اش نبودند. او همواره به دنبال این بود که ریشه‌های قدرت و مشروعیت خود را به شاهنشاهی هخامنشیان گره زند و جامعه‌ای بر پایه‌ی اصول شاهنشاهی، ملی، اومانیسم و دموکراتیک، بدون توجه به آموزه‌های دینی شریعت اسلام، بنا کند. او قصد داشت ایران را هم‌پایه‌ی کشورهای اروپایی و الگویی برای سراسر جهان نماید. (رنجبر، ۱۳۸۶)

انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم، مجموعه‌ای گسترده و دور رس از تحولات و اصلاحاتی اقتصادی و اجتماعی در ایران بود که در دوره‌ی پادشاهی محمدرضا پهلوی و با کمک از نخست‌وزیران وقت و هیئت‌وزیران آنها عملیاتی شد. این تحولات به عنوان پیشنهاد، شامل بر شش اصل در کنگره‌ی ملی شرکت‌های تعاونی روستایی، در تهران، در تاریخ ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۴۱ شمسی برابر با نهم ژانویه‌ی سال ۱۹۶۳ میلادی به کشاورزان و عموم مردم ارائه شد. ارائه‌ی این پیشنهاد همراه با همه‌پرسی سراسری برای پذیرش یا رد آن همراه بود؛ متعاقب، در تاریخ ۶ بهمن‌ماه سال ۱۳۴۱ ش. عموم مردم به اصلاحات رأی مثبت دادند. همه‌پرسی در این مورد، مسئولیت اجرای برنامه‌های دگرگون‌کننده را از گردن شاه برمی‌داشت و آن را به خود مردم واگذار می‌کرد. پهلوی دوم، در کتاب انقلاب سفید که آن را برای پنجم دیرستان آن زمان نشر داده بود، آورده است که روز ششم بهمن ماه سال ۴۱ را باید به عنوان مبدأ تاریخ جدید ایران به حساب آورد.

بدین ترتیب، شش اصل انقلاب (بعدها، سه ماده‌ی دیگر بر این اصول ششگانه افزوده شد و بدین ترتیب منشور انقلاب سفید ایران به صورت یک منشور نه ماده‌ای درآمد) به تدریج که اقتصاد ملی توسعه یافت و جامعه‌ی ایران تحول پیدا کرد با افزودن ده اصل دیگر تکمیل و تحت عنوان اصول نوزده‌گانه نهایی گردید. این انقلاب، برنامه‌ای اصلاحی، به ویژه، برای تضعیف طبقاتی بود که از سیستم سنتی پشتیبانی می‌کردند. شاه این اصلاحات را از آنجا انقلاب سفید نامید چراکه معتقد بود، تحولی عظیم، اما، مسالمت‌آمیز و بدون خون‌ریزی است.

به منظور بررسی نقش کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عملیاتی شدن انقلاب سفید باید:

۱. با ایدئولوژی کمونیسم آشنا شد؛ تا با اهداف و مجموعه‌ی سامانده‌ی باورها و اندیشه‌های آن آشنا شد؛
 ۲. موقعیت اتحاد جماهیر شوروی در سالهای پیش از انقلاب سفید ایران و سطح روابط و همکاری‌های فی مابین مورد مطالعه گیرد تا توان این ابرقدرت همسایه در اجرایی کردن مقاصد سلطه‌جویانه‌اش در ایران آن زمان دست‌کم گرفته نشود؛
 ۳. حزب رهبری‌کننده‌ی کمونیست شوروی شناخته شود تا با نیات آنها در اجرایی کردن سیاست خارجی‌شان، خصوصاً، اشاعه‌ی ایدئولوژی کمونیسم در برخورد با ایران مورد سنجش قرار گیرد؛
- حزب کمونیست توده‌ی ایران مورد مطالعه قرار گیرد؛ تا میزان و زمینه‌ی پذیرش ایدئولوژی کمونیسم در کشور، در آن سالها، قابل تحلیل و درک شود؛
- اصول انقلاب سفید را شناخت تا بتوان چگونگی واکنش شاه به کمونیسم را تعیین کرد؛
- جنگ سرد و نظام دوقطبی آن سالها را به عنوان تحولات سیاسی بین‌الملل تحلیل کرد تا انقلاب سفید را به عنوان یک واکنش بهتر شناخت؛
- و در نهایت
- چارچوب نظری دومینو مورد بررسی قرار داد تا تحولات انقلاب سفید را به عنوان رویکردی واکنشی به کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحلیل کرد.

۲- روش پژوهش

با توجه به موضوع تاریخی مقاله، روش پژوهشی از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری مطالب، اسنادی-کتابخانه-ای است.

۳- چارچوب نظری

بازی دومینو، زنجیره‌ای از قطعات است که پشت سر هم و به صورت ایستاده چیده می‌شوند و با ضربه‌ای ساده به اولین قطعه و بواسطه افتادن آن، به ترتیب سایر قطعات نیز می‌افتند. (علیپور سخاوی، ۱۳۹۵) با این ایده، اثر دومینو، یک اثر هم‌انباشته و جمعی است و هنگامی پدیدار می‌شود که یک رخداد، آفریننده و سازنده‌ی زنجیره‌ای از رخدادهای همسان باشد. این واژه بیشتر در جایگاه یک اثر مکانیکی شناخته می‌شود و برای همسان‌پنداری و تمثیل فروافتادن یک ردیف از دومینوهای پشت هم چیده شده، بکار گرفته می‌شود. این اثر به پیایند و توالی بهم‌پیوسته‌ی رخدادهایی اشاره دارد که در آن زمان میان رخدادهای پیاپی بسیار کوتاه باشد. (دانشنامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا، بی‌تا)

با این مقدمه، نظریه‌ی دومینو، سیاستی در زمان جنگ سرد بود که نشان می‌داد چگونه یک دولت کمونیستی به سرعت به سمت نفوذ، تسلط و تصرف کمونیست‌های کشورهای همسایه می‌رود و بدین ترتیب هر یک از دولتهای همسایه، مانند قطعات کنار هم چیده شده‌ی بازی دومینو در یک ردیف کاملاً هماهنگ، به ترتیب تحت سلطه‌ی کمونیسم قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، زمانی که یک کشور در منطقه‌ای از جهان تحت نفوذ کمونیسم قرار می‌گیرد، کشورهای اطراف هم مانند ویژگی بازی دومینو آن را دنبال می‌کنند. این تئوری از دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، یکی از مهمترین، حساسترین و تأثیرگذارترین تئوریها بود. (Markowitz, 2019)

در سال ۱۹۵۳ میلادی، رئیس جمهور وقت آمریکا، دوايت ديويډ آيزنهاور، در سخنرانی قبل از کنفرانس فرمانداران ایالات متحده در سیاتل، هشدار داد که اوضاع سیاسی و نظامی در آسیا "برای ایالات متحده بسیار ناگوار" شده است. وی لزوم دفاع از هندوچین - ویتنام - فرانسوی را در زمانی که ارتش فرانسه برای کنترل این کشور با انقلابیون کمونیست ویتنامی مبارزه می‌کرد، ذکر کرد. آیزنهاور عنوان کرد که منافع ایالات متحده در جنوب شرقی آسیا تهدید می‌شود. او در سخنرانی خود از آنچه که به عنوان "تئوری دومینو" شناخته می‌شود، با عبارت "ریزشی همچون بازی دومینو" استفاده کرد. (Andrew Glass, ۲۰۱۷) آیزنهاور گفت: "... حالا بگذارید فرض کنیم که هندوچین را از دست بدهیم؛ اگر هندوچین برود، چندین اتفاق بلافاصله می‌افتد. شبه جزیره‌ی مالایا، (نام شبه جزیره‌ی بزرگی در جنوب شرقی آسیا که بخش‌هایی از کشورهای مالزی، میانمار و تایلند را شامل می‌شود. شبه جزیره‌ی مالایا، به عنوان یکی از جزایر دارای موقعیت استراتژیک، مناطق شمال شرقی اقیانوس هند را از مناطق غربی اقیانوس آرام جدا می‌کند.) به سختی قابل دفاع می‌شود و قلع و تنگستن که برای ما بسیار ارزشمند هستند و از آن منطقه گیرمان می‌آید، از بین می‌روند." وی، همچنین، هشدار داد که ملل آسیا یکی بعد از دیگری سرنگون خواهند شد. (سرنگونی برای آیزنهاور، "به دام کمونیسم افتادن" معنا می‌شد.) او در ادامه عنوان کرد: "... بنابراین، شما می‌بینید جایی در آن خط، باید مسدود شود و اکنون، باید مسدود شود." منظور او برداشتن یکی از قطعات بود تا بدین ترتیب روند افتادن قطعات در بازی دومینو که تشبیهی برای کمونیست شدن دولتهای کشورهای آسیای جنوب شرقی، یکی بعد از دیگری بود، متوقف شود.

تئوری دومینو در طول جنگ سرد به منظور توجیه نیاز به مداخله‌ی آمریکا در سراسر جهان و محقق شدن این امر با مدیریت ایالات متحده به‌طور مستمر بکار بسته شد. دولت ایالات متحده‌ی آمریکا به دنبال آن بود تا مطابق با این نظریه، با برداشتن قطعات دومینوی همسایگان شوروی، مانع از ادامه‌ی بازی کمونیسم در جنوب آن کشور شود. آمریکا، از نظریه‌ی دومینو برای توجیه دخالت خود در جنگ ویتنام و حمایت از یک دیکتاتور غیر کمونیست در ویتنام جنوبی استفاده کرد. با وجود آنکه اصطلاح تئوری دومینو در آغاز تنها برای کشورهای خاور دور چون چین و اندونزی مطرح شده بود اما طی دهه‌های پس از آن، یعنی در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی پیش از انقلاب سفید در ایران، در عرصه‌ی سیاست جهانی، این نوع دیدگاه برای تمام مرزهای جنوبی شوروی، به ویژه در خاورمیانه، به کار برده شده است. (History.com Editors, 2009)

تئوری دومینو در خاورمیانه و ایران به دلیل پتانسیل‌های متنوع انقلابی با جزئیات و پیچیدگی‌های خاصی همراه بود. از جمله اختلافات مذهبی، دینی و گاه کمونیستی گاهی در کنار مذهب و گاهی مقابل آن قرار می‌گرفت؛ همچنین، وجود کشورهای نفت خیزی که همواره از نظر پیشرفت فناوری و تولید و توان نظامی از کشورهای غربی و روسیه بسیار ضعیف‌تر بودند و درباره‌ی نفت صادراتی، بر سر قیمت رقابت می‌کردند نیز، دارای اهمیت ویژه بود.

۳ - کمونیسم

کمونیسم به معنی اشتراکی‌سازی، به دسته‌ای از ایده‌های اجتماعی و یک سنت ایدئولوژیک گفته می‌شود که غایت آن، اشتراک دارایی‌هاست. (وب‌سایت حوزه، ۱۳۸۵) کمونیسم از قرن نوزدهم میلادی، بیشتر بر پایه‌ی اندیشه‌های کارل

مارکس و مانیفست آن مطرح است. انتشار مانیفست کمونیست، حرکت تازه‌ای در نهضت کمونیسم جهانی به وجود آورد. مارکس برای تعریف فاصله و اختلاف خود با سوسیالیسم غیرکارگری قرن نوزدهم، عنوانی را که جنبش سوسیالیستی کارگری به خود داده بود، یعنی کمونیسم را برگزید. هدف این جنبش سیاسی، حذف مالکیت خصوصی بر ابزار کار و لغو نظام کارمزدی و برچیدن طبقات اجتماعی از طریق انقلاب کارگری است. کمونیسم، با عنوان مالکیت عمومی بر ابزار کار، می‌کوشد تا با مالکیت مشترک و در غیاب مالکیت خصوصی یا مالکیت دولتی یک سازمان اجتماعی فاقد طبقه‌های اجتماعی را ترسیم کند. به عبارتی دیگر طرفداران کمونیسم و سوسیالیسم به اقتصاد مطلق دولتی معتقد بودند و از اقتصاد آزاد ابا داشتند. کمونیسم از قدیمی‌ترین مکاتب سیاسی دنیا است. (وبسایت پرسمان، ۱۳۸۷) از نظر فلسفی و اقتصادی کمونیسم و سوسیالیسم دارای ریشه‌ی واحدی هستند و هر دو بر مالکیت عمومی وسائل تولید تکیه می‌کنند، با این تفاوت که کمونیسم مرحله‌ی پیشرفته یا مرحله‌ی نهایی سوسیالیسم یا جامعه-گرایی بشمار می‌آید.

مارکس تکامل وسایل تولید و نحوه‌ی تملک و بهره‌برداری از این وسایل را زیربنای تحولات اجتماعی می‌داند و تاریخ بشر را بصورت تاریخ جنگهای طبقاتی و منازعه‌ی بین ظالم و مظلوم و استثمارکننده و استثمارشونده بررسی و تجزیه و تحلیل می‌نماید. بنابراین، کمونیسم یک ایدئولوژی و جنبشی فلسفی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی است که هدف نهایی آن بنیان و ایجاد یک جامعه‌ی کمونیستی است؛ جامعه‌ای که یک نظم اجتماعی-اقتصادی بنا بر ایده‌های مالکیت مشترک از ابزار تولید و عدم وجود طبقات اجتماعی، پول و دولت ساخته شده است. اولین دولتی که از این طریق شکل گرفت، شوروی سابق بود. (وبسایت ویکی-پدیا، بی‌تا)

کمونیسم انواع مختلفی از مکتبهای فکری را در بر می‌گیرد که به طور گسترده شامل مارکسیسم است. کمونیستها معتقدند که نظم کنونی جامعه ناشی از سرمایه‌داری، سیستم اقتصادی و شیوه‌ی تولید آن است. در این سیستم دو طبقه‌ی اصلی اجتماعی وجود دارد. تضاد بین این دو طبقه، ریشه‌ی همه‌ی مشکلات جامعه است و اینکه این وضعیت در نهایت از طریق یک انقلاب اجتماعی برطرف می‌شود. این دو طبقه شامل اول، پرولتاریا (طبقه‌ی کارگر) هستند که اکثریت جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و برای زنده ماندن باید تلاش کنند؛ دوم، بورژوازی (طبقه‌ی سرمایه‌داری) اقلیت کوچکی است که از بکارگیری طبقه‌ی کارگر از طریق مالکیت خصوصی وسایل تولید سود می‌برد. طبق این تحلیل، انقلاب، طبقه‌ی کارگر را به طبقه‌ی قدرتمند تبدیل کرده و به نوبه‌ی خود مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید را تأمین می‌کند که عنصر اصلی تحول جامعه به سمت کمونیسم است.

این مسلک بر همکاری و کمک متقابل رنجبران استوار است. نخستین مرحله‌ی کمونیسم، جامعه‌ی مبتنی بر سوسیالیسم است که زمینه‌ی اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و اخلاقی ورود به مرحله‌ی کمونیسم را آماده می‌سازد. کمونیستها معتقدند که نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم تغییر پیدا می‌کند و در مرحله‌ی اول جای آن را سوسیالیسم و در مرحله‌ی بعدی کمونیسم می‌گیرد. از لحاظ اداره‌ی امور دولتی دیکتاتوری پرولتاریا را در این مرحله ضروری و اجباری می‌دانند. پیروان این مسلک برآنند که در مرحله‌ی کمونیسم همه گونه فرق و امتیازات طبقاتی افراد انسان از یکدیگر از بین می‌رود.

بنابراین، کمونیسم یک ساختار اجتماعی است که تأسیس یک جامعه‌ی بدون طبقه، بدون دولت (هیئت حاکمه) بر اساس مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید را ترویج می‌کند. معمولاً کمونیسم به عنوان شاخه‌ای از جنبشی بزرگ‌تر به نام سوسیالیسم مطرح می‌شود که خط مشی جنبش‌های سیاسی و روشنفکری گوناگونی است که خاستگاه خود را به آثار مارکس برمی‌گردانند. کمونیستها از یکسو، در عرصه‌ی عمل پیشرفته‌ترین و قاطع‌ترین بخش احزاب طبقه‌ی کارگر هر کشور را تشکیل می‌دهند و در واقع محرک آن بخش می‌باشند؛ و از سوی دیگر، یعنی از دیدگاه نظری، آنان نسبت به توده‌ی اعظم پرولتاریا این امتیاز را دارند که به روشنی مسیر حرکت، شرایط و نتایج نهایی نهضت پرولتاریا را درک می‌کنند. اهداف عاجل کمونیستها، همان اهدافی که دیگر احزاب پرولتاریایی نیز دارند، عبارتند از:

- مشکل کردن پرولتاریا در قالب یک طبقه؛
- سرنگون کردن تسلط و سیادت بورژوازی؛
- تسخیر قدرت سیاسی به وسیله‌ی پرولتاریا.

و در مراحل بعدی:

- برچیدن طبقات اجتماعی از طریق انقلاب‌های کارگری؛
- تأسیس یک جامعه‌ی بدون طبقه، بدون هیئت حاکمه همچون پادشاه یا دولت.
- اتحاد کارگران همه‌ی کشورها (مارکس، انگلس، ۱۸۷۲ م.)

بدین ترتیب، انقلاب کمونیستی، گسست قطعی هرگونه پیوند با مناسبات سنتی مالکیت است. نخستین گام انقلاب کارگری بیرون آوردن تمام سرمایه از چنگ بورژوازی و در اختیار قراردادن آن در دست دولتی با سامان پرولتاری است. در همین راستا، از اولین اقدام‌های استقرار این ایدئولوژی، الغای مالکیت ارضی است.

۴ - موقعیت اتحاد جماهیر شوروی در سالهای انقلاب سفید ایران

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به طور خلاصه شوروی، اتحادیه‌ای سوسیالیستی در اوراسیا بود که از روسیه و چندین جمهوری متحد تشکیل گردید که از زمان تأسیس در سال ۱۹۲۲ م. تا زمان انحلال در سال ۱۹۹۱ م. بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را دربرمی‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد. تاریخ شوروی در این سال‌ها، عمدتاً، تاریخ جمهوری‌های سوسیالیستی اتحاد شوروی است. این اتحادیه، اقتصاد و دولت متمرکزی داشت و دارای نظام تک‌حزبی بود که توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی در مقر اصلی خود در مسکو اداره می‌شد؛ به معنای آنکه، نه تنها تمام قدرت سیاسی و اداری در دست حزب کمونیست حاکم بود بلکه تمامی سیاستهای داخلی و خارجی اتحاد جماهیر شوروی در آن سالها نیز ماحصل تفکرات رهبران آن حزب بود. اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی حاصل انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه بود و روسیه بخش بزرگتر آن را تشکیل می‌داد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی و در طی دوره‌ای که به جنگ سرد موسوم است، اتحاد شوروی یکی از دو ابرقدرت جهانی به‌شمار می‌رفت و بر همه‌ی مسائل جهانی مانند سیاست‌های اقتصادی، روابط بین‌المللی، تحرکات نظامی، روابط فرهنگی و پیشرفت دانش به‌ویژه در فناوری فضایی تأثیر داشت.

قانون اساسی در ۱۹۲۴ میلادی تدوین شد و یک نظام حکومتی فدرال بر مبنای یک سلسله از شوراها که در روستاها، کارخانه‌ها و شهرها در نواحی بزرگ‌تر تشکیل می‌شد، برقرار گردید؛ و این هرم از شوراها در هر یک از جمهوری‌های منتخب در کنگره عمومی اتحاد شوروی به رأس خود می‌رسید. اما در نهایت آشکار شد که این کنگره تحت نظارت قدرت حاکم در مسکو، پایتخت اتحاد شوروی، قرار دارد که پیش از پتر کبیر تحت نظارت تزارها بود.

بدین ترتیب، ظهور اتحاد جماهیر شوروی به عنوان اولین کشور وسیع کمونیستی جهان در همسایگی شمالی ایران رقم خورد. کشوری با ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی که خود را در تقابل با دموکراسی لیبرال و سرمایه‌داری قرار می‌داد و در عوض از یک سیستم بی‌طبقه‌ای که وسایل تولید متعلق به مالکیت عمومی و خصوصی باشد، حمایت می‌کرد.

ایران با داشتن مرزی مشترک با اتحاد جماهیر شوروی، از قفقاز تا آسیای مرکزی، بیشتر قرن بیستم در سایه‌ی همسایه‌ی کمونیست خود در شمال زندگی کرد. در طی دو جنگ جهانی و جنگ سرد، سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران به ندرت عاری از نفوذ و فشار شوروی بود. در حقیقت، قدرت مادی و عقیدتی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها برای دولت ایران بلکه برای جامعه‌ی ایرانی تهدیدی بسیار بزرگ به حساب می‌آمد. (Association for Iran Studies, n.d.) پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ماه سال ۱۳۱۸ شمسی، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری شوروی با آلمان این بی‌طرفی ناپایدار بود. پس از حمله‌ی آلمان نازی به شوروی و نیاز روسها به ارسال کمک به جبهه‌های نبرد در شوروی، کشورهای متفق تصمیم گرفتند از دالان پارسی که به انگلیسی به The Persian Corridor معروف شد، نیز استفاده شود و به موجب آن نیروهای متفقین در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ میلادی برابر با سوم شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی به ایران حمله کرده و این کشور را به اشغال خود درآوردند. نیروهای شوروی از شمال و شرق از زمین و هوا به ایران حمله‌ور شدند و شهرهای سر راه را یک‌به‌یک به سرعت اشغال کردند و به سمت تهران حرکت کردند. ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه با فشار متفقین سریعاً استعفاء داد و سپس با گذشت مدت‌ها کشمکش بین روس‌ها با دیگر کشورهای متفقین بالاخره بر سر نوع حکومت جدید ایران و انتقال سلطنت به پسرش - محمدرضا - که ولیعهد پیشین نیز بود، به توافق رسیدند. راه‌آهن سراسری ایران، پس از اشغال، برای انتقال کمک‌های نظامی از جنوب ایران به پشت جبهه‌ی شوروی، مورد استفاده قرار گرفت.

پس از جنگ، ارتش بریتانیا طبق توافق با دولت، ایران را ترک کرد؛ ولی نیروهای نظامی ارتش سرخ شوروی همچنان در ایران ماندند و از اجرای توافق امتناع کردند؛ این موضوع به تشکیل دو حکومت خودمختار و کوتاه‌مدت جمهوری مهاباد و آذربایجان - به عنوان گروه‌های چپگرا (هواداران شوروی) - انجامید که هر دو حکومت با حمایت شوروی و با هدف تجزیه‌ی ایران پایه‌گذاری و مستقر شدند.

این نحوه‌ی رفتار دولت شوروی (تعطل در خارج کردن نیروهای نظامی از خاک ایران) بعد از جنگ جهانی دوم به جامعه‌ی ایرانی نشان داد که اتحاد شوروی غیر از مسئله‌ی جنگ جهانی با آلمان، به کشور ایران طمع دارد و می‌خواهد نفوذ و اهداف راهبردی خویش را در داخل ایران پیگیری کند. (تقوی، بی‌تا) این نگاه برای جامعه‌ی ایرانی نسبت به شوروی بعد از جنگ جهانی دوم تا سالها همچنان باقی ماند. ولی همان‌طور که می‌دانیم بعد از جنگ جهانی دوم بین دو بلوک یعنی شرق (کمونیسم به رهبری اتحاد شوروی) و غرب (سرمایه داری به رهبری ایالات متحده آمریکا) جنگ سرد آغاز شد. سرانجام نظام روابط بین‌الملل به نظامی دوقطبی متصلب تبدیل شد و آرایش سیاسی جهان، در رویارویی بین این دو بلوک شکل می‌گرفت. ایران دوران حکومت پهلوی در این تقسیم‌بندی جهانی در محور بلوک غرب در برابر شوروی قرار داشت.

حمله‌ی ارتش شوروی به ایران در کشاکش درگیری‌های جنگ جهانی دوم، حاصل یکی دیگر از تباری‌های تاریخی این کشور، به زیان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران بود، در موارد دیگر، در سده‌ی نوزدهم و در پایان جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار، تباری روسیه با دیگر کشورها علیه ناپلئون در اروپا، سبب بسته شدن پیمان‌های گلستان و ترکمنچای و تحمیل آنها بر ایران

شد. در موردی دیگر نیز، اوایل قرن بیستم میلادی، پیمان‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ م. سبب ایجاد حوزه‌ی نفوذ روسیه و زمینه‌ساز حضور نظامی آنان در ایران شد.

با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک، ایران همواره در محل منافع روسیه تزاری و بعد شوروی قرار داشت. شوروی فکر می‌کرد اگر به اقیانوس هند دسترسی داشته باشد جایگاه جهانی، منافع و سلطه‌اش در بخشهای دیگری مانند آسیا گسترش پیدا می‌کند. در واقع ایران، همواره برای روسیه تزاری، هدفی راهبردی بود. ایرانی‌ها همیشه این احساس را داشتند که دولت روسیه تزاری به کشور و سرزمین آنها طمع دارد. وقتی که انقلاب بولشویکی در اکتبر ۱۹۱۷ م. اتفاق افتاد و لنین به قدرت رسید رهبران بولشویکی عملاً به ایران پیام انقلاب، همکاری و پشتیبانی از ایران در مبارزه با امپریالیسم را دادند. اما پس از چند سال، در دوران حکومت استالین، اتحاد شوروی از نظر راهبردی مثل روسیه تزاری همان نگاه و هدف را نسبت به ایران داشت و خواست در ایران نفوذ کند و کمونیستها را در خاک ایران به قدرت برساند.

در مقطع جنگ جهانی دوم، نیروهای شوروی با اشغال قسمت شمال ایران دو هدف را پیگیری می‌کردند: یک هدف نظامی؛ (دو هدف راهبردی ایدئولوژی. در هدف اول، جلوگیری از نفوذ آلمان در ایران، هدف بنیادین برای اتحاد شوروی بود. هدف بعدی شوروی این بود که می‌خواست در بخشی از ایران پایگاه پیدا کند و یا بخشهایی از ایران را جدا کند و با حمایت از گروه‌های کمونیستی و سوسیالیستی تحت کنترل خود درآورده، حتی در آذربایجان و کردستان حکومت سوسیالیستی تشکیل دهد.

(بر اساس اسناد محرمانه که پس از سقوط اتحادیه جماهیر شوروی منتشر شدند، یکی از مهمترین اسناد حزب کمونیست شوروی با برچسب "فوق العاده سری" در روز ششم ژوئیه ۱۹۴۵ میلادی، برابر با پانزدهم تیر سال ۱۳۲۴ شمسی، در کمیته‌ی مرکزی این حزب برای ایجاد جنبشهای تجزیه‌طلبانه در آذربایجان ایران و جنوب خزر تصویب شد. همه‌ی این اسناد امضای استالین را داشت و او مستقیماً در این موضوع نقش داشته است. در این سند، آشکارا گفته شده که برای توسعه‌ی حرکت تجزیه‌طلبانه در آذربایجان، حزبی ملی تشکیل شود و به وزیر فرهنگ آذربایجان شوروی سپرده شده بود که اقدامات لازم در این زمینه را انجام دهند. در این سند حتی نام حزب نیز، یعنی «فرقه دموکرات آذربایجان» پیشنهاد و ذکر شده است.) از این رو، در میانه‌ی تابستان سال ۱۳۲۴ شمسی، سران جمهوری آذربایجان به دستور شخص استالین ملزم شدند که خیلی زود دست به کار شوند و در ایران، کسانی را پیدا کنند تا برایشان حزبی با نام «فرقه دموکرات آذربایجان» تاسیس کنند و جدایی‌طلبی را تبلیغ کنند. همچنین در بندی، فرمان اقدامات برای جلب گردهای شمال ایران در جهت جنبش جدایی‌طلبانه آورده شده است.

مسئله‌ی اتحاد جماهیر شوروی تنها به غائله‌ی آذربایجان یا اقدام پنهانی محمدرضا پهلوی برای مذاکره‌ی پنهانی پیمان عدم تجاوز با آن کشور ختم نمی‌شود. شاه تحت حمایت آمریکا قرار داشت. (دولت ترومن به بیرون آمدن ارتش سرخ از شمال ایران در سال ۱۹۴۶ م. کمک کرده بود و دولت آیزنهاور با انگلیسیها برای سرنگونی نخست وزیر محمد مصدق در ۱۹۵۳ م. و بازگرداندن شاه به قدرت همکاری کرده بود. بدین ترتیب، در اواخر دهه‌ی ۵۰ میلادی، ایران کاملاً به یکی از کشورهای متحد در بلوک غرب وابسته به ایالات متحده در جنگ جهانی سرد، تبدیل شده بود.) با این اوصاف نمودار رابطه‌ی ایران با اتحاد جماهیر شوروی از دهه‌ی ۵۰ میلادی تا سال انقلاب اسلامی مسیری سینوسی را طی می‌کرد که گاهی به نقطه‌ی اوج و گاهی به نقطه‌ی حسیض می‌رسید.

تقویت تأثیر ایالات متحده در ایران، اثر منفی بر روابط دو جانبه، به ویژه، پس از کودتا داشت؛ مضاف آن که ایران، دو سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۵ میلادی به پیمان بغداد پیوست. اگرچه، در سال ۱۹۵۴ میلادی، توافقی برای حل و فصل مسائل جنجالی مرز نشینان و مالی منعقد شد و دو سال بعد در سال ۱۹۵۶ میلادی جماهیر شوروی رسماً ادعاهای خود را برای اکتشاف نفت کنار گذاشت و در تابستان همان سال، شاه ایران به قصد بهبود روابط از اتحاد جماهیر شوروی بازدید کرد بود، با این حال، پس از سقوط سلطنت در عراق با کودتایی چپگرا و مثله کردن اعضای خانوادگی پادشاهی، پیمان نظامی امضا شده بین ایران و کشورهای متحد به وضوح تأثیر منفی بر روابط ایران و شوروی داشت. در این زمان، جنگ تبلیغاتی شدید علیه شاه، با عنوان رژیم پوسیده‌ی سلطنتی، آغاز شد و حتی دولت دکتر امینی هم نتوانست تنش بوجود آمده بین ایران و شوروی را کم کند. در سال ۱۹۵۹ میلادی، ایران برای انعقاد پیمان عدم تجاوز به مذاکره با اتحاد جماهیر شوروی مشغول شد؛ اما، هر زمان که خواستار ایجاد شرایط جدید بود، مذاکرات به تأخیر می‌افتاد. در نتیجه، هیئت اتحاد جماهیر شوروی تهران را ترک کرد و روابط بین دو کشور، بحرانی‌تر، با تنش‌ی جدید روبرو شد. (Mamedova, 2009)

ایران با تغییر مسیر سیاست خارجی خود از یک جهت‌گیری منحصر به ایالات متحده به تاکتیکهای مانور انعطاف‌پذیر بین غرب و شرق مشغول شد. بدین ترتیب، در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۲ میلادی، دولت ایران در یادداشتی دیپلماتیک به دولت اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد که ایران به هیچ کشور خارجی اجازه نمی‌دهد از قلمروی کشورش برای مقاصد موشکی از هر نوع استفاده کرده و ابزار تجاوز علیه قلمرو اتحاد جماهیر شوروی باشد. در پاییز سال ۱۹۶۲ میلادی، لئونید برژنف از ایران بازدید کرد و سه سال بعد شاه با بازدید از اتحاد جماهیر شوروی تلافی کرد.

انقلاب سفید در سال ۱۹۶۳ میلادی، با انجام یک سری اصلاحات از بالا، مقدم بر مرحله‌ی جدیدی در عادی سازی و گسترش روابط با اتحاد جماهیر شوروی بود. در سال ۱۹۶۳ میلادی – همان سالی که انقلاب سفید مراحل اولیه‌ی عملیاتی شدن خود را آغاز کرد – برای نخستین بار پس از جنگ، توافق نامه‌ای اساسی در جهت همکاری اقتصادی و فنی در تهران به امضا

رسید. شاه توانسته بود نظر رهبران شوروی را جلب کند. این همکاری در ساخت سایت‌هایی که برای توسعه اقتصادی هر دو کشور مهم بود، نقطه‌ای اوج روابط بحساب می‌آمد. بدین ترتیب، شاه با حفظ نظام پادشاهی، قطعه‌ای دومینوی ایران را ایستاده نگاه داشت؛ هرچند تئورسین‌های حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی نظری دیگر داشتند. آنها با اعلان رسمی، انقلاب سفید را تأیید کردند و اینبار در پی مرادفات تجاری فی‌مابین و به دنبال منافع خود، انقلاب سفید را بر اساس تحلیل مارکس گامی در جهت حرکت به مرحله‌ی سرمایه‌داری که آن را متأثر از فئودالیسم می‌دانستند، تکاملی و مثبت ارزیابی کردند؛ چراکه اعتقاد داشتند شاه با تضعیف مالکان، عنصر پرولتاریا را در جهت قطبی شدن جامعه تقویت می‌کند.

۵ - حزب کمونیست شوروی

یک حزب کمونیست، حزبی سیاسی است که از راه موقعیت سیاسی که بدست می‌آورد خود را ملزم به اجرای اصول اقتصادی و اجتماعی کمونیسم می‌داند. این نام نخستین بار در عنوان مقاله‌ی مانیفست حزب کمونیست از طرف کارل مارکس و فریدریش انگلس به دست آمد. حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، که همچنین از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۵۲ میلادی حزب کمونیست تمام اتحادیه (بلشویک‌ها) نیز نامیده می‌شد، از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۹۱ میلادی حزب اصلی کشور بود.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی از جناح بلشویکی حزب کارگران سوسیال دموکراتیک روسیه برخاست. بلشویک‌ها، که در سال ۱۹۰۳ م. سازماندهی شده بودند، توسط ولادیمیر ایلیچ اولیانف، لنین، رهبری می‌شدند. آنها در سازمانی کاملاً منضبط متشکل از انقلابیون حرفه‌ای تحت نظامی با مرکزگرایی دموکراتیک، اداره می‌شدند. این حزب تماماً خود را وقف دستیابی به دیکتاتوری پرولتاریا کرده بود. در سال ۱۹۱۷ م. آنها به طور رسمی از جناح راست یا منشویک جدا شدند و در سال ۱۹۱۸ م.، هنگامی که بلشویک‌ها حزب حاکم در روسیه شدند، نام سازمان خود را به حزب کمونیست تمام شوروی تغییر دادند. در سال ۱۹۲۵ م. پس از تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در نهایت نام خود را در سال ۱۹۵۲ م. به حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی تغییر دادند.

حزب کمونیست در مخالفت هم با سرمایه‌داری و هم سوسیالیستهای انترواسیونال دوم که در جنگ جهانی اول از دولتهای سرمایه‌داری خود حمایت کرده بودند، شکل گرفت. نام کمونیست، به ویژه، برای متمایز کردن پیروان لنین در روسیه و خارج از کشور از دیگر سوسیالیست‌ها ساخته شد. (Encyclopædia Britannica, n.d.)

ولادیمیر اولیانف لنین، پس از پیروزی انقلاب روسیه در ۱۶ دسامبر ۱۹۱۷ میلادی (برابر با ۲۵ آذر ۱۲۹۶ شمسی) اعلامیه‌ای خطاب به مسلمانان روسیه و مشرق زمین منتشر کرد: "... ما اعلام می‌کنیم که عهدنامه‌ی سرّی راجع به تقسیم ایران، محو و پاره شد و همین که عملیات جنگی خاتمه یافت قشون روس از ایران خارج می‌شود و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد شد." اگرچه او اینچنین سخنرانی‌ها و اعلامیه‌هایی می‌داد اما همچنان، ایران را شاهراه گسترش کمونیسم انقلابی به شرق می‌دانست و پس از به قدرت رسیدن، همکاری نزدیکی را با ایران آغاز کرد. این همکاری از طریق سازمان "همت" و جبهه سوسیال دموکرات‌های ایران انجام شد. او حتی همکاری ایرانی داشت که پس از انقلاب اکتبر به عنوان معاون لنین در امور مصادره اموال مالکین و سرمایه‌داران روس منصوب شد.

لنین اعلام کرد که سیاست‌های دولت‌های امپراتوری روسیه و بریتانیا باعث فقر و عقب‌ماندگی ایران و جلوگیری از دسترسی مردم ایران به آزادی و دموکراسی بوده است. به همین دلیل قراردادهای استعماری روسیه تزاری با ایران - مانند قرارداد حق کشتیرانی ایران در دریای کاسپین - را لغو کرد و در پی توافقی با دودمان قاجاریان، پشت نیروهای نظامی مبارز چپ‌گرا در ایران را خالی کرد.

سپس دبیرکل قدرتمند جوزف استالین و رهبران پیرامون وی برای به دست گرفتن رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی حرکت کردند. گروه استالین به راحتی رهبران رقیب همچون لئون تروتسکی، را شکست داد. او با اجرای "پاکسازی بزرگ" یا "تصفیه‌ی کبیر" (۱۹۳۶-۱۹۳۸ میلادی)، آخرین بقایای مخالفت در درون حزب را ریشه‌کن کرد، که در آن هزاران نفر از مخالفان واقعی یا فرضی وی به عنوان خائن اعدام شدند و میلیون‌ها نفر دیگر زندانی شدند یا به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شدند. خروشچف و برژنف نیز رهبران حزب تا زمان انقلاب سفید در ایران بودند.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با تمام رهبران خود تا زمان فروپاشی، از لنین تا آخرین رهبر، مطابق با اصل ۲۸ قانون اساسی خود صراحتاً عباراتی مانند:

- اتحاد شوروی با استواری، سیاست لنینی صلح را دنبال می‌کند؛
 - شرایط مساعد بین‌المللی لازم برای اشاعه‌ی کمونیسم؛
 - دفاع از منافع اتحاد شوروی؛
 - پشتیبانی از مبارزات مردمان برای آزادی؛
 - کوشش برای تحکیم امنیت و همکاری گسترده‌ی بین‌المللی؛
- سیاست خارجی خود را بیان داشتند.

سرود ملی هر کشور، دارای عناصر برجسته‌ای از هویت، واژگان و عباراتی برای تأکید بر جاودانگی و مانایی وطن، عباراتی افتخارآمیز و واژگانی مرتبط با هستی‌شناسی مردم است. همچنین اشاره بر مبانی و ایدئولوژی نظام سیاسی کشور، با کارویژه‌ی تحریک احساس وطن‌پرستی در مردم که امکان دارد بندهای مختلف آن ایجابی یا سلبی باشد. ایجابی مانند "سرفراز باش میهن"، "متحد و آزاد" برخی بندها ممکن است سلبی باشند و مثلاً مسائل و مصائبی را نفی می‌کند که در گذشته بر یک کشور تحمیل شده است؛ مثل: "اتحادی گسستناپذیر ...". امکان دارد به ویژگی‌های جغرافیایی همچون رودهای بزرگ یا کوهستانهایی سربرافراشته اشاره کند یا به آمالی برای وطن گوشه زند. (دکتر عبدالله بیجرانلو، ۱۳۹۲)



تصویر شماره‌ی یک - نقشه‌ی موقعیت جغرافیایی اتحاد جماهیر پهناور شوروی سابق به عنوان همسایه‌ی شمالی ایران

سرود ملی فدراسیون روسیه که ریتمی دقیقاً برابر با آنتم ملی شوروی سابق دارد، نه فقط حاوی مبانی و ایدئولوژی نظام سیاسی است، بلکه، ضمن علامت‌دهی به ویژگی‌های جغرافیایی، تلویحی به آمال کشور نیز، اشاره می‌کند. در این سرود، پیروزمندی کمونیسم که آرمانی نیک پنداشته می‌شود از حزب لنین و نیروی خلقی سربرآورده که درون آنها روح کار دمیده شده و استحکام دژ استوار خلق در پیروزی اندیشه‌های جاودان کمونیسم گرامی داشته شده از خرد نیاکان است؛ هم‌بنظر، این میهن با اتحادی گسستناپذیر از جماهیر آزاد از دریاهای جنوبی تا شمالگان (قطب شمال) گستردگی دارد. اگرچه، با نگاه به نقشه‌ی شوروی سابق و موقعیت کشور مشخص می‌شود که این اتحادیه‌ی سوسیالیستی در اوراسیا که از روسیه و چندین جمهوری متحد در سال ۱۹۲۲ م. تشکیل شده بود و بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را دربرمی‌گرفت - به عنوان پهناورترین کشور جهان - هیچگاه دریایی در جنوب کشور وسیع خود نداشته است، مگر آنکه بر روی سرزمینهای جنوبی خود و دریاهای آنان، حساب باز کرده باشند.

۶ - تاریخچه‌ی احزاب کمونیستی در ایران

فعالیت احزاب با جنبش مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی آغاز شد و اشخاص با دیدگاههای خاصی به تشکیل حزب دست زدند. از جمله این احزاب باید به حزب سوسیال دموکرات اشاره کرد که دارای تمایلات کمونیستی بود و سلیمان میرزا اسکندری، حیدر عموآغلی، محمدرضا مساوات و ... از اعضای آن بودند.

با سقوط رژیم تزاری و استقرار رژیم کمونیستی ایرانیان مهاجر و مقیم در روسیه نیز اقدام به تشکیل حزبهای مختلف کمونیستی کردند. باکو با توجه به حضور کارگران ایرانی مرکزی مناسب برای این فعالیتها بود و نخستین حزب کمونیستی ایرانی با نام حزب عدالت توسط اسدالله غفارزاده که خود عضو سابق حزب سوسیال دموکرات نیز بود در ۱۲۹۶ شمسی تأسیس شد. زمانی که در سال ۱۲۹۹ شمسی ارتش سرخ به بندرانزلی وارد شد اعضای حزب در بیانیه‌ای از کمونیستهای ایرانی و انقلابیون که شامل جنگلیها نیز می‌شد خواستند تا ادارات دولتی را به تصرف خود درآورند و همه‌ی امکانات را در اختیار روسها بگذارند. امضاکنندگان این بیانیه حیدرعمو اوغلی و میرجعفر پیشه‌وری بودند.

با اقدامات دولت مرکزی و دخالت انگلیس مسئله‌ی شمال حل شد؛ اما، این به معنای پایان جنبش کمونیستی در ایران نبود. گرچه عملاً فعالیت این حزب کم رنگ بود؛ اما، در سال ۱۳۰۶ شمسی در ارومیه دومین کنگره‌ی خود را برپا کرد. در این کنگره، ثابت شد که رضا شاه نه تنها به نهضت آزادیبخش ملی کشور کمکی نکرد بلکه در مدتی کوتاه خود به صورت مالک بزرگ درآمد. بنابراین، هدف مبارزه با رضا شاه بود و فعالیتهای حزب در حوزه‌ی کارگری شدت بیشتری پیدا کرد. حزب کمونیست برای پوشش دادن به فعالیتهای خود باشگاههای فرهنگی به راه انداخت؛ اما، رضا خان هیچ فعالیت سیاسی را بر ضد خود را تحمل نمی‌کرد و شهربانی نیز به ریاست محمدحسین آیرم بر تمامی فعالیتها نظارت داشت و با شدت با اعضای حزب برخورد می‌کرد.

سرانجام، نیز با دستگیری تعداد زیادی از اعضای حزب کمونیست در سال ۱۳۱۰ شمسی لایحه‌ای به تصویب مجلس رسید که بر طبق آن فعالیت و تبلیغات کلیه‌ی سازمانهای سیاسی کمونیستی یا پوشش آنها را غیرقانونی اعلام کرد. اما این پایان ماجرا نبود. گرچه دستگیرشدگان به ده سال حبس محکوم شدند، اما، دانشجویان ایرانی که برای ادامه‌ی تحصیل با هزینه‌ی دولت به خارج از کشور اعزام شده بودند در آنجا تحت تأثیر ایده‌های کمونیستی قرار گرفتند و با حزب کمونیست ارتباط برقرار کردند. در بازگشت به ایران به ترویج این ایده‌ها پرداختند. دکتر تقی ارانی از رهبران این جریان بود که پس از آشنایی با کمونیسم به آن پیوست. اعضای گروه وی شامل پنجاه و سه نفر بود.

با سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ ش. فضای باز سیاسی پدیدار شد و در پی این آزادی سیاسی بود که بسیاری از محکومین سیاسی دوره‌ی رضاخانی از زندانها آزاد شدند، نشریات بسیاری منتشر و فعالیت احزاب آغاز شد. حزب توده یکی از اولین احزابی بود

که تشکیل شد. اعضای سابق حزب کمونیست و برخی از اعضای گروه ۵۳ نفر که از زندان آزاد شده بودند تصمیم به ادامه فعالیت گرفتند و پس از تأیید این فعالیت از سوی سفارت شوروی، در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ ش. در منزل سلیمان میرزا اسکندری گرد هم جمع شدند تا بنای یک حزب کمونیستی را بگذارند. برخی از اعضای این جلسه عبارت بودند از: ایرج اسکندری، عبدالحسین نوشین، دکتر رضا رادمنش، احسان طبری، عباس اسکندری، عبدالقدیر آزاد، میرجعفر پیشه‌وری و... ناظری خاموش به نام رستم علی اوف مسئول امور حزبی و اطلاعاتی سفارت شوروی بود که در گوشه‌ای بی‌صحبت و یا مداخله در تصمیم‌گیری‌ها نشسته بود. در این جلسه، سلیمان میرزا اسکندری که سابقه‌ی فعالیت سیاسی و حزبی در دوره‌ی مشروطه نیز داشت از ضرورت تشکیل یک حزب برای دفاع از آزادی و ممانعت از شکل‌گیری دیکتاتوری سخن گفت و به اتفاق آراء حاضران، به ریاست حزب تازه پاگرفته‌ی توده برگزیده شد. حاضران در جلسه، پانزده نفر را برای حضور در کمیته‌ی مرکزی موقت انتخاب کردند که وظیفه آنها تدوین مرامنامه و اساسنامه‌ی حزب بود. اما علت نامگذاری این حزب و به کار نبردن واژه‌هایی چون کمونیست، اشتراکی، سرخ، سوسیالیست و ... را باید در توصیه‌ی استالین رهبر کشور شوروا جست که اعتقاد داشت: "در کشورهای عقب مانده کمونیست‌ها نباید به نام حزب کمونیست فعالیت کنند." و به دنبال همین توصیه بود که روسها نیز به اعضای حزب پیشنهاد دادند تا با توجه به آنکه ایران کشوری اسلامی است و کمونیسم در آن جایی نخواهد داشت نامی فراگیرتر به این حزب داده شود تا تعداد بیشتری جذب آن شوند و سفارت شوروی در ایران نیز بر این امر تأکید کرد و اعضای حزب نیز نام "توده" را برگزیدند. مرامنامه‌ی حزب با چند اصل از جمله موارد برشمرده شده‌ی زیر تدوین شد:

- مبارزه علیه هرگونه رژیم دیکتاتوری و استبدادی؛
- اصلاحات لازمه در طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبودی بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان و توده زحمتکش ایران؛
- اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و و بهداشتی و برقراری تعلیمات اجباری و مجانی عمومی و تأمین استفاده توده ملت از کلیه مراحل فرهنگی و بهداشت.
- تعدیل مالیاتها با در نظر گرفتن منافع توده.
- اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی و توسعه صنایع و معادن و وسایل حمل و نقل از قبیل ایجاد و نگاهداری راههای شوسه و تکمیل خطوط آهن.
- ضبط اموال و دارایی پادشاه سابق به نفع ملت ایران.

حزب پس از اعلام موجودیت رسمی سعی کرد تا صاحب روزنامه هم بشود و عباس اسکندری یکی از اعضای کمیته مرکزی موقت که صاحب امتیاز روزنامه‌ی "سیاست" بود روزنامه خود را به حزب واگذار کرد. حزب کمونیسم توده، در ابتدا، منظم و منسجم آغاز کرد. شاکله‌ی توده از حزب کمونیست شوروی الگو گرفته شده بود و این مطلب در حالی عملیاتی شد که نیمی از مملکت در اشغال اتحاد جماهیر شوروی بود. کمک‌های حزب توده بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۲۴ شمسی به اتحاد جماهیر شوروی علنی بود. بین این سال‌های اوج رشد حزب توده بخصوص در دانشگاه‌ها بود. در آن هنگام حزب توده در سراسر کشور شش هزار عضو داشت. آنها به جهت کنفرانسی در تهران گردهمایی تشکیل داده بودند که ۳۳ ناظر از شهرستانهای مختلف و ۸۷ نماینده از تهران حضور داشتند. یک چهارم اعضا از بین روشنفکران و مابقی از بین افزارمندان، کارگران و صنعتگران بودند. (آبراهایان، ۱۳۷۷) با توجه به برخی اصول مرامنامه‌ی حزب توده که به آنها اشاره شد، می‌توان جریان کمونیسم حزب توده در ایران را در سه محور تقسیم‌بندی کرد:

اول، کمونیسم به‌عنوان ایدئولوژی؛

دوم، کمونیسم به‌عنوان یک جریان فرهنگی، ادبی، هنری و

سوم، کمونیسم در حزب توده، به‌عنوان یک سازمان، نهاد و تشکیلات.

حزب توده به دستور شوروی، تشکیل می‌شود و اجازه‌ی تاسیس آن را هم از سفارت شوروی می‌گیرند. خلأ سیاسی و فرهنگی که در زمان رضاخان به‌دلیل مبارزه با هویت اسلامی آغاز شده بود موجب شد بسیاری به حزب توده بپیوندند. حزب توده، با شعار مبارزه با دیکتاتوری، استبداد و فتودالیسم وارد عمل شد. در این راستا حتی اقدام به ترور شاه هم شد، اگرچه عده‌ای آن را در حد حدسیات پنداشتند. آنها در قالب کارگران، زنان، دهقانان فعالیت‌های خود را آغاز کردند؛ همچنین، بخش ادبی و هنری هم با ترجمه-ی آثار نویسندگان چپ‌گرای اروپا و تاریخ حزب کمونیست شروع به کار کرد. حزب توده بدون هیچ انکار و خودداری، علناً از منافع شوروی در ایران دفاع می‌کرد و در جریان نفت در پی منافع شوروی برای ادعای امتیاز نفت شمال بود. این مطلب به قدری برای ایرانیان ناپسند بود که برخی از اعضای حزب خود را کنار کشیده و در بهمن ماه سال ۱۳۲۷ شمسی و بعد از ترور محمدرضا شاه در دانشگاه تهران، غیرقانونی اعلام می‌شود.

از سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ شمسی که نهضت ملی شدن نفت را داریم، حزب توده شروع به تبلیغ می‌کند و آن را حرکتی امپریالیستی می‌خواند! توده‌ای‌ها با روی کار آمدن دولت مصدق، آن را عامل امپریالیسم می‌دانند و با اختلاف افتادن میان آیت‌الله کاشانی و مصدق به دفاع از مصدق می‌پردازند. در کودتای ۱۳۲۸ مرداد آنها با داشتن ۷۵۰ کادر نظامی در ارتش از درجه سروانی به بالا، هیچ عملی در دفاع از مصدق انجام نمی‌دهند.

آنچه بعد از کودتا شاهد هستیم، دستگیری بیش از ۷۰۰ تن از توده‌ای‌ها بود. جمعی فرار می‌کنند، جمعی حبس‌های طولیل‌مدت می‌گیرند و عده‌ای نیز اعدام می‌شوند و تشکیلات حزب بین ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ شمسی از بین می‌رود و سال ۱۳۴۰ که مقداری فضا مناسب می‌شود، حزب به دنبال احیای خودش است، اما، در این سالها شوروی به خاطر عقد قراردادهای اقتصادی و در پی منافع خود رابطه خوبی با ایران دارد و به حزب اجازه‌ی ورود به فعالیت‌های خاص را نمی‌دهد؛ هرچند که حزب با گسترش در جنوب و شمال کشور، در آن زمان، تشکیلاتی‌ترین حزب شناخته شده در ایران محسوب می‌شد.

۷- انقلاب سفید (انقلاب شاه و مردم)

محمدرضا پهلوی اعتقاد داشت، انقلاب اجتماعی عظیمی در ایران صورت داده که وضع جامعه را بکلی دگرگون کرده است. او همچنین معتقد بود خط مشی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور خویش را بر اصول انقلابی قرار داده که ملت ایران اراده‌ی قاطع خود را در تایید آن اعلام داشته و تمامی برنامه‌هایی که برای آینده‌ی کشور خویش طرح کرده، بر اصول همین انقلاب متکی است.

- اصلاحات وسیع اجتماعی؛
- سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک؛
- پیشرفتهای فرهنگی؛
- همکاری بین‌المللی؛
- احترام به معتقدات معنوی؛
- آزادیهای اجتماعی و فردی؛

اصولی بودند که شاه آنها را بعنوان گستره‌ی کار خویش در آینده‌ی کشور ایران در قالب انقلاب سفید در نظر گرفته بود. این اصول که شاه آنها انقلاب سفید نام داده بود در حقیقت رفرم‌هایی بود که به عنوان واکنشی به کمونیسم سلطنت‌برانداز روان و سیال آن زمان عملیاتی شد و با جملاتی زیبا و سنجیده به این صورت، معرفی شد. در حقیقت، مخالفت با آنها مخالفت با منافع عمومی و مصالح ملی قلمداد می‌گردید. (مغرب، ۱۳۸۴)

اولین اقدام در انقلاب سفید نیز، اصلاحات ارضی بود. شاه، با این عنوان که مالکیت‌های بزرگ توأم با ویرانه‌های حاصل از حکومت مغول، برای ایران نتایجی وحشتناک ببار آورده و دیگر زمان خان‌خانی گذشته است (پهلوی، ۱۳۴۶) اقدام به تعدیل وضع مالکیت‌های بزرگ و تبدیل کشاورزان به خرده مالکین و تقسیم اراضی بین زارعین کرد.

در اصل بعدی ملی شدن جنگلها و مراتع آورده شده است. شاه عنوان کرد که: خلیفه‌ی سوم در زمان فتح عراق، برخلاف توصیه‌ی حضرت علی (ع) که به عمرین خطاب فرموده بودند زمینها را بین زارعین تقسیم کند عمل کرد و قسمتی از مراتع عمومی را به برخی از منتفذان خاندان اموی بخشید. این نقدی است که به عمرین خطاب وارد است و اکنون او می‌خواهد بنابر تعلیمات عالییه‌ی اسلامی و متناسب با سوابق عملی تاریخ اسلام، زمینها را بین زارعین تقسیم کند. نکته‌ی دیگر آنکه، نابسامانی آن زمان جنگلها محاصل سوء استفاده مالکان بزرگ بوده که نتوانسته‌اند به درستی رسیدگی کنند. بدین ترتیب، وی جنگلها را به عنوان دومین اصل انقلاب، ملی اعلام کرد و آن را به تصویب دولت رساند.

فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه‌ی اصلاحات ارضی، سومین اصل از اصول ششگانه‌ای بود که به معرض مراجعه به آرا عمومی گذاشته شد. این اصل در واقع مکمل اصل اول یعنی، اصلاحات ارضی بود و منظور اساسی از آن این بود که قسمتی از اعتبارات لازم جهت اجرای قانون اصلاحات ارضی تامین گردد. هدف دیگر این بود که، با فروش کارخانه‌های دولتی کارخانه‌ها به صورت شرکت سهامی اداره شوند و از این راه مردم در کارهای تولیدی و اقتصادی دخالت بیشتری داشته باشند و این خود از مفاهیم اساسی اصول انقلاب بود.

چهارمین اصل، سهمین شدن کارگران در سود کارگاه‌ها بود. در توجیه این اصل، پهلوی دوم عنوان کرد که تقریباً تمامی امپراتوری‌های بزرگ گذشته جهان در مورد فشار بر طبقه‌ی کارگر یکسان عمل کرده اما، کشورهای بزرگ باستانی از این حیث تفاوتی فاحش وجود داشته است. او در این مورد جمله‌ای از یک دانشمند آمریکایی نقل کرد که: غنی‌ترین ممالک، آنهایی نیستند که در آنها طبیعت غنی‌تر است؛ بلکه، ممالکی هستند که کارگران با کفایت‌تر و شایسته‌تری دارند. در ادامه و در توجیه مطلب آورد که، همچنان که رعایا را صاحب زمین می‌کنیم تا احساس نمایند که در این مملکت مستقیماً سهمی دارند و با چنین احساسی خود را در حفظ این آب‌ها مسئول بدانند، باید در مورد کارگران کشور نیز کاری کنیم که همین حس در آنها نسبت به کارخانه‌ای که در آن کار می‌کنند ایجاد شود.

پنجمین اصل، اصلاح قانون انتخابات بود. شاه مدعی بود با این کار به دنبال مفهوم واقعی دموکراسی در بدنه‌ی نظام پادشاهی خود می‌رود!

ششمین اصل از اصول ششگانه، به اعتقاد متولی انقلاب، از پُرآفتاب‌ترین اصول انقلاب سفید برشمرده می‌شود؛ سپاه دانش. چراکه اصیل‌ترین رسالت تاریخی تمدن ایرانی، متناسب با نهضت جهانی پیکار با بی‌سوادی، یعنی رواج دانش و فرهنگ برشمرده است

اصول سپاه بهداشت؛ به منظور اشاعه‌ی سلامتی - سپاه ترویج و آبادانی؛ در راستای اصلاحات ارضی - خانه‌های انصاف؛ برای رعایت اصل عدالت، تکمیل‌کننده‌ی اصول پیشین بوده و در نهایت اصول نه‌گانه، مبنای اولیه انقلاب قرار گرفت. شاه عنوان کرد که بدین ترتیب، دستگاه حکومتی با ملت یکپارچه و هم‌آهنگ می‌شود و یک واحد متشکل بوجود می‌آورد، چنین حکومتی با اتکا به تأیید و پشتیبانی ملی می‌تواند بدون واژه از خارجی، سیاستی را که فقط بر مصالح و منافع ملی تکیه داشته باشد، در پیش گیرد.

۸ - تحولات سیاسی بین‌الملل در سالهای عملیات شدن انقلاب سفید

انقلاب سفید در میانه‌ی دوره‌ی جنگ سرد - که عده‌ای غائلی آذربایجان در ایران را یکی از دلایل آغاز آن می‌پندارند - با نظام بین‌الملل دوقطبی همراه بود. این دوره از رقابت، تنش و کشمکش ژئوپلیتیکی بین بلوک شرق (اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش) و بلوک غرب (ایالات متحده آمریکا و متحدانش) بعد از جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. ریشه‌های جنگ سرد به پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم و پایان اتحاد موقت آمریکا و شوروی بر علیه آلمان نازی و در ادامه‌ی درگیری ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دو کشور برای گسترش نفوذ جهانی باز می‌گردد. به غیر از مسابقه‌ی تسلیحات هسته‌ای و استقرارهای مرسوم نیروهای نظامی دو طرف از راه‌های دیگر همچون جنگ روانی، کارزارهای تبلیغات سیاسی، جاسوسی، تحریم‌های اقتصادی گسترده، رقابت در مسابقات ورزشی و فناوری مثل رقابت فضایی برای اثبات برتری خود استفاده کردند.

نظریه‌های سیستمی، متغیر اصلی شکل‌دهنده‌ی رفتار کشورها را، ساختار نظام بین‌الملل می‌دانند. چگونگی توزیع قدرت در روابط بین‌الملل در واقع همان ساختار نظام بین‌الملل است. هر نوع ساختار، شرایط خودش را بر کشورها تحمیل می‌کند. سیاست خارجی و داخلی کشورها، تحت تأثیر نوع ساختار نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد و منافع آنها هم تحت تأثیر نوع ساختار نظام بین‌الملل تعریف می‌شود. در زمان جنگ سرد و انقلاب سفید نظام دوقطبی بر نظام بین‌الملل استوار بود. بنابراین، برخی از کشورها منافع خودشان را در بلوک غرب می‌دانستند و اتحاد خود را در بلوک غرب جستجو می‌کردند، برخی دیگر منافع خود را در بلوک شرق می‌دیدند. ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی، ضمن تحمیل خصیصه‌های خود بر سیاست داخلی و خارجی کشورها، آنها را نیز شکل می‌داد. (محمّدنیا، ۱۳۹۹) این قاعده بر کشور ایران با نظام پادشاهی نیز صادق بود. تجربه‌ی اشغال ایران توسط شوروی از شمال در جنگ جهانی دوم برای محمدرضا شاه آشکار ساخت که ضمن توانمندسازی و تقویت بنیه‌ی دفاعی خود باید با ایدئولوژی شرق‌گرا (ایدئولوژی مارکسیستی و کمونیسم) نیز مبارزه کند که در غیر اینصورت تجربه‌ای همانند عراق، انتظار او را خواهد کشید.

۹ - نتیجه‌گیری

در بخش کمونیسم، عنوان شد که این ایدئولوژی، جنبشی فلسفی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی است که هدف نهایی آن بنیان و ایجاد یک جامعه‌ی کمونیستی است؛ جامعه‌ای که یک نظم اجتماعی-اقتصادی بنا بر ایده‌های مالکیت مشترک از ابزار تولید و عدم وجود طبقات اجتماعی، پول و دولت ساخته شده است. گرایش به جامعه‌گرایی دارد و معتقد است که تضاد بین دو طبقه‌ی پرولتاریا و بورژوا، ریشه‌ی همه‌ی مشکلات جامعه است و اینکه انقلاب، طبقه‌ی کارگر را به طبقه‌ی قدرتمند تبدیل می‌کند. در همین راستا، نکته‌ی قابل توجه آنست که الغای مالکیت ارضی، دقیقاً همان اصل اول انقلاب سفید، در ذات این جنبش، اولین گام در سلسله اقدامات استقرار این ایدئولوژی بشمار می‌رود.

از طرف دیگر در بخش شوروی، این کشور به عنوان پهناترین کشور و یکی از دو ابرقدرت جهانی در زمان نظام دوقطبی بودن جهان در همسایگی شمال ایران بررسی شد و نظام تک‌حزبی حکومت آن که توسط حزب کمونیست در مقرر اصلی خود اداره می‌شد، شناخته شد. تمامی سیاستهای داخلی و خارجی اتحاد جماهیر شوروی در آن سالها نیز ماحصل تفکرات رهبران حزب کمونیست بود.

از همان روزهای اولیه‌ی سلطنت پهلوی دوم، اقدامات شوروی در جهت برداشتن شاه از قدرت بود. از آنجا که شاه امکان مقابله‌ی نظامی با شوروی را نداشت و دولتهای پی‌درپی آمریکا تعریفهای متنوع از توان بازدارندگی کشورهای بلوک غرب داشتند؛ بنابراین، او دست به تفرندی در جهت ایدئولوژی کمونیسم، اما، از دوران حکومت پادشاهی خود زد.

کاری که از کشورهای غربی هم در مقابل رشد چشمگیر کمونیسم پیشتر از آن انجام داده بودند. سیستم سرمایه‌داری، بر خلاف کمونیستها که به دنبال ابتکار عمل جمعی بودند، پیشرفت را با ابتکار عمل فردی و توانایی بهره‌گیری از تغییر موقعیتها با روشی روشن و مشخص و جلوگیری از هراس و عدم تحرک، شناسایی و تعیین کردند. سیستم سرمایه‌داری، برای مقابله با کمونیسم، تا به آنجا پیش رفت که مجبور شد یکی از برنامه‌های تمام عیار کمونیسم را همچون بیمه‌ی بیکاری از درون خود سیستم، عملیاتی و اجرایی نماید.

اجرای تمامی این تحولات در جهت سوسیالیسم بود و هیچکدام به ویژگیهای نظام سرمایه‌داری ربطی نداشتند اما، شاه، این سیاستها را تلاشی برای اصلاحات و در نهایت نجات ایران تعریف کرد.

انقلاب سفید، با انجام مجموعه‌ای از اصلاحات سوسیالیستی، مرحله‌ی جدیدی در عادی سازی و گسترش روابط با اتحاد جماهیر شوروی بود. شاه توانسته بود برگ‌های رهبران شوروی رو کند که دست آنان را در قبال مداخله‌ی ایدئولوژیک که مقدمه‌ی حذف او از قدرت بود را کامل ببندد و این مطلب را فقط امام خمینی (ره) به خوبی دریافته بود. او با حفظ نظام پادشاهی، قطعه‌ی دومینوی ایران را ایستاده نگاه داشت. بدین ترتیب شاه نه تنها توانسته بود بر خلاف عراقی‌ها سلطنت خود را از گزند نفوذ شوروی کمونیست و سرنگونی بعد از آن حفظ نماید بلکه توانسته بود تا آنجا پیشروی کند که بتواند آرای رهبران شوروی را به گونه‌ای متحول کند که در طرفداری از شاه توجیهات ایدئولوژیک کنند.

بی‌مناسبت نبود که شاه هنگام مخالفت امام خمینی (ره) در پاسخ به پرسشهای آیت‌الله آقا روح الله کمالوند - از علمای بزرگ خرم آباد و دارای شِمّ سیاسی و نماینده‌ی علما و امام رحمت الله علیه از قم، - به جای اینکه توضیح روشنی به وی دهد می‌گوید: "اگر آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود من باید این برنامه را اجرا کنم. زیرا اگر نکنم، از بین می‌روم!" (معرب، ۱۳۸۴)

منابع

۱. آبراهامیان، ایرواند؛ (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، نشر نی
۲. پهلوی، محمدرضا؛ (۱۳۴۶)، *انقلاب سفید*
۳. تقوی، مصطفی. (بی‌تا) وبسایت موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، *ایران در جنگ دوم جهانی*، <http://www.iichs.ir>
۴. دکتر عبدالله بیجرانلو، (۱۳۹۲)، وب سایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی <https://farsi.khamenei.ir>
۵. معرب، رضا، (۱۳۸۴) رشد، شبکه‌ی ملی مدارس؛ *انقلاب سفید* <http://daneshnameh.roshd.ir/>
۶. رنجبر، مقصود. (۱۳۸۶) *اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در دهه‌ی چهل*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، معرفت شماره‌ی ۵۷
۷. علیپور سخاوی، مهدی؛ (۱۳۹۵)، وبسایت دکتر استارت‌آپ، اثر دومینو، قانونی مهم و جالب ویژه‌ی موسسین استارت‌آپها <http://drstartup.ir/>
۸. کارل مارکس، فردریش انگلس، (۱۸۷۲ میلادی)، *مانیفست حزب کمونیست*
۹. محمدنیا، مهدی. (۱۳۹۹)، *جزوه‌ی درسی نظریه‌های روابط بین‌الملل*، مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران
۱۰. وب سایت ویکی‌پدیا دانشنامه‌ی آزاد <https://fa.wikipedia.org>
۱۱. وبسایت پرسمان، (۱۳۸۷)، پرسمان دانشگاهیان، *معنای ماتریالیسم-ماتریالیسم دیالکتیک-معنای کمونیست-امپریالیسم*، <https://www.porseman.com>
۱۲. وبسایت حوزه، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۸۵)، *دلایلی در رد کمونیسم* <https://hawzah.net/fa>
۱۳. وبسایت خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا. (۱۳۹۸)، *انقلاب سفید؛ تلاشی برای مدرن‌سازی یا تمرکز قدرت*، کد خبر ۸۳۶۴۷۳۲۹
۱۴. وبسایت مشرق نیوز (۱۳۹۴)، گروه تاریخ مشرق، *"انقلاب سفید" را چه کسی به شاه پیشنهاد داد*، کد خبر ۴۹۶۲۵۵
15. Andrew Glass, (08/04/2017), Eisenhower invokes 'domino theory,' <https://www.politico.com/story/2017/08/04/eisenhower-invokes-domino-theory>
16. Association for Iran Studies, (n.d.); The Soviet Union and Iran 1917 - 1991 <https://associationforiranianstudies.org/>
17. History.com Editors, (November 9, 2009), Domino Theory, <https://www.history.com/topics/cold-war/domino-theory>
18. Norman Markowitz, (May, 14, 2019) People's World website, The Communist Party in the '30s: The Depression and the great upsurge
19. The Editors of Encyclopedia Britannica, (n.d), ENCYCLOPÆDIA BRITANNICA, Communist Party of the Soviet Union, political party, Soviet Union

بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در مراجعه‌کنندگان به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

کد مقاله: ۹۵۹۶۹

میثم شهریاری مقدم^۱، زینب جاودان^۲، زینب بهمنی^۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در مراجعه‌کنندگان به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان بود. تعداد ۸۹ نفر از افراد تحت درمان (بوپرنورفین و متادون) مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان و همچنین ۹۵ نفر از افراد عادی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و پرسشنامه sf36 بر روی آنها به مورد اجرا گذارده شد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که میانگین نمرات کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن در گروه از هر دو گروه ترک اعتیاد (بوپرنورفین و متادون) بیشتر بود. از طرف دیگر بین دو گروه تحت درمان (بوپرنورفین و متادون)، تفاوت معناداری در میانگین نمرات کیفیت زندگی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: پرسشنامه sf36، کیفیت زندگی، بوپرنورفین، متادون، اعتیاد

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش بالینی

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش بالینی

۳- کارشناس علوم تجربی

۱- مقدمه

کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که همانند اعتیاد جوامع بشری را مورد تهدید قرار داده باشد. با وجود خطرات و عوارض ناشی از اعتیاد، هر روزه بر شمار قربانیان این دام مرگبار افزوده می‌شود و مشاهده صحنه‌های هولناک آن هنوز نتوانسته به عنوان هشدار جدی برای اجتناب سایر افراد به ویژه قشر جوان جامعه تلقی شود (نشریه دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد جمعیت ۱۲ سال و بالاتر آمریکا حداقل یک بار در طول عمر خود مواد مخدر را در طول عمر تجربه کرده‌اند و حداقل ۵٫۵ درصد آن‌ها با یک مشکل مرتبط با سوء مصرف دارو مواجه شده‌اند (لویسنون به نقل از توکلی و همکاران ۱۳۹۰). در ارتباط با ویژگی‌های روانشناختی معتادان و افراد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد همچنان تحقیقات مختلف در جریان است. بخ نظر می‌رسد کیفیت زندگی این گروه از افراد خود به عنوان علت و همچنین معلول می‌تواند تحت تاثیر اعتیاد و سوء مصرف مواد قرار گیرد. آمارهای منتشر شده از سازمان‌های بین‌المللی، بخصوص سازمان بهداشت جهانی کمیته جهانی کنترل مواد مخدر و سازمان یونسکو حاکی از افزایش فزاینده مصرف این مواد در سطح جهان است. تنها تفاوت موجود بین کشورها در الگوی مصرف آن‌ها است. بدیهی است که گسترش این روند، تیشه بر ریشه بنیادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه می‌زند و در نهایت آن را به انحطاط می‌کشد. امروزه این مشکل چنان خودنمایی می‌کند که هیچ کشوری نمی‌تواند خود را کاملاً از آن مصون بداند. یکی از اثرات اعتیاد، تاثیر بر کیفیت زندگی معتادین و خانواده‌هایی آنان می‌باشد.

سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را نه فقط با نبود بیماری، بلکه به عنوان رفاه و آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف می‌نماید. به دلیل اهمیتی که مفهوم کیفیت زندگی پیدا کرده است، سازمان جهانی بهداشت یکی از اهداف عمده خود را تا سال ۲۰۳۰ افزایش کیفیت زندگی ذکر میکند به سبب همین اهمیت روزافزون، پژوهشهای متعددی عوامل موثر بر آن را بررسی کرده‌اند. مطالعه‌های مختلف در مؤلفه روانشناسی سلامت نشان داده‌اند که استرس، اضطراب و عوامل مانند آن کیفیت زندگی فرد را تحت تاثیر قرار میدهند همچنین، در پژوهشهای گذشته تاکنون رابطه هوش، معنویت، سلامت جسمانی و روانی، فعالیتهای اوقات فراغت و ارتباط اعضای خانواده و عوامل اجتماعی مانند شغل و تمایلات بین فردی با کیفیت زندگی بررسی شده است این مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت زندگی برآیندی از فشارهای روانی، حوادث زندگی، عوامل محیطی و اجتماعی از یک سو و برنامه‌هایی همچون بهداشت عمومی و منابع فردی (مانند شناخت، توان مقابله، احساس شایستگی، احساس امنیت، مهارتهای سازشی، نظام باورهای اعتقادی- ارزشی باثبات و نظام حمایتی) از سوی دیگر است ایران در بیست سال اخیر، از نظر کیفیت زندگی در دنیا، در سطح متوسط رو به پایین قرار داشته است. (پیروی، ۱۳۸۹)

ایران از حیث شاخص‌های آموزشی و برخی شاخص‌های مربوط به بهداشت و توسعه جنسیتی، تحولات مثبت و گاهی به مراتب بهتر از کشورهای همسایه را تجربه کرده است. با وجود بهبود در شاخص‌های درآمدی و فقر، ایران نسبت به کشورهای همسایه وضعیت قانع‌کننده‌ای نداشته است. در زمینه شاخص‌های درآمدی و اشتغال، آمارها چندان رضایت‌بخش نیستند. در بیست سال اخیر، میزان فقر مطلق در جامعه بسیار کاهش یافته، اما بر دامنه فقر نسبی به ویژه در مناطق روستایی افزوده شده است. درآمدهای پایین، افزایش نرخ بیکاری و تورم از مهم‌ترین دلایل اقتصادی این امر بوده است. علاوه بر این، متغیرهای تبیین‌کننده دیگری که ایران را در شمار کشورهای با کیفیت زندگی پایین قرار داده، ریسک‌های زیست محیطی، عدم امنیت استراتژیک و آزادی بوده است (پیرمحمدی و پیرزمانی، ۱۳۹۰).

از آنجاییکه به نظر می‌رسد اعتیاد به عنوان یک تجربه ناخوشایند زیستی اجتماعی روانشناختی در زندگی هر فرد می‌تواند بحران‌های شدیدی را در ابعاد مختلف بر فرد و خانواده او تحمیل نماید و از طرف دیگر بنا بر تحقیقات انجام شده اثرات مهمی بر کاهش کیفیت زندگی افراد وابسته به مواد ایجاد نماید، انجام تحقیقات بر روی کیفیت زندگی افراد وابسته به مواد می‌تواند واجد اهمیت باشد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد پایین بودن کیفیت زندگی به نوبه خود می‌تواند در گرایش افراد به سوء مصرف مواد موثر بوده و دور باطلی از سوء مصرف مواد، کیفیت زندگی پایین و گرایش به سوء مصرف مواد ایجاد نماید.

به منظور اندازه‌گیری کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن چه در جمعیت عادی و چه در گروه‌های وابسته به مواد و ترک اعتیاد از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود. در بین پرکاربردترین این ابزارها می‌توان به پرسشنامه‌های WHO-QOL و همچنین ۳۶SF اشاره نمود (نجات، ۱۳۸۷). ۳۶SF از ۱۹۹۰ یعنی زمان معرفی آن تا به امروز در بیش از ۴۰۰۰ پژوهش مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. (اسپین، ۲۰۰۰، به نقل از ادیب حاج باقری، ۱۳۸۸). پرسشنامه مشتمل بر ۳۶ سوال می‌باشد که در زمان محدودی (حدود ۱۰-۱۵ دقیقه) قابل اجرا می‌باشد. با توجه به مطالب ذکر شده بررسی کیفیت زندگی افراد مراجعه‌کننده به مراکز اعتیاد با استفاده از پرسشنامه ۳۶SF به عنوان یکی از پرکاربردترین ابزارهای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در جمعیت‌های خاص می‌تواند استفاده‌های عملی و کاربردی زیادی چه از جهت پیشینه تحقیقی و روانسنجی پرسشنامه و چه از جهت ارزیابی این ویژگی در گروه مورد مطالعه داشته باشد.

۲- چارچوب پژوهش

۲-۱- اهداف

- مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در مراجعه کنندگان به مراکز ترک اعتیاد به تفکیک گروه های ترک اعتیاد
- مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در گروه های ترک اعتیاد و عادی

۲-۲- فرضیات

- بین میانگین نمرات کل کیفیت زندگی پرسشنامه SF36 در گروه های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میانگین نمرات بعد سلامت جسمانی کیفیت زندگی پرسشنامه SF36 در گروه های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میانگین نمرات بعد سلامت روانی کیفیت زندگی پرسشنامه SF36 در گروه های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- پیشینه پژوهشی

در تحقیق علی نژاد، محمدی و جنابی (۱۳۹۵) به بررسی تفاوت سطح کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد شهر عسلویه پرداختند. این تحقیق بر روی ۱۰۶ نفر از افراد معتاد و ۵۶ نفر از افراد غیر معتاد انجام گرفت. اطلاعات این تحقیق از پرسشنامه SF36 جمع آوری شد. نتایج این تحقیق نشان داد که اعتیاد کیفیت زندگی را در ۴ بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی تحت تاثیر قرار می دهد و سطح این عوامل را به شدت در فرد کاهش می دهد. نریمانی و قمری (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی تفاوت سطح کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد پرداختند. این تحقیق بر روی ۱۲۰ نفر از افراد معتاد و غیر معتاد در شهر اردبیل انجام شد. ابزار این تحقیق پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 بود. نتایج این تحقیق نشان داد که افراد معتاد در همه ابعاد کیفیت زندگی نسبت به افراد غیر معتاد در سطح پایین تری قرار دارند.

در تحقیق قمری و شمس (۱۳۹۱) به بررسی تفاوت کیفیت زندگی و عملکرد خانواده در افراد معتاد و غیر معتاد در شهر نکا پرداخت. این تحقیق بر روی ۸۵ نفر از افراد معتاد و ۴۵ نفر از افراد غیر معتاد صورت گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که با شروع اعتیاد در فرد کیفیت زندگی و عوامل مربوط به آن کاهش پیدا می کند. و زمانی که کیفیت زندگی کاهش پیدا می کند عملکرد خانواده فرد نیز کاهش پیدا می کند. در تحقیقی شمس آبادی و نژاد نادری (۱۳۸۸) به بررسی تفاوت کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد پرداختند. این پژوهش با نمونه ۲۰۰ نفر از افراد معتاد و غیر معتاد انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین افراد معتاد و غیر معتاد به لحاظ کیفیت زندگی و زیر مقیاس های آن تفاوت معنی داری وجود دارد. و افراد معتاد در کیفیت زندگی و زیر مقیاس های آن نمرات کمتری گرفتند.

باقری و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی نقش کیفیت زندگی و ابعاد آن در گرایش به درمان اعتیاد در افراد معتاد شهر تبریز پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۷۸ نفر از معتادان شهر تبریز که به شکل نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، بود. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی و ابعاد آن تاثیر به سزای در گرایش معتادین و اقدام به ترک دارد و معتادین که کیفیت زندگی بالاتر عامل مهمی در اقدام به ترک و افزایش سلامت روانی معتادین دارد. سیرانی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی کیفیت زندگی در گروه های ترک اعتیاد انجمن NA و متادون درمانی پرداخت. این تحقیق بر روی ۸۰ نفر از معتادانی که برای ترک اقدام کده بودند صورت گرفت. ۵۰ نفر از این نمونه در گروه متادون درمانی و ۳۰ نفر در گروه NA حضور داشتند. نتایج نشان داد که در بین گروه NA در سیاری از جنبه های کیفیت زندگی بالاتر می باشد.

سرابندی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی تاثیر طرحواره درمانی بر افزایش کیفیت زندگی در معتادانی که برای ترک اقدام کرده بودند صورت گرفت. این تحقیق بر روی ۶۵ نفر از معتادانی که برای سم زدایی به کمپ های ترک اعتیاد شهر سیرجان مراجعه کرده بودند، صورت گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که طرحواره درمانی در ۲ بعد هیجانی و کارکرد اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری دارد. ویسی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی کیفیت زندگی معتادان در قبل و بعد از درمان در گروه های متادون درمانی پرداخت. این تحقیق بر روی مراجعه کننده گان به مرکز سم زدای شهر کرج انجام شد. نمونه این تحقیق ۸۶ نفر که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند. در این تحقیق ابتدا پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 اجرا می شد و آزمودنی وارد مرحله سم زدایی می گشت و در پایان مرحله سم زدایی مجددا پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 اجرا می شد. نتایج این تحقیق نشان داد که قرار گرفتن در شروع درمان کیفیت زندگی معتادان را در بسیاری از جنبه ها بالا می برد.

پیروی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی کیفیت زندگی فرزندان افراد معتاد در معتادان شهر اردبیل پرداخت. این تحقیق بر روی خانواده های افراد معتادی انجام شد که برای ترک اقدام کرده بودند. نتایج این تحقیق نشان داد که ناامیدی، بی انگیزگی و کاهش فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در فرزندان افراد معتاد در اندازه بالایی مشاهده شد. پورمحمدزاده و پیر زمانی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی عوامل تاثیر گزار بر کیفیت زندگی معتادان و خانواده ای آنها پرداخت این تحقیق بر روی ۶۰ نفر از معتادان و خانواده آنها در شهر کاشان پرداخت. بر اساس نتایج این پژوهش، در مجموع کیفیت زندگی بیشتر از ۲۴ درصد فرزندان

افراد معتاد در سطح متوسط و ۷ درصد در سطح بالا، و کیفیت زندگی ۲۴ درصد این افراد پایین بوده است. به طور کل اعتیاد والدین منجر به کاهش سلامت روان و افزایش اختلالات روانی فرزندان آن‌ها می‌شود.

در پژوهش ثابتی (۱۳۹۰) به بررسی تفاوت کیفیت زندگی و گرایش به رفتارهای پرخطر فرزندان دختر و پسر افراد معتاد پرداختند. این تحقیق در خانواده معتاد شهر کرمانشاه انجام شد و نمونه این تحقیق ۵۰ نفر از اعضای خانواده ای معتادین بود که به صورت داوطلبانه در این تحقیق شرکت کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که در تمام ابعاد کیفیت زندگی یعنی سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط میان فردی و سلامت محیط بین فرزندان دختر و پسر افراد معتاد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. کیفیت زندگی در جنس دختر پایین تر و در فرزندان پسر رفتارهای پرخطر بیشتری مشاهده شد. این مسئله حاکی از آسیب پذیر بودن دختران نسبت به پسران در جامعه است که بیشتر در معرض اثرات ناخواسته و نامطلوب اعتیاد قرار می‌گیرند. جوانمرد و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی تفاوت کیفیت زندگی در گروه معتادین وابسته به مواد سبک (سیگار و قلیان) و مواد سنگین (تریاک، شیشه) پرداخت. این تحقیق بر روی ۱۰۰ نفر از افراد معتاد شهر تهران پرداخت. که نشان داد نمره کیفیت زندگی افراد سوءمصرف کننده مواد سنگین پایینتر از کیفیت زندگی فرزندان افراد سوءمصرف کننده مواد سبک است. از آنجا که مواد سبک شامل سیگار، قلیان و مشروبات الکلی و مواد سنگین شامل تریاک، حشیش، قرص اکستازی، کراک، شیشه و هروئین می‌شود و میتوان گفت که سوءمصرف مواد سنگین تأثیرات مخرب تری بر ساختار روانی و کیفیت زندگی افراد به جا می‌گذارد.

خسروی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تفاوت کیفیت زندگی در معتادینی که به شیوه متادون درمانی و سایر روش‌های درمانی پرداخت. این تحقیق بر روی ۷۰ نفر از افرادی که برای درمان به مراکز ترک اعتیاد شهر بم مراجعه نمودند، اجرا شد. نتایج پژوهش نشان داد که در مقایسه با جمعیت عمومی، معتادان تحت درمان متادون سطح بالایی از مشکلات سلامت روانی را نشان دادند و اکثراً اختلال‌های خلقی و عاطفی مانند افسردگی و اضطراب را تجربه کرده‌اند و کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به سایر افراد معتادی که روش‌های دیگر درمانی را انتخاب کردند، نشان دادند. در مطالعه ای خسروی کبیر (۱۳۸۹) با هدف تعیین تأثیر اعتیاد بر افسردگی، اضطراب و کیفیت زندگی درمعتادان پرداخت. که نتایج نشان داد افراد معتاد نسبت به سایر افراد علائم افسردگی بیشتر و شدیدتری را تجربه می‌کنند و اضطراب بالایی را در همه سطوح زندگی تجربه می‌کنند. و به لحاظ کیفیت زندگی و ابعاد آن در شرایط نامطلوبی از این حیث نسبت به سایر افراد جامعه قرار داشتند.

زینالی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی رابطه کیفیت زندگی میزان مصرف و نوع ماده مصرفی در معتادان شهر زنجان پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۴۰ نفر از افراد معتاد شهر زنجان بودند که به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. نتایج این تحقیق نشان داد کیفیت زندگی پایین با مصرف بیشتر رابطه معنی‌داری دارد همچنین ماده مصرفی شیشه بیشترین همبستگی را با کیفیت زندگی پایین در معتادان داشت. در مطالعه توکلی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر سم زدایی بر کیفیت زندگی معتادان پرداختند این تحقیق بر روی ۴۰ نفر از افرادی که برای سم زدایی مراجعه کرده بودند، اجرا شد. نتایج این تحقیق نشان داد روش درمانی سم زدایی در افزایش کیفیت زندگی این افراد موثر می‌باشد.

در مطالعه کریمی مقدم و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی، تفاوت کیفیت زندگی معتادانی که در جلسات درمانی معتادان گمنام شرکت کرده بودند در مقایسه با متادون درمانی بررسی شد. این تحقیق بر روی ۴۰ نفر اجرا شد که هر کدام از روش‌های درمانی ۲۰ نفر را شامل می‌شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی معتادانی که در جلسات معتادان گمنام شرکت کرده بودند بالاتر از معتادان تحت درمان با متادون بود. مهربانی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه کیفیت زندگی و ابعاد آن و استعداد اعتیاد پرداخت. این تحقیق به در جوانان ۲۰ تا ۳۵ سال شهر ساوه انجام شد نتایج این تحقیق نشان داد که میزان گرایش به اعتیاد در گروه‌هایی از قبیل افراد بیکار و بی‌سواد، روستائیان، حاشیه‌نشینان شهرها، خانوارهای دارای سابقه مصرف مواد و خانواده‌های پرجمعیت بیشتر است عوامل فردی مانند دوره جوانی، صفات شخصیتی، استعداد ارثی و اختلالات روانی و برخی عوامل اجتماعی مانند آشفته‌گی سامان خانواده، دوستان، محل سکونت و قوانین و در مجموع کیفیت زندگی پایین از جمله عوامل مؤثر بر پدیده اعتیاد تلقی می‌شوند.

قدیمی (۱۳۸۹) در تحقیق به بررسی کیفیت زندگی و بازگشت به اعتیاد در افراد دارای سابقه ترک پرداختند. این تحقیق بر روی ۲۵ نفر از افرادی که برای چندمین بار برای ترک اقدام می‌کردند، انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی پایین در بازگشت دوباره به اعتیاد تأثیر گزار می‌باشد. همچنین از دیدگاه معتادان، معاشرت با دوستان معتاد و منحرف به عنوان مهمترین عامل بین فردی مرتبط با بازگشت به اعتیاد توصیف شده است. با این حال عوامل شغلی همچون بیکاری، عوامل اقتصادی همچون فقر و عوامل خانوادگی همچون برخورد نامناسب همسر و اعضای خانواده از دیگر عوامل بازگشت مجدد معتادان محسوب می‌شوند. رحیمی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت زندگی و ابعاد آن بر تعداد دفعات اقدام برای ترک در معتادین شهر یزد پرداخت. این تحقیق بر روی ۱۰۰ نفر از معتادین که برای ترک اقدام کردند، انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی بالا باعث اقدام به ترک می‌شود. و میزان دفعات ترک با کیفیت زندگی ارتباط مستقیم و معنی‌داری دارند.

قیصری (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تفاوت کیفیت زندگی و ابعاد آن در افراد معتاد در قبل و بعد از متادون درمانی پرداخت. این تحقیق در شهر بابل و بر روی ۵۶ نفر از معتادین که برای ترک اقدام کرده بودند انجام شد. نتایج تحقیق و پیگیری بعد از تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی در افراد معتاد بعد از متادون درمانی نسبت به قبل تفاوت معنی‌داری دارد و در بحث ابعاد کیفیت زندگی، در بسیاری از ابعاد شرایط بهتر شده بود. در تحقیق پارکر و جانسون (۲۰۰۸) به بررسی کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد در شهر لندن پرداختند. این تحقیق بر روی ۱۴۰ نفر از افراد معتاد و غیر معتاد پرداختند ابزار این تحقیق پرسشنامه

کیفیت زندگی SF۱۶ بود. نتایج این تحقیق نشان داد که افراد معتاد در تمامی زیر مقیاس های کیفیت زندگی از افراد غیر معتاد نمرات کمتری کسب کردند.

لیموال (۲۰۰۷) در تحقیقی به بررسی تاثیر اعتیاد بر بهزیستی روانی، مناسبات اجتماعی و کیفیت زندگی در اعضای خانواده معتادین پرداخت. این تحقیق بر روی معتادان شهر سیدنی استرالیا انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که بهزیستی روانی اعضای خانواده معتادین دستخوش اغتشاشات میشود، مناسبات اجتماعی و کیفیت زندگی آن ها مختل میشود و غم، اندوه، احساس تنهایی، شرم و عدم امنیت روانی بر سیطره زندگی آن ها استیلا می یابد. کمبل و همکاران، (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی رابطه اعتیاد با کیفیت زندگی و طلاق در افراد معتاد پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که وقایع زندگی مانند جدایی یا طلاق والدین، بیماری و مرگ آن ها که رابطه مستقیمی با سوءمصرف مواد سنگین دارند ممکن است باعث اضطراب و فشار روانی شود و این فشارها نیز بر سلامت روانی و عملکرد و بهزیستی جسمی و روانی اثر نامطلوبی بر جای میگذارند و همین عوامل، باعث کاهش قابل توجه کیفیت زندگی در افراد معتاد می شود.

بر اساس تحقیق جاویره (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی کیفیت زندگی در افراد معتاد و فرزندان آنها پرداخت. این تحقیق بر روی ۵۰ نفر از افراد معتاد و خانواده های آنها در شهر مکزیکوسیتی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی افراد معتاد در سطح بسیار پایینی می باشد. از دیگر نتایج مهم این مطالعه می توان به این نکته اشاره کرد که فرزندان افراد وابسته به مواد آسیب قابل ملاحظه ای دریافت میکنند. فرزندان افراد معتاد از انواع تنش ها و استرس ها رنج برده و دارای مشکلاتی در راهبردهای مقابله ای خود در برخورد با تنش زاهای زندگی هستند که می تواند روی کیفیت زندگی آن ها تأثیر بگذارد. اعتیاد به تنهایی مدام در زندگی مبتلایان و خانوادههای آنان به خصوص فرزندان شان بحران ایجاد میکنند و میتوانند منجر به کاهش کیفیت زندگی آن ها در ابعاد مختلف روانی و جسمانی شوند. افانی (۲۰۱۰) در تحقیقی به عوامل موثر در بازگشت به اعتیاد در افراد معتاد به حشیش در شهر ماری پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۵۰ نفر از افراد ترک کرده ای بودند که به اعتیاد برگشته بودند. نتایج نشان داد که اختلالاتی مانند، افسردگی، اضطراب، اسکیزوفرنی و اعتیادهای دارویی باعث مقاومت به درمان و بازگشت دوباره به اعتیاد می باشد. از جمله نتایج دیگر این تحقیق کیفیت زندگی پایین زندگی این افراد و عدم حمایت از طرف اطرافیان بود.

جوی (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی عوامل تاثیر گزار در بازگشت مجدد معتادین به اعتیاد بعد از درمان پرداخت. نمونه این تحقیق ۴۴ نفر از معتادینی بودند که مراحل درمانی را طی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد بالا بردن ابعاد کیفیت زندگی، مهارت در دوری جستن از مواد و توانایی سازگاری با استرسها و نیز ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس بازگشت مجدد به اعتیاد را کاهش می دهد. روسی (۲۰۱۳) به بررسی نقش اعتیاد در سلامت روان و کیفیت زندگی معتادین پرداخته بود این تحقیق در شهر ونیز ایتالیا و بر روی ۱۱۲ نفر از معتادین شهر ونیز که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند، اجرا شد. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی و سلامت روان در افراد معتاد نسبت به سایر افراد جامعه در سطح پایین تری می باشد.

رانتر (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی ویژگی های شخصیتی (درون گرایی و برون گرایی) و کیفیت زندگی در افراد معتاد پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۳۰ نفر از معتادان وابسته به هروئین در شهر استکهلم سوئد بود. نتایج این تحقیق نشان داد ویژگی شخصیتی برون گرایی در افراد معتاد بیشتر بود همچنین کیفیت زندگی در افراد معتاد نسبت به سطح نرمال جامعه پایین تر بود. ریچاردسون (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی تاثیر حمایت اجتماعی در افزایش کیفیت زندگی بعد از درمان در افراد معتاد پرداخت. این تحقیق بر روی ۴۰ نفر از معتادین که برای ترک اقدام کرده بودند، اجرا شد. نتایج این تحقیق نشان داد که وجود حمایت اجتماعی بعد از ترک اعتیاد نقش به سزای در افزایش کیفیت زندگی و بهبود شرایط معتادان دارد. همچنین از دیگر نتایج این تحقیق می توان به این مورد اشاره کرد که وجود حمایت اجتماعی بازگشت به اعتیاد تا درصد بالایی کاهش پیدا می کند.

فینو (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی مقایسه کیفیت زندگی و سرختی روانشناختی در افراد معتادی که اقدام به ترک کردند و معتادینی که تمایلی به درمان ندارند، پرداخت. نمونه این تحقیق شامل ۶۰ نفر از معتادین بودند که به روش نونه گیری سرشماری انتخاب شدند در دو گروه معتادینی که برای ترک اقدام کرده بودند و معتادینی که تمایلی به ترک نداشتند، قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت زندگی در معتادینی که اقدام به ترک کردند نسبت به معتادینی که تمایلی به ترک نداشتند، در سطح بالاتری قرار داشت همچنین این تحقیق نشان داد سرسختی روانشناختی بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت.

۴- روش تحقیق

طرح تحقیق حاضر از نظر کلی زیر مجموعه طرح های توصیفی می باشد. اما در شکل محدود و مشخص خود از نوع طرح های علی مقایسه ای می باشد.

۴-۱- جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر دو گروه آزمودنی بودند. گروه اول تحت عنوان گروه ترک اعتیاد عبارت بودند از کلیه افراد تحت درمان (بوپرنورفین و متادون) مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان که به عنوان گروه های ترک اعتیاد در مطالعه شرکت نمودند. گروه دوم تحت عنوان گروه عادی عبارت بودند گروهی از افراد عادی (غیر معتاد) حاضر در بیمارستان ها و یا مراکز درمانی مختلف که به عنوان ملاقات کننده و یا همراهان بیماران حضور پیدا کرده بودند.

۲-۴- نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

از بین دو گروه افراد جامعه آماری تعداد ۱۰۰ پرسشنامه در اختیار هر یک از گروه‌ها (ترک اعتیاد و عادی) که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند قرار داده شد. از این تعداد ۸۹ پرسشنامه از گروه ترک اعتیاد و ۹۵ پرسشنامه از گروه عادی بازگردانده شد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس بود.

۳-۴- ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور جمع‌آوری داده‌های لازم جهت بررسی اهداف پژوهش و همچنین آزمون فرضیات پژوهش از پرسشنامه کیفیت زندگی sf36 استفاده شد. پرسشنامه کیفیت زندگی sf36 یک پرسشنامه معتبر است و به طور گسترده برای ارزیابی کیفیت زندگی، به کار برده می‌شود. در ایران این فرم توسط منتظری و همکاران (۱۳۸۵) با روش ترجمه مجدد به فارسی برگردانده شده و روی ۴۱۶۳ نفر در رده سنی ۱۵ سال به بالا میانگین سنی ۳۵/۱ سال، که ۵۲ درصد آنها زن بودند، هنجاریابی شده است. ضریب پایایی گزارش شده برای خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ به غیر از خرده‌مقیاس سرزندگی که ۰/۶۵ بوده است. در مجموع یافته‌ها نشان داده‌اند که نسخه ایرانی این پرسشنامه ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی است.

هشت مقیاس پرسشنامه کیفیت زندگی در ۲ بعد سلامت جسمانی و سلامت روانی خلاصه می‌گردند. چهار خرده‌مقیاس اول شامل کارکرد جسمانی، نقش جسمانی، درد جسمانی و سلامت عمومی در بعد "سلامت جسمانی" و ۴ خرده‌مقیاس آخر سلامت روانی شامل سرزندگی، کارکرد اجتماعی، نقش هیجانی و سلامت روانی می‌باشد. همچنین این پرسشنامه دارای یک سوال نیز می‌باشد که در آن فرد به ارزیابی سلامت خود در یک ماه گذشته می‌پردازد.

۱. خرده‌مقیاس کارکرد جسمانی: محتوای این خرده‌مقیاس شامل ۱۰ سوال است، که توانایی انجام فعالیت‌های زندگی مانند توجه کردن به نیازهای فردی، پیاده‌روی و نرمش را در بر می‌گیرد.
۲. خرده‌مقیاس نقش جسمانی: نقش محدودیت‌هایی که به سبب مشکلات جسمانی ایجاد می‌شود. محتوای این خرده‌مقیاس ۱۴ سوال است که به فعالیت‌های محدودکننده توانایی‌های جسمانی مربوط می‌شود.
۳. خرده‌مقیاس درد جسمانی: این خرده‌مقیاس دارای ۴ سوال است، که میزان احساس درد طی ۴ هفته گذشته و تداخل آن با فعالیت‌های روزمره فرد را ارزیابی می‌کند.
۴. خرده‌مقیاس سلامت عمومی: چهار سوال این خرده‌مقیاس سلامت عمومی را بر اساس ادراک فرد ارزیابی می‌کند.
۵. خرده‌مقیاس سرزندگی: این خرده‌مقیاس ۴ سوال دارد که محتوای آن در خصوص احساس چالاکي، انرژی و خستگی است.
۶. خرده‌مقیاس کارکرد اجتماعی: این خرده‌مقیاس دارای ۲ سوال است که میزان تاثیر مشکلات جسمی و روانی را در انجام فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط با خانواده، دوستان و سایر افراد جامعه مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
۷. خرده‌مقیاس نقش هیجان: نقش محدودیت‌هایی که به سبب مشکلات هیجانی ایجاد می‌شود. این خرده‌مقیاس دارای ۳ سوال است که عوامل هیجانی تداخل‌کننده با کار و سایر فعالیت‌ها را ارزیابی می‌کند.
۸. خرده‌مقیاس سلامت روانی: این خرده‌مقیاس دارای ۵ سوال است که احساس افسردگی و اضطراب را می‌سنجد.

۴-۴- روش گردآوری داده‌ها

به منظور توزیع پرسشنامه مربوط به گروه ترک اعتیاد، با مراجعه به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان، از بین افراد تحت درمان مراجعه‌کننده به مراکز پس از توضیح اهداف پژوهش، پرسشنامه پژوهش در بین آندسته از افراد با سواد که تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند توزیع شد. برای گروه عادی، در خود مراکز ترک اعتیاد از بین همراهان افراد مراجعه‌کننده، و همچنین در سطح بیمارستان‌های امام علی (ع) و نبی اکرم (ص) در ساعات ملاقات و در بین آندسته از افرادی که تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند، پرسشنامه sf36 توزیع شد. ملاک ورود در پژوهش برای افراد عادی عدم وابستگی به مواد یا مشارکت در هر گونه برنامه ترک اعتیاد (بنا به اظهار خود افراد) و داشتن سواد لازم جهت تکمیل پرسشنامه‌ها بود.

۵-۴- روش تجزیه تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف متغیرهای پژوهش از برخی از شاخص‌های توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد و واریانس استفاده شد. جهت آزمون فرضیات پژوهش، از آزمون t برای مقایسه میانگین نمونه‌های مستقل و همچنین تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد. به منظور تسهیل محاسبات از نرم‌افزار آماری SPSS-20 استفاده شد.

۵- توصیف داده‌ها

برخی از شاخص‌های توصیفی مربوط به سن آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت در گروه‌های مورد مطالعه (بوبرنورفین-متادون-عادی) در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۱: برخی شاخص های توصیفی مربوط به سن آزمودنی ها

گروه	جنسیت	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
بوپرنورفین	mard	16	18.00	43.00	32.0625	7.84405
	zan	16	13.00	51.00	31.3750	10.83128
متادون	mard	38	17.00	54.00	34.0000	8.55507
	zan	16	17.00	54.00	31.3950	10.17759
عادی	mard	54	17.00	54.00	32.7037	8.71267
	zan	38	23.00	56.00	36.2368	8.83309

جدول ۲: برخی شاخص های توصیفی مربوط به متغیر های پژوهش (نمره کل و ابعاد مختلف پرسشنامه SF36) به تفکیک گروه های مورد مطالعه

گروه متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
عملکرد جسمی	بوپرنورفین	32	58.9063	26.41891	100.00
	متادون	54	60.2778	24.07568	100.00
	عادی	92	65.5435	24.72327	105.00
ایفای نقش جسمی	بوپرنورفین	32	194.5313	83.93891	400.00
	متادون	54	205.8544	98.98264	400.00
	عادی	92	206.9487	90.66029	404.50
درد بدنی	بوپرنورفین	32	48.4063	21.15665	100.00
	متادون	54	47.3889	23.63354	100.00
	عادی	92	53.3883	22.36165	97.00
سلامت عمومی	بوپرنورفین	32	52.7188	14.51636	87.00
	متادون	54	50.0741	17.73372	100.00
	عادی	92	58.5543	16.25644	107.00
سرزندگی	بوپرنورفین	32	48.5938	17.65413	75.00
	متادون	54	52.0370	16.09285	90.00
	عادی	92	53.8152	16.67856	93.00
عملکرد اجتماعی	بوپرنورفین	32	47.8438	24.03238	100.00
	متادون	54	52.0926	20.66468	100.00
	عادی	92	54.2174	21.76439	104.00
ایفای نقش هیجانی	بوپرنورفین	32	179.1875	94.97145	400.00
	متادون	54	199.7037	110.98149	400.00
	عادی	92	203.2065	102.08836	405.00
بهداشت روان	بوپرنورفین	32	43.3750	17.60086	80.00
	متادون	54	47.0370	15.38311	88.00
	عادی	92	53.2174	16.31276	96.00
سلامت جسمانی	بوپرنورفین	32	80.6250	27.46581	150.00
	متادون	54	84.5185	28.72166	153.00
	عادی	92	364.4348	130.39250	685.00
سلامت روانی	بوپرنورفین	32	74.2500	27.33897	148.00
	متادون	54	80.9259	30.46672	153.00
	عادی	92	340.4565	133.03147	678.00
نمره کل (کیفیت زندگی)	بوپرنورفین	32	84.2813	29.55938	167.00
	متادون	54	90.6667	32.36117	165.00
	عادی	92	161.3696	52.73461	299.00

همچنانکه از جدول ۱ آشکار می‌شود تعداد آزمودنی‌ها در گروه بوپرنورفین ۳۲ نفر (زن=۱۶، مرد=۱۶)، در گروه متادون ۵۴ نفر (زن=۱۶، مرد=۳۸)، و در گروه عادی ۹۸ نفر (زن=۳۸، مرد=۵۴) نفر حضور داشتند. کمترین میانگین سن مربوط به گروه زنان ترک اعتیاد (۳۱،۷۵) و بیشترین مربوط به گروه مردان عادی (۳۲،۷۰) می‌باشد.

برخی از شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش (ابعاد مختلف و همچنین نمره کل پرسشنامه SF36 به تفکیک گروه‌های مورد مطالعه محاسبه و در جدول ۲ ارائه شده است.

همچنانکه از جدول ۲ آشکار می‌شود در گروه‌های مورد مطالعه و در تمامی متغیرهای مورد بررسی، میانگین نمرات گروه عادی از میانگین نمرات دیگر گروه‌ها (بوپرنورفین و متادون) بیشتر است. علاوه بر این همچنانکه جدول ۳-۴ نشان می‌دهد، در گروه‌های ترک اعتیاد (بوپرنورفین و متادون)، به غیر از متغیرهای سلامت عمومی و درد بدنی، در دیگر متغیرها میانگین نمرات گروه متادون از گروه بوپرنورفین بیشتر است.

۶- تحلیل داده‌ها

همچنانکه جدول ۲ نشان می‌دهد، بین میانگین نمرات گروه‌های مختلف در متغیرهای مورد بررسی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. به منظور بررسی این موضوع که آیا تفاوت‌های موجود بین گروه‌های مورد مطالعه با توجه به فرضیات پژوهش در متغیرهای مورد نظر از نظر آماری معنادار است یا خیر، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (ONEWAY-ANOVA) استفاده که نتایج به تفکیک فرضیات در ادامه ارائه شده است.

فرضیه ۱- بین میانگین نمرات کل کیفیت زندگی پرسشنامه SF36 در گروه‌های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون، و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و نیز آزمون تعقیبی LSD استفاده و نتایج به شرح جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: جدول آنوا مربوط به فرضیه اول (متغیر کیفیت زندگی) (TOTAL SF36 Score)

Sig.	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	منبع پراکندگی
.000	62.095	119101.208	2	238202.417	بین گروهی
		1918.034	175	335655.904	درون گروهی
			177	573858.320	کل

همچنانکه از جدول ۳ آشکار می‌شود، دست کم بین دو گروه از سه گروه مورد مقایسه، میانگین نمرات کیفیت زندگی از نظر آماری متفاوت می‌باشد. به منظور تعیین این مطلب که این تفاوت بین کدام گروه‌ها می‌باشد از آزمون تعقیبی LSD استفاده و نتایج به شرح جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تعقیبی LSD مربوط به کیفیت زندگی (Dependent Variable: TOTAL SF36 Score) (LSD)

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	Sig.	فاصله اعتماد 95%	
					حد بالا	حد پایین
بوپرنورفین	متادون	-6.38542	9.77025	.514	12.8973	-25.6681
	عادی	-77.08832*	8.98814	.000	-59.3492	-94.8274
متادون	بوپرنورفین	6.38542	9.77025	.514	25.6681	-12.8973
	عادی	-70.70290*	7.50782	.000	-55.8854	-85.5204
عادی	بوپرنورفین	77.08832*	8.98814	.000	94.8274	59.3492
	متادون	70.70290*	7.50782	.000	85.5204	55.8854

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

همچنانکه از جدول ۴ آشکار می‌شود، تفاوت بین میانگین نمرات کیفیت زندگی تنها بین گروه عادی با گروه متادون، و همچنین گروه عادی با گروه بوپرنورفین از نظر آماری معنادار می‌باشد. در هر دو مورد میانگین نمرات کیفیت زندگی افراد عادی از گروه‌های ترک اعتیاد بالاتر می‌باشد. بر این اساس فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود.

فرضیه ۲- بین میانگین نمرات بعد سلامت جسمانی کیفیت زندگی پرسشنامه SF۳۶ در گروه های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون، و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵: جدول آنوا مربوط به فرضیه دوم (متغیر سلامت جسمانی) (Physical Health)

Sig.	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	منبع پراکندگی
.000	190.751	1759600.452	2	3519200.904	بین گروهی
		9224.615	175	1614307.590	درون گروهی
			177	5133508.494	کل

همچنانکه از جدول ۵ آشکار می شود، دست کم بین دو گروه از سه گروه مورد مقایسه، میانگین نمرات سلامت جسمانی از نظر آماری متفاوت می باشد. به منظور تعیین این مطلب که این تفاوت بین کدام گروه ها می باشد از آزمون تعقیبی LSD استفاده و نتایج به شرح جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تعقیبی LSD مربوط به سلامت جسمانی (Dependent Variable: Physical Health) (LSD)

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	Sig.	فاصله اعتماد 95%	
					حد بالا	حد پایین
بوپرنورفین	متادون	-3.89352	21.42651	.856	38.3941	-46.1811
	عادی	-283.80978*	19.71134	.000	-244.9072	-322.7123
متادون	بوپرنورفین	3.89352	21.42651	.856	46.1811	-38.3941
	عادی	-279.91626*	16.46492	.000	-247.4209	-312.4116
عادی	بوپرنورفین	283.80978*	19.71134	.000	322.7123	244.9072
	متادون	279.91626*	16.46492	.000	312.4116	247.4209

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

همچنانکه از جدول ۶ آشکار می شود، تفاوت بین میانگین نمرات سلامت جسمانی تنها بین گروه عادی با گروه متادون، و همچنین گروه عادی با گروه بوپرنورفین از نظر آماری معنادار می باشد. در هر دو مورد میانگین نمرات سلامت جسمانی افراد عادی از گروه های ترک اعتیاد بالاتر می باشد. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش تایید می شود.

فرضیه ۳- بین میانگین نمرات بعد سلامت روانی کیفیت زندگی پرسشنامه SF۳۶ در گروه های مورد بررسی، بوپرنورفین، متادون، و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷: جدول آنوا مربوط به فرضیه دوم (متغیر سلامت روانی) (Mental Health)

Sig.	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	منبع پراکندگی
.000	158.713	1526212.117	2	3052424.234	بین گروهی
		9616.152	175	1682826.530	درون گروهی
			177	4735250.764	کل

همچنانکه از جدول ۷ آشکار می شود، دست کم بین دو گروه از سه گروه مورد مقایسه، میانگین نمرات سلامت روانی از نظر آماری متفاوت می باشد. به منظور تعیین این مطلب که این تفاوت بین کدام گروه ها می باشد از آزمون تعقیبی LSD استفاده و نتایج به شرح جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون تعقیبی LSD مربوط به سلامت روانی (Dependent Variable: Mental Health)
(LSD)

گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	Sig.	فاصله اعتماد 95%	
					حد بالا	حد پایین
bopernorfin	metadon	-6.67593	21.87651	.761	36.4998	-49.8517
	Normal	-266.20652*	20.12531	.000	-226.4870	-305.9261
metadon	bopernorfin	6.67593	21.87651	.761	49.8517	-36.4998
	Normal	-259.53060*	16.81072	.000	-226.3528	-292.7084
Normal	bopernorfin	266.20652*	20.12531	.000	305.9261	226.4870
	metadon	259.53060*	16.81072	.000	292.7084	226.3528

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

همچنانکه از جدول ۸ آشکار می شود، تفاوت بین میانگین نمرات سلامت روانی تنها بین گروه عادی با گروه متادون، و همچنین گروه عادی با گروه بوپرنورفین از نظر آماری معنادار می باشد. در هر دو مورد میانگین نمرات سلامت جسمانی افراد عادی از گروه های ترک اعتیاد بالاتر می باشد. بر این اساس فرضیه سوم پژوهش تایید می شود.

۷- نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن بر اساس پرسشنامه SF36 در مراجعه کنندگان به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان بود. گروه های ترک اعتیاد در این پژوهش عبارت بودند از آندسته از افراد تحت درمان (بوپرنورفین و متادون) مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر زاهدان. به منظور تعیین این مطلب که آیا از نظر متغیر های مورد بررسی در این پژوهش (کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن) تفاوتی بین این گروه از افراد یعنی گروه تحت درمان (بوپرنورفین و متادون) با افراد عادی (غیر معتاد) وجود دارد یا خیر، یک گروه از افراد غیر معتاد (بنا بر اظهار خود افراد) نیز انتخاب و پرسشنامه sf36 به عنوان یک ابزار چند بعدی سنجش کیفیت زندگی در اختیار آنها گذاشته شد.

نتایج آزمون فرضیات و همچنین تحلیل های آماری انجام شده بر روی داده های بدست آمده از گروه های مورد بررسی نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه های ترک اعتیاد و افراد عادی در کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن وجود دارد و در همه متغیر ها در هر دو گروه ترک اعتیاد (بوپرنورفین و متادون) میانگین نمرات بطور معناداری از میانگین نمرات گروه عادی پایین تر بود. با این وجود بین دو گروه مورد بررسی تحت درمان (بوپرنورفین و متادون)، با وجود تفاوت های اندکی در میانگین نمرات، تفاوت معناداری در میانگین نمرات کیفیت زندگی و ابعاد مختلف آن مشاهده نشد.

تفاوت های موجود بین کیفیت زندگی افراد وابسته به مواد با افراد عادی آنچنانکه در این پژوهش مشاهده شد همسو با دیگر تحقیقات انجام شده در ارتباط با کیفیت زندگی گروه های معتاد و ترک اعتیاد می باشد و بر این اساس یافته های این پژوهش با تحقیقات مرتبط همسو می باشد. به عنوان مثال، نتایج پژوهش علی نژاد، محمدی و جنایی (۱۳۹۵) در مقایسه کیفیت زندگی افراد معتاد و غیر معتاد با استفاده از پرسشنامه SF36 نشان داد که کیفیت زندگی در ۴ بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در گروه معتاد نسبت به افراد غیر معتاد بطور معناداری پایین تر است. در تحقیق نریمانی و قمری (۱۳۹۰) جهت مقایسه کیفیت زندگی افراد معتاد و غیر معتاد با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 نیز به همین ترتیب مشخص شد که کیفیت زندگی افراد معتاد در همه نسبت به افراد غیر معتاد در سطح پایین تری قرار دارند. نتایج تحقیق قمری و شمس (۱۳۹۱) نیز نشان داد که با شروع اعتیاد در فرد کیفیت زندگی و عوامل مربوط به آن کاهش پیدا می کند. نتایج پژوهش شمس آبادی و نژاد نادری (۱۳۸۸) در جهت بررسی تفاوت کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد همسو با دیگر پژوهش ها و همچنین تحقیق جاری نشان داد که بین افراد معتاد و غیر معتاد به لحاظ کیفیت زندگی و زیر مقیاس های آن تفاوت معنی داری وجود داشته و افراد معتاد در کیفیت زندگی و زیر مقیاس های آن نمرات کمتری گرفتند.

در ارتباط با گروه های ترک اعتیاد و یا گرایش افراد به اعتیاد و تاثیر آن بر کیفیت زندگی، همسو با پژوهش حاضر نتایج تحقیق باقری و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که کیفیت زندگی و ابعاد آن تاثیر به سزای در گرایش معتادین و اقدام به ترک دارد و معتادین که کیفیت زندگی بالاتر عامل مهمی در اقدام به ترک و افزایش سلامت روانی معتادین دارد. همچنین نتایج تحقیق سیرانی (۱۳۹۰) در بررسی کیفیت زندگی در گروه های ترک اعتیاد انجمن NA و متادون درمانی نشان داد که در بین گروه NA در بسیاری از جنبه های کیفیت زندگی بالاتر می باشد. ویسی (۱۳۹۲) در بررسی کیفیت زندگی معتادان در قبل و بعد از درمان در گروه های متادون درمانی با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی SF36 به این نتیجه رسید که قرار گرفتن در شروع درمان کیفیت زندگی معتادان را در بسیاری از جنبه ها بالا می برد. خسروی (۱۳۹۱) در تحقیقی خود پیرامون بررسی تفاوت کیفیت زندگی در معتادینی که به شیوه متادون درمانی و سایر روش های درمانی اقدام می نمایند به این نتیجه رسید که در مقایسه با جمعیت عمومی، معتادان تحت درمان متادون سطح بالایی از مشکلات سلامت روانی را نشان دادند و اکثراً اختلال های خلقی و عاطفی مانند افسردگی و اضطراب را تجربه کرده اند و کیفیت زندگی پایین تری نسبت به سایر افراد معتادی که روش های دیگر درمانی را

انتخاب کردند، نشان دادند. در مطالعه کریمی مقدم و همکاران (۱۳۹۰) پیرامون تفاوت کیفیت زندگی معنادانی که در جلسات درمانی معنادان گمنام شرکت کرده بودند در مقایسه با متادون درمانی نتایج نشان داد که کیفیت زندگی معنادانی که در جلسات معنادان گمنام شرکت کرده بودند بالاتر از معنادان تحت درمان با متادون بود. یافته‌های قیصری (۱۳۹۱) در بررسی تفاوت کیفیت زندگی و ابعاد آن در افراد معتاد در قبل و بعد از متادون درمانی نشان داد که کیفیت زندگی در افراد معتاد بعد از متادون درمانی نسبت به قبل تفاوت معنی داری دارد و در بحث ابعاد کیفیت زندگی، در بسیاری از ابعاد شرایط بهتر شده بود. نتایج پژوهش پارکر و جانسون (۲۰۰۸) در بررسی کیفیت زندگی در افراد معتاد و غیر معتاد در شهر لندن نشان داد که افراد معتاد در تمامی زیر مقیاس‌های کیفیت زندگی از افراد غیر معتاد نمرات کمتری کسب کردند.

در مجموع به نظر می‌رسد از آنجاییکه اعتیاد پیامدهای مختلفی بر جنبه‌های مختلف و ابعاد مختلف زندگی فرد چه در بعد شخصیتی و چه در ابعاد مختلف اجتماعی داشته و از طرف دیگر وابستگی به مواد در کنار محدودیت‌های فردی برای فرد معتاد در ابعاد مختلف جسمی و روانشناختی فرد را تحت تاثیر قرار داده و این موضوع به نوبه خود در تعاملات فرد با دیگر افراد خانواده و همچنین اجتماع مشکلات و محدودیت‌هایی ایجاد می‌نماید، به نظر می‌رسد کیفیت زندگی نیز به عنوان متغیری که می‌تواند تحت تاثیر همه این عوامل قرار گیرد، به شکل مناسبی با استفاده از پرسشنامه sf36 قابل اندازه‌گیری باشد. از طرف دیگر بر اساس پژوهش‌های انجام شده هر گونه پیشرفتی در برنامه درمان اعتیاد می‌تواند کیفیت زندگی فرد را تحت تاثیر قرار داده و این موضوع با توجه به حساسیت پرسشنامه sf36 قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر همسو با دیگر پژوهش‌های مرتبط انجام شده نشان می‌دهد که افراد وابسته به مواد چه در مرحله درمان و یا غیر از آن از کیفیت زندگی پایین‌تری برخوردار بوده و پرسشنامه sf36 ابزار مناسبی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در افراد وابسته به مواد می‌باشد.

منابع

۱. ابوالقاسمی، عباس (۱۳۸۵). آزمون‌های روانشناختی. اردبیل: انتشارات باغ رضوان.
۲. باقری، معصومه؛ نبوی، عبدالحسین؛ ملتفت، حسین؛ تقی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱(۳۸)، ۱۱۹-۱۳۶.
۳. پیروی، حمید و همکاران (۱۳۸۹). ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه تهران. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۲(۶۹).
۴. پرکینسون، روبرت (۱۳۸۹). آموزش همراهان معتاد. ترجمه نوروزی جویباری، تهران.
۵. پورمحمدرضای تهرانی، م. و میرزمانی بافقی، م. (۱۳۹۰). ارتباط بین فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری، حمایت اجتماعی و افسردگی. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ۲۲۳-۲۴۳.
۶. ثامتی، ناهید (۱۳۹۰). ساخت و اعتبار یابی مقیاسی برای سنجش حمایت اجتماعی در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
۷. جوانمرد، غلامحسین (۱۳۹۰). بررسی عوامل اعتیاد در مراجعان مرکز معتادان خود معرف مراغه. مجله پیک نور، ۱(۴).
۸. خسروی، شمسعلی (۱۳۹۱). بررسی همه گیر شناسی اختلالات روانی در جمعیت بالای ۱۵ سال شهری و روستایی شهر استان بروجن، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۴(۴)، ۳۱-۳۹.
۹. خسروی کبیر، زهرا و همکاران (۱۳۸۹). مقایسه هوش هیجانی و سلامت روان در معتادان به مواد مخدر و افراد عادی. مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۱۸(۷۰)، ۹-۱۶.
۱۰. دیماتو، ام رابین (۱۳۹۲). روانشناسی سلامت. ترجمه محمد کاویانی، محمد عباسپور و دیگران. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. زینالی، علی (۱۳۸۹). بررسی زمینه‌های پیش اعتیادی معتادان و مقایسه آن با افراد سالم غیر معتاد، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. فصلنامه دانشگاه اصفهان، شماره ۳، ص ۱۴۹-۱۶۸.
۱۲. طیبی، کلثوم؛ ابوالقاسمی، عباس؛ محمودعلیلو، مجید (۱۳۹۱). مقایسه حمایت و محرومیت اجتماعی در معتادان به مواد مخدر و داروهای روان گردان و افراد بهنجار. مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۲).
۱۳. علی‌پور، احمد (۱۳۹۰). ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص‌های ایمی بدن در افراد سالم؛ بررسی مدل تاثیر کلی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۲(۲)، صص: ۱۳۹-۱۳۴.
۱۴. کریمی مقدم آرنی، ح. هاشمی، ت. و بیرامی، م. (۱۳۸۸). نقش باورهای غیرمنطقی، ادراکات خودکارآمدی و حمایت اجتماعی در عود اختلال سوء مصرف مواد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۵. معلمی، صدیقه و همکاران (۱۳۸۹). مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیر معتاد، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸(۳)، صص ۲۳۵-۲۴۲.
۱۶. مهریانی، پیام (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای سلامت روانی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و فنی مهندسی بابل، پایان نامه کارشناسی رشته پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل.

17. Le Moal M, Kooh GF(2007).Drug addiction: pathways to the disease and pathophysiological perspective.Eur Neuropsychopharmacol.;13:377-93
18. Mclellan AT,Chalk M,Bartlett J(2011). outcomes performance, and quality whats the difference. Journal substanceabuse treatment.;32:331-40
19. ShojaeKazemi M(2009). The effects of heroin dependent patients in family practice. Journal of Addiction.; (6):51-48(In Persian)
20. Department of health and human Services national Institutes of health national institute on Drug abuse(2013);NIDA.P:1-28
21. Abbasi S,Tazyky S, Moradi, A(2012). Template based on drug abuse demographic factors Drmtadyn reader Gorgan.Journal Golestan University of Medical Sciences.;8(1):22-27(Persian)
22. Farhoudian A(2009),"et al".evaluated knowledge and attitudes of a group of Armenians in Tehran and drug addiction. Journal Membership cognitive.;10(2):9-20(In Persian)
23. Akhtar M(2007), M. The sociology of addction. St ed 1. Publisher Moelf.
24. Akbarizardkhaneh S,Rostamami R,Zaream M(2009).The releationship between Emotional Intelligence defence mechanisms and addiction.Journal of Iranian psychologicalsis.2009;4(15):293-303(In Persian)
25. Nourani Poor R(2011). study the causes of drug addiction will change the mood, and behavior and methods of effective addiction counseling, addiction studies.;2(6):13-54 (In Persian)
26. Emamipoor S, Shams H, Sdrasadat J, Nadry S(2010). Comparison of psychological differences, quality of life in four men Mtadmbtla AIDS, non-addicted patients with AIDS, AIDS patients and healthy unwonted. Journal of
27. Medical Sciences University to the city.;10(1):69-77
28. Ekhtiari H(2011). Qualitative study of garlic in the treatment of addiction related materials Afyuni seekers women in Tehran. Journal of Addiction.;2 (6):40-47
29. Aman F,Sadeghiyeh (2012). Pattern of changes in drug addicts referred to addiction centers.Journal of Ardabil University of Medical Sciences.; 5(3): 220-224
30. Afyuni Perspective B(2010) drug addicts to accept treatment and follow-up Introduction Welfare Organization of Zanjan. Journal of Zanjan University of Medical Sciences.;15(59):85-94
31. Kaplan H, sadok v(2007).comprehensive text book of psychiatry, 9 edition, volume one, philadelphia, Lippincott company. ;477-551
32. Rossi J, Rucci P,A vallotta, Gilrell M,Scandolari A, Zerbetto E(2013).et al. Dual diagnosis and quality of life in ientspat in treatment for opioud Misuse use subst dependence.2005;40(12):1765-1776
33. Joy A, Drvyz·h Z, Purshhryary M(2011).. Effectiveness of communication skills training increase marital spouses and prevention of drug addicts to man in Tehran. Quarterly addiction studies.;2(7):3-2823- Wong
34. Rantereta al(2012).An Instrument to assess Mental Patients Capaity to appraise and report subjective quality of Life. Journal quality Life Res.;14(3):687-694
35. Cambell SW,Kelley M(2008). Mobile Phone use among Aloholc Anonymous Members: New sites for Reovery. New Sites for recovery. New Media & So.;10(6):915-933s
36. Javare R(2009). Comparson of parent- child relations between addicton and non addict women of London province.Journal of Addiction.;2 (3):70-7

پیش‌بینی میزان امید به تحصیل بر اساس خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

کد مقاله: ۱۹۱۳۹

روح‌اله وطن دوست^{۱*}، ذبیح پیرانی^۲

چکیده

تحصیل از مهمترین دغدغه‌های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع می‌باشد. موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هر جامعه، نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. یکی از این عوامل تاثیرگذار بر موفقیت تحصیلی، امید تحصیلی است که خود متاثر از عواملی همچون باورهای خودکارآمدی تحصیلی می‌باشد. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های (پرسشنامه باورهای خودکارآمدی تحصیلی (ASEBQ) و پرسشنامه امید به تحصیل) بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم به تعداد ۱۳۵۰ نفر در سطح شهر خرم‌آباد بوده. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر پایه اول دبیرستانی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ که به صورت تصادفی چندمرحله‌ای بوده تعیین گردید. نتایج نشان داد بین باورهای خودکارآمدی تحصیلی و امید به تحصیل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. متغیر متغیر باورهای خودکارآمدی ۳۱٪ از واریانس امید به تحصیل در دانش‌آموزان را دارد. با توجه به نتایج کسب شده می‌توان گفت متغیر باورهای خودکارآمدی تحصیلی تاثیر مهمی بر روی متغیر امید به تحصیل و موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان دارد.

واژگان کلیدی: امید به تحصیل، باورهای خودکارآمدی تحصیلی، دانش‌آموزان، متوسطه دوم.

۱- کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، استان اراک، ایران. (نویسنده مسئول)
roilavatandost1350@gmail.com

۲- استاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، استان اراک، ایران.

۱- مقدمه

رشد و بالندگی هر جامعه‌ای مرهون نظام آموزشی آن جامعه است. در عصر حاضر تعلیم و تربیت و به طور کلی تحصیل بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این کیفیت و کمیت این تحصیل نیز نقش مهمی در آینده افراد ایفا می‌کند (بندورا^۱، ۲۰۰۱؛ باران^۲، ۱۹۹۷). نزدیک به یک قرن است که روانشناسان به طور گسترده در تلاش برای شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده بهزیستی و امید به تحصیل و پیشرفت تحصیلی می‌باشند. موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه و امید به تحصیل و آینده، هدف اصلی هر نظام آموزشی است. پیشرفت تحصیلی و رضایت از تحصیل دانش‌آموزان هر جامعه نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است (دانکر^۳، ۲۰۱۴). امید سازه‌ای انگیزشی-هیجانی است و به انتظاری اطلاق می‌شود که بر اساس آن فرد احتمال می‌دهد که رویدادی خوشایند در آینده به وقوع می‌پیوندد. امید از جمله عواملی است که نقش قابل توجهی در انگیزش تحصیلی دارد و به آن کمتر توجه می‌شود (چانگ^۴، ۲۰۰۲؛ فاولر^۵، ۲۰۰۸؛ کارینگتون^۶، ۲۰۱۳). امید همپوشی زیادی با مفهوم خوشبینی دارد. امید و خوشبینی شناخت‌هایی هستند که باعث می‌شوند شخص انتظار داشته باشد نتایج مورد نظرش به احتمال زیاد در آینده رخ دهند. این شناخت‌ها، رفتارهای جهت‌گیری هدف را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بر بهزیستی روان‌شناختی که شامل هیجانات مثبت و منفی هستند اثر می‌گذارند. تحقیقات فراوانی رابطه امید را با انواع متغیرهای روان‌شناختی نشان داده‌اند (پنراد^۷، ۱۹۹۷؛ الکساندر^۸، ۲۰۰۷؛ بارلو^۹، ۲۰۰۲؛ چانگ^{۱۰}، ۱۹۹۸). یکی از عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی و امید به ادامه تحصیل و یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر توسط پژوهشگران مورد چالش واقع شده است، مفهوم باورهای خودکارآمدی می‌باشد. خودکارآمدی یکی از متغیرهای شخصی تاثیر گذار بر یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است (پاجاراس^{۱۱}، ۲۰۰۲). مفهوم خودکارآمدی که عامل اصلی در نظریه یادگیری اجتماعی است ابتدا در بستر روانشناسی اجتماعی از سوی بندورا شکل گرفت. بندورا خودکارآمدی را قضاوت افراد در مورد توانایی‌هایشان برای سازمان‌دهی و اجرای یک سلسله کارها جهت رسیدن به انواع تعیین شده عملکرد می‌داند (دایست^{۱۲}، ۲۰۱۱). از دیدگاه بندورا، دانش‌آموزان خودکارآمد هنگام مواجه با مشکلات بیشتر از افرادی که به قابلیت خود تردید دارند، از خود سخت‌کوشی و پشتکار نشان می‌دهند و فعالانه در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کنند. به طور کلی هنگامی که افراد بر این باور باشند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام کار یا فعالیتی را دارند، برای انجام آن تکلیف وقت بیشتری صرف نموده و در نهایت به نتایج بهتری دست پیدا خواهند کرد. ادراک افراد از خود، بر تفکر، انگیزش، عملکرد و هیجانات فرد تاثیر می‌گذارد (والترز^{۱۳}، ۲۰۰۴).

خودکارآمدی تحصیلی به باورهای یک فرد در مورد توانایی جهت انجام تکالیف تحصیلی یا دست‌یابی به اهداف تحصیلی اشاره دارد و بر روی یادگیری و پیشرفت تحصیلی و امید به آینده در فرد تاثیر می‌گذارد. دانش‌آموزان دارای خودکارآمدی بالا در مقایسه با دانش‌آموزان دارای خودکارآمدی پایین به پیشرفت بیشتری نائل می‌شوند. شواهد تجربی نشان می‌دهد بین خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد تحصیلی و در نتیجه امید و انگیزه و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد (میدلتون^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۷؛ کومارراجو^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۳). لذا با توجه به توضیحات و مدارک ذیل اهمیت متغیر خودکارآمدی بر روی مولفه‌ی امید تحصیلی بر کسی پوشیده نیست. بر اساس شواهد موجود بین این دو متغیر با میزان امید به آینده ارتباط مثبتی وجود دارد. لذا با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف پیش‌بینی میزان امید به تحصیل بر اساس باورهای خودکارآمدی در دانش‌آموزان انجام خواهد شد.

۲- اهداف و فرضیات

هدف: تعیین رابطه بین باورهای خودکارآمدی تحصیلی و امید به تحصیل در دانش‌آموزان.
فرضیه: بین باورهای خودکارآمدی تحصیلی و امید به تحصیل در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

- 1 Bandura
- 2 Bar-on
- 3 Danker
- 4 Chang
- 5 Fowler
- 6 Carrington
- 7 Penrod
- 8 Alexander
- 9 Barlow
- 10 Chang
- 11 Pajares
- 12 Diseth
- 13 Wolters
- 14 Middleton
- 15 Komarrajoo

۳- روش کار

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی از نوع همبستگی است که در آن روابط چند متغیر با یکدیگر بررسی می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر به تعداد ۱۳۵۰ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه دوم (پایه اول دبیرستان) شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تعیین گردید.

در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای از بین کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان خرم‌آباد، شش دبیرستان مقطع متوسطه دوم (سه دبیرستان پسرانه و سه دبیرستان دخترانه) به صورت تصادفی انتخاب و از هر دبیرستان مقطع متوسطه دوم یک کلاس پایه اول به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد.

۳-۱- ابزار گردآوری اطلاعات

برای انجام تحقیق حاضر از دو پرسشنامه استفاده شد:

۱- پرسشنامه باورهای خودکارآمدی تحصیلی

۲- پرسشنامه امید به تحصیل

الف- پرسشنامه باورهای خودکارآمدی (ASEBQ):

باورهای خودکارآمدی تحصیلی بیانگر اطمینان فرد به توانایی خود در انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحصیلی، در یک طراز مشخص می‌باشد. محققان مختلف به منظور بررسی مفهوم باورهای خودکارآمدی تحصیلی، ابزارهای متفاوتی را گسترش داده‌اند. در یک سطح کاملاً ویژه از اندازه‌گیری مفهوم باورهای خودکارآمدی تحصیلی، سوالات تشکیل دهنده مقیاس خودکارآمدی تحصیلی، یک درس خاص با محتوای درسی ویژه را اندازه‌گیری می‌کنند. بر این اساس، طبق دیدگاه برخی از محققان، خودکارآمدی تحصیلی بیانگر اطمینان فرد به توانایی خود در ارائه پاسخ صحیح به آن دسته از سوالاتی است که دانش محتوایی یک درس خاص را اندازه‌گیری می‌کنند. شواهد تجربی متعددی نشان داده‌اند که مفهوم باورهای خودکارآمدی در پیش‌بینی و تعیین الگوهای رفتاری افراد در بافت‌های مختلف موثر می‌باشند. در نظریه شناختی اجتماعی فرض می‌شود که باورهای خودکارآمدی در تعیین فعالیت‌هایی که افراد تعقیب می‌کنند میزان تلاشی که آن‌ها برای تعقیب فعالیت‌ها بکار می‌گیرند و سطوح متمایز مقاومت افراد در مواجه با موانع احتمالی مهم می‌باشد (گر، ۲۰۰۶). خودکارآمدی را به عنوان باور فرد به انجام عمل مطلوب در کنار آمدن با موقعیت می‌دانند. چهار منبع در تحول این مفهوم مطرح شده است. این منابع شامل تجارب تسلط بر امور، تجارب مشاهده‌ای، قانع سازی کلامی، وضعیت فیزیولوژیک می‌باشند. طبقه‌بندی این منابع و تاثیر این منابع در افراد بر اساس الویت هر منبع در عملکرد فرد است. موفقیت‌ها باورهای قوی در کارآمد بودن افراد ساخته و شکست‌ها، این باورها را تحلیل می‌دهند. زازاکووا^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۵ نسخه جدید پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی را با عنوان پرسشنامه باورهای خودکارآمدی تحصیلی و با الگوگیری از مقیاس تحصیلی میل‌دستون^۲ و فهرست خود کارآمدی کالج توسعه دادند. این پرسشنامه دارای ۴ عامل اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس، اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس، اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه و اطمینان به توانایی خود در مدیریت کار، خانواده و محیط آموزشی می‌باشد (زازاکووا و همکاران، ۲۰۰۵).

جدول ۱- حیطه‌های پرسشنامه باورهای خودکارآمدی و سوالات مربوطه

عامل	سوالات
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس	۸، ۱۰، ۱۳، ۱۸، ۱۱، ۶، ۹، ۲۲، ۱۶
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس	۳، ۵، ۱، ۱۵، ۴، ۲۵، ۱۷، ۲۷
اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه	۲۰، ۲۳، ۲، ۲۶، ۷، ۲۱
اطمینان به توانایی خود در محیط کار، خانواده و محیط آموزشی	۱۹، ۱۴، ۲۴، ۱۲

نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۱۱ گزینه‌ای می‌باشد که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲- نمره‌گذاری پرسشنامه باورهای خودکارآمدی

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
کاملاً نامطمئن	نامطمئن	تقریباً نامطمئن	احتمالاً نامطمئن	نمی‌دانم	مهم نیست	نظری ندارم	احتمالاً مطمئن	تقریباً مطمئن	مطمئن	کاملاً مطمئن

1 Zazhakoua

2 Mildestone

در این پرسشنامه بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند کسب نماید ۲۷۰ و پایین‌ترین نمره صفر می‌باشد. بدین قرار که هر چقدر نمره فرد به ۲۷۰ نزدیک‌تر باشد دارای سطح باورهای خودکارآمدی بالا و هر چقدر نمره وی پایین باشد و به صفر نزدیک‌تر باشد سطح خودکارآمدی پایینی خواهد داشت (شکری و همکاران، ۱۳۹۰). در بررسی پایایی و روایی این پرسشنامه، ژانکو و همکاران در سال ۲۰۰۵ در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، چهار عامل را برای این پرسشنامه تایید کردند. آن‌ها همچنین پایایی و روایی این پرسشنامه رو در حدود ۰/۷۲ تا ۰/۹ برآورد نمودند. این پرسشنامه در ایران توسط شکری و همکاران در سال ۱۳۹۰ هنجاریابی شد. آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی، چهار عامل فوق را تایید نمودند. همچنین با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضرایب پایایی رو به ترتیب چهار عامل ذکر شده به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۸۳ و ۰/۷۲ برآورد کردند (شکری و همکاران، ۱۳۹۰).

جدول ۳- آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه باورهای خودکارآمدی

عامل	آلفای کرونباخ
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس	۰/۷۶
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس	۰/۷۵
اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه	۰/۷۸
اطمینان به توانایی خود در محیط کار، خانواده و محیط آموزشی	۰/۷۸
کل	۰/۷۸

در این پژوهش نیز روایی محتوایی این پرسشنامه توسط اساتید و صاحب‌نظران مورد تایید قرار گرفت و پایایی این ابزار نیز به وسیله آلفای کرونباخ بررسی و در حیطه‌های مختلف در شرح ذیل گزارش شد که نتایج تحلیل حاکمی از قابل قبول بودن پایایی این ابزار می‌باشد.

ب- پرسشنامه امید به تحصیل

یک پرسشنامه ۲۷ سوالی استاندارد بوده که به منظور ارزیابی میزان امید به تحصیل از ابعاد مختلف (امید به کسب فرصت‌ها، امید به کسب مهارت‌های زندگی، امید به سودمندی مدرسه، امید به کسب شایستگی) در تحقیقات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴- نمره‌گذاری پرسشنامه امید به تحصیل

عنوان	کاملاً مخالفم	مخالفم	نه مخالفم نه موافقم	موافقم	کاملاً موافقم
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵

جدول ۵- ابعاد پرسشنامه امید به تحصیل

سوالیات مربوطه	بعد
۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۴	امید به کسب فرصت‌ها
۷، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵	امید به کسب مهارت‌های زندگی
۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۱، ۲۴ و ۲۷	امید به سودمندی مدرسه
۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۶	امید به کسب شایستگی

البته این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات شماره ۶، ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۱، ۲۴، ۲۷ معکوس می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۴ بعد بوده که در جدول زیر ابعاد و نیز شماره سوالات مربوط به هر بعد ارائه گردیده است:

جدول ۶- تفسیر نمرات کسب شده از پرسشنامه امید به تحصیل

حد پایین نمره	حد متوسط نمره	حد بالای نمره
۲۷	۵۰-۷۰	۱۳۵

برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد از پرسشنامه، مجموع امتیازات مربوط به تک سوالات آن بعد را با هم محاسبه کرده و امتیازات کلی بالاتر نشان دهنده امید به تحصیل بالاتر در فرد پاسخ دهنده خواهد بود و برعکس.

در پژوهش خرمایی و کمری (۱۳۹۶) روایی صوری و محتوایی این مقیاس با استفاده از نظر اساتید و روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفته است. همچنین پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر ارائه گردیده است (خرمایی و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر نیز روایی محتوایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت و پایایی ابزار به وسیله آلفای کرونباخ به دست آمد که به شرح جدول ذیل می‌باشد که دارای سطح قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۷- آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه امید به تحصیل

در پژوهش خرمایی

آلفای کرونباخ	بعد
۰/۹۰	امید به کسب فرصت‌ها
۰/۹۰	امید به کسب مهارت‌های زندگی
۰/۸۰	امید به سودمندی مدرسه
۰/۷۶	امید به کسب شایستگی
۰/۹۴	کل

جدول ۸- آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه امید به تحصیل

در پژوهش حاضر

آلفای کرونباخ	بعد
۰/۷۶	امید به کسب فرصت‌ها
۰/۷۹	امید به کسب مهارت‌های زندگی
۰/۷۵	امید به سودمندی مدرسه
۰/۷۶	امید به کسب شایستگی
۰/۷۸	کل

محقق برای شروع فعالیت‌های اجرایی پایان نامه، از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک معرفی‌نامه دریافت نمود. با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش دانش-آموزان سال اول دبیرستان بودند، معرفی‌نامه ارائه شده مجوز فعالیت برای انجام پژوهش در این سازمان بود. سپس پژوهشگر با مراجعه به بخش پژوهش و مدیریت این سازمان، مجوز اجرای پژوهش در آموزش و پرورش این منطقه را دریافت نمود. جهت اجرای پرسشنامه نیز محقق و همکاران، با تک تک آزمودنی‌ها ملاقات حضوری داشته و پرسشنامه‌ها را اجرا نمودند.

تجزیه تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه، در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی از آمارهایی نظیر فراوانی‌ها، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

۴- نتایج

۴-۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۹- توزیع فراوانی و درصد فراوانی بر حسب جنسیت

دانش آموزان مقطع متوسطه دوم		
جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
پسر	۱۴۵	٪۴۸/۳۳
دختر	۱۵۵	٪۵۱/۶۷
جمع کل	۳۰۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۹، ۳۰۰ نفر حجم کل نمونه را تشکیل می‌دهد که از این تعداد دانش آموز مقطع متوسطه دوم ۱۵۵ نفر دختر (٪۵۱/۶۷)، ۱۴۵ نفر پسر (٪۴۸/۳۳) می‌باشند.

جدول ۱۰- توزیع فراوانی و درصد فراوانی سن در شرکت کنندگان

دانش آموزان مقطع متوسطه دوم		
سن	فراوانی	درصد فراوانی
۱۴-۱۵ سال	۱۲۰	٪۴۰
۱۵-۱۶ سال	۱۳۵	٪۴۵
۱۶ سال به بالا	۴۵	٪۱۵
جمع کل	۳۰۰	٪۱۰۰

با توجه به جدول ۱۰، ۳۰۰ نفر حجم کل نمونه را تشکیل می‌دهد که از این تعداد ۱۲۰ نفر در رنج سنی ۱۴-۱۵ سال (٪۴۰)، ۱۳۵ نفر در رنج سنی ۱۵-۱۶ سال (٪۴۵) و ۴۵ نفر در رنج سنی ۱۶ سال به بالا (٪۱۵) می‌باشند.

در جدول ۱۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد پژوهش و مولفه‌های آن ارائه گردیده است. بر این اساس مقدار میانگین متغیر باورهای خودکارآمدی تحصیلی و مولفه‌های اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس، اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس، اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه و اطمینان به

توانایی خود در محیط کار، خانواده و محیط آموزشی به ترتیب ۸۹/۶۷، ۴۳/۳۴، ۳۹/۱۲، ۲۸/۰۹ و ۴۰/۴۵، متغیر امید به تحصیل و مولفه‌های کسب فرصت‌ها، امید به کسب مهارت‌های زندگی، امید به سودمندی مدرسه و امید به کسب شایستگی به ترتیب برابر ۲۵/۱۰، ۱۷/۰۸، ۱۵/۵۶، ۱۹/۶۲ و ۲۱/۰۶ می‌باشد.

جدول ۱۱- توصیف میانگین و انحراف استاندارد متغیرها و مولفه‌های آن در آزمودنی‌های پژوهش

متغیر و زیرمتغیر	آزمون توصیفی	میانگین	انحراف استاندارد
باورهای خودکارآمدی تحصیلی	۸۹/۶۷	۱۵/۱۸	
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس	۴۳/۳۴	۹/۰۷	
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس	۳۹/۱۲	۱۰/۲۳	
اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه	۲۸/۰۹	۱۱/۸۹	
اطمینان به توانایی خود در محیط کار، خانواده و محیط آموزشی	۴۰/۴۵	۷/۵۴	
امید به تحصیل	۲۵/۱۰	۶/۱۳	
امید به کسب فرصت‌ها	۱۷/۰۸	۹/۴۵	
امید به کسب مهارت‌های زندگی	۱۵/۵۶	۱۰/۲۳	
امید به سودمندی مدرسه	۱۹/۶۲	۹/۱۴	
امید به کسب شایستگی	۲۱/۰۶	۷/۱۲	

۲-۴- تحلیل استنباطی داده‌ها (تحلیل فرضیه‌ها)

قبل از انجام آزمون‌های آماری، لازم است نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده بررسی شود. برای این کار از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. اگر در این آزمون مقدار احتمال از سطح معناداری پنج صدم کمتر باشد، توزیع نرمال نیست و در غیر اینصورت توزیع نرمال خواهد بود. نتایج این آزمون برای متغیرهای این پژوهش بصورت زیر می‌باشد.

جدول ۱۲- آزمون کلموگروف-اسمیرنوف در بررسی نرمال بودن داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها

شاخص‌ها	Z	معناداری	نوع توزیع
باورهای خودکارآمدی تحصیلی	۰/۷۱	۰/۵۴	نرمال
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس	۰/۶۸	۰/۴	نرمال
اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در بیرون از کلاس درس	۰/۶۳	۰/۴۳	نرمال
اطمینان به توانایی خود در تعامل با دیگران در دانشگاه	۰/۵۶	۰/۴۷	نرمال
اطمینان به توانایی خود در محیط کار، خانواده و محیط آموزشی	۰/۴۳	۰/۵۱	نرمال
امید به تحصیل	۰/۴۸	۰/۵۸	نرمال
کسب فرصت‌ها	۰/۵	۰/۵۲	نرمال
امید به کسب مهارت‌های زندگی	۰/۴۱	۰/۵۵	نرمال
امید به سودمندی مدرسه	۰/۴۶	۰/۴۶	نرمال
امید به کسب شایستگی	۰/۴۹	۰/۴۹	نرمال

همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود سطح معناداری در تمامی متغیرهای پرسشنامه‌ها و مولفه‌های مربوطه، از پنج صدم بیشتر می‌باشد که معنی‌دار نمی‌باشد ($P \geq 0/05$) و نشان دهنده توزیع نرمال داده‌ها در این پژوهش می‌باشد، لذا با توجه به این موارد ذکر شده در تحلیل اطلاعات از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

۳-۴- آزمون فرضیه پژوهش

- بین باورهای خودکارآمدی و امید به تحصیل در دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر خرم‌آباد رابطه وجود دارد.
به منظور بررسی رابطه بین باورهای خودکارآمدی و امید به تحصیل دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان خرم‌آباد از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱۳- برآورد ضریب آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین باورهای خودکارآمدی و امید به تحصیل در دانش-آموزان

متغیر				باورهای خودکارآمدی	
امید به تحصیل	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب تعیین	
	۳۰۰	۰/۳۷۲**	۰/۰۰۱	۱۹/۰۹۶	

** معناداری در سطح ۰/۰۱

با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۱ می باشد، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل تایید می گردد، بدین معنی که با ۰/۹۹ اطمینان می توان گفت، بین خودکارآمدی تحصیلی و امید به تحصیل در دانش آموزان ارتباط وجود دارد. همچنین از نظر آماری رابطه مثبت و معنی دار بوده به این صورت که هر چه خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان افزایش پیدا کند میزان امید به تحصیل افزایش پیدا می کند و بالعکس.

جدول ۱۴- تحلیل رگرسیون چندگانه جهت امید به تحصیل به وسیله مولفه باورهای خودکارآمدی و ابعاد آن

متغیر	R	R ²	F	Sig	B	Beta	T	Sig
باورهای خودکارآمدی	۰/۶۵	۰/۳۱	۴۳/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۵۱	۶/۷	۰/۰۰۱
باورهای خودکارآمدی (اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس)	۰/۷۶	۰/۳۹	۳۰/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۷۵	۰/۳۱	۳/۳۴	۰/۰۰۱
					۰/۸۸	۰/۲۸	۲/۰۱	۰/۰۰۱

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۴-۱۰، متغیر باورهای خودکارآمدی توانایی پیش بینی ۳۱٪ از واریانس امید به تحصیل در دانش آموزان را دارد ($F=43/27$ و $P<0/001$). در ادامه و در گام بعدی پس از ورود زیر مولفه اطمینان به توانایی خود در انجام تکالیف در کلاس درس، باورهای خودکارآمدی و زیر مولفه آن توانایی پیش بینی ۳۹٪ از واریانس امید به تحصیل در دانش آموزان را به صورت معنادار دارند ($F=30/06$ و $P<0/001$). ضرایب مثبت به دست آمده برای بتا برای باورهای خودکارآمدی ۳۱٪ و برای زیر مولفه آن ۲۸٪ می باشد که بازگو کننده این مطلب می باشد که با افزایش نمرات در این متغیرها به اندازه یک انحراف معیار، نمره امید به تحصیل نیز به اندازه ۳۱٪ و ۲۸٪ انحراف معیار افزایش می یابد.

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد بین باورهای خودکارآمدی تحصیلی با امید به تحصیل رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون ($F=0/372$)، سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۱ می باشد، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه مورد نظر تایید می گردد، بدین معنی که با ۰/۹۹ اطمینان می توان گفت، بین باورهای خودکارآمدی تحصیلی و امید به تحصیل دانش آموزان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد به این صورت که هر چه باورهای خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان افزایش پیدا کند میزان امید به تحصیل افزایش پیدا می کند و بالعکس. نتایج این پژوهش با پژوهش های سماوی و همکاران (۱۳۹۵) و امیری و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ و همسو می باشد.

مفهوم باور خودکارآمدی عمومی را به عنوان باور یک فرد درباره مهارت ها و توانایی سازش با موقعیت های مختلف در نظر می گیرند. بر طبق نظر برخی از این محققین باور خودکارآمدی به عنوان یک قابلیت عمومی است که می تواند پیش بینی کننده عملکرد باشد. باور خودکارآمدی ویژه، سازه ای است که به عنوان باور یک فرد درباره شایستگی اش در موقعیت های ویژه می باشد. به عنوان مثال در زمینه کار یا حرفه که مفهوم خودکارآمدی حرفه ای می باشد و به صورت اعتقاد یک فرد درباره توانایی انجام دقیق نقش حرفه ای تعریف می شود (مورتان، ۲۰۱۴). خودکارآمدی نقش مهمی در افزایش میزان امید به تحصیل در دانش آموزان دارد. این متغیر نقش تعیین کننده ای بر خود انگیزی افراد دارد. زیرا باور خودکارآمدی بر گزینش اهداف چالش آور، میزان تلاش و کوشش در انجام وظایف، میزان استقامت و پشتکاری در رویارویی با مشکلات و میزان تحمل فشارها اثر می گذارد. باور خودکارآمدی از طریق این تعیین کننده ها بر رفتار و میزان امید به تحصیل و موفقیت انسان نقش اساسی را ایفا می کند.

تقدیر و تشکر

این مطالعه حاصل بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، لذا نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از کلیه اساتید و کارکنان دانشکده علوم انسانی اعلام می دارند.

۱. بابایی امیری، ن؛ عاشوری، ج. (۱۳۹۳). ارتباط راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی، خودکارآمدی، خلاقیت و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی. فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۲ (۳); ۹۳-۱۰۹.
۲. سماوی، ع؛ ابراهیمی، ک؛ جاودان، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بندر عباس. فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۴ (۷); ۷۱-۹۳.
۳. شکری، ا و همکاران (۱۳۹۰). مطالعه روان‌سنجی پرسشنامه باورهای خودکارآمدی تحصیلی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری. دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۴. خرمایی، فرهاد؛ کمری، سامان. (۱۳۹۶). ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس امید به تحصیل. دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۹۶، ص ۳۷-۱۵.
5. Alexander, E.S. and Onwuegbuzie, J.A. (2007). "Academic procrastination and the role of hope as a coping strategy". *Personality and individual differences*, 42(7): 1301-1310.
6. Bandura, A. (2001); *Guide for constructing self-efficacy scales*. Stanford, CA, USA: Stanford University.
7. Barlow, J. P. (2002). The measurement of optimism and hope in relation to college student retention and academic success. Unpublished dissertation submitted for the doctorate of philosophy, the university of Iowa State.
8. Bar-on, R. (1997); A measure of emotional and social intelligence in Chicago. *Canadian Journal of Behavior Science*, 18, 123-137.
9. Carrington, C. C. (2013). *Psycho-Educational Factors in the Prediction of Academic Buoyancy in Second Life®*. ProQuest LLC.
10. Chang, E.C. (1998). "Hope, problem-solving ability, and coping in a college student population: Some implications for theory and practice". *Journal of Clinical Psychology*, 54: 953-962.
11. Chang, L. C., Li, I. C. (2002). The Correlation between Perceptions of Control and Hope Status in Home- Based Cancer Patients. *J. Nurse R. S. Mar*, 10(1): 73-82.
12. Diseth, A. (2011); Self-efficacy, goal orientations and learning strategies as mediators between preceding and subsequent academic achievement. *Journal of Learning and Individual Differences*, 21(2), 191-195.
13. Donker, A. S.; De Boer, H.; Kostons, D.; Dignath, C. C.; Ewijk, V. & van der Werf, M. P. (2014); Effectiveness of learning strategy instruction on academic performance: A meta-analysis. *Journal of Educational Research Review*, 11(1), 1-26.
14. Fowler, J. H., Christakis, N. A. (2008). Dynamic Spread of Happiness in a Large Social Network: Longitudinal Analysis Over 20 Year in the Framingham Heart Study. *British Medical Journal*, 337-338.
15. Gore, P. A. Jr. (2006). Academic self-efficacy as a predictor of college outcomes: Two incremental validity studies. *Journal of Career Assessment*, 14 (1), 92-115.
16. Komarraju, M. & Nadler, D. (2013); Self-efficacy and academic achievement: Why do implicit beliefs, goals, and effort regulation matter? *Journal of Learning and Individual Differences*, 25, 67-72.
17. Middleton, M. & Midgley, C. (2007); Avoiding the demonstration of lack of ability: an underexplored aspect of goal theory. *Journal of educational psychology*, 89, 710-718.
18. Mortan, R.A., Ripoll, P., Carvalho, C., & Bernal, M.C. (2014). Effects of emotional intelligence on entrepreneurial intention and self-efficacy, *Journal of Work and Organizational Psychology*, 30(3), 97- 104.
19. Pajares, F. (2002). Gender and perceived self-efficacy in self-regulated learning. *Theory into practice*, 41(2), 116- 125.
20. Penrod, J. Morse. M. (1997) Strategies for Assessing and Fostering Hope: the Hope Assessment Guide: *Oncology Nurse Forum*. Jul, 24(6): 1055-63.
21. Wolters, C. A. (2004); Advancing achievement goal theory: using goal, structures and goal orientation to predict student motivation, cognition and achievement. *Journal of educational psychology*, 96(2), 236-250.
22. Zajacova, A., Lynch, S. M., & Espenshade, T. J. (2005). Self-efficacy, Stress, and Academic Success in college. *Research in Higher Education*, 46, 6, 678-706

برداشت‌های تربیتی و اخلاقی از اصل فقهی-حقوقی اصل لاضرر و زیان با تأکید بر تلافی زیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

کد مقاله: ۶۱۰۲۰

سید عرفان سیدالموسوی^۱

چکیده

اصل لاضرر و زیان " از اصول مامر فقهی-حقوقی که بر پایه آیات قرآن، روایات و اجماع برخوردار می باشد. این اصل جزو اصل های حاکمه و عام و در جهت تکامل و بهبود قوانین دیگر می باشد. قانون مدنی ایران به شکل ترجمان فقه تشیع، سرتاسر آن ملهم از "اصل لاضرر و زیان" می باشد. زمینه‌های می باشند به "اصل لاضرر و زیان" در بخش‌های گوناگون قانون مدنی مهستی می باشد. مثل مباحث مالکیت و اموال، خیارات، عقود معین، فقه و حقوق خانواده و غیره. جامعه‌ای مهستی نیست که در آن ضرر و زیان و زیان رساندن به دیگران مباح باشد. واضح است که یکی از اصول شناخته شده و بنیادین در سیستم اجتماعی، منع اضرار به دیگران می باشد که در فقه دین اسلام مورد تحقیق و تبیین دقیق دانشمندان قرار است. اصل لاضرر و زیان هم بر رد امر لازم دلالت دارد و هم نهی از ضرر و زیان خارجی و این امر با پیش‌بینی راه حل برای جاد جلوگیری از ضرر و زیان و تلافی زیان ملازمه دارد. در این تحقیق به بررسی موضوع برداشت‌های تربیتی و اخلاقی از اصل فقهی-حقوقی اصل لاضرر و زیان با تأکید بر تلافی زیان پرداخته می گردد.

واژگان کلیدی: اصل لاضرر و زیان، ضرر و زیان، زیان، اضرار، تلافی زیان

۱- مقدمه

یکی از اصول معروف فقهی-حقوقی که در اغلب مکتب‌های اقتصادی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و دولتی کاربرد بسیاری دارد، اصل لا ضرر و زیان و لاضرار می‌باشد که همواره مورد تحقیق فقیهان بوده است. این اصل از امور سه یا چهار اصل کلی می‌باشد که اغلب فقیهان اسلام آن را بنیاد شکل‌گیری فقه در نظر می‌گیرند. از این رو نه تنها تبیین و مطالعه این اصل در مذاهب فقهی-حقوقی لازم می‌باشد، بلکه استفاده و آشنایی با نظرات و تفسیرهای تربیتی و اخلاقی و دیدگاه‌های از ابعاد متفاوت و متنوع آن، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

۲- تعریف اصل لاضرر و زیان

حدیث اصل لاضرر و زیان به سه شکل آورده شده است که شامل «اصل لاضرر و زیان و لاضرار»، «اصل لاضرر و زیان و لاضرار فی‌الاسلام» و «اصل لاضرر و زیان و لاضرار علی مؤمن» می‌باشد. آنچه یقینی و متواتر و در سه نوع تفسیر مشترک مهستی است، شکل اول می‌باشد و دو شکل دیگر به حد تواتر نرسیده‌اند.

۲-۱- ضرر و زیان

بعضی ضرر و زیان را در برابر سود تلقی می‌کنند و بعضی نیز ضرر و زیان را به قصد نقص و کم کردن حق فرد و یا شخص دیگری در نظر می‌گیرند، گروهی هم ضرر و زیان را به معنای سوء حال در نظر می‌گیرند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۲). نائینی بر این باور می‌باشد که ضرر و زیان عبارت می‌باشد از هر کمبودی در جان، مال، آبرو.

ضرر و زیان را برخلاف سود، نقص در ح، سوء حال اعم از سوء حال نفس و بدن و مال و آبرو، ضد سود و برابر سود معنا گرفته‌اند. سوالی که بیان می‌شود این می‌باشد که ضرر و زیان امری می‌باشد هستی یا نیستی؟ بیان کرده‌اند که ضرر و زیان امری هستی می‌باشد. در این حال ضرر و زیان در برابر سود قرار می‌گیرد. فرد و یا شخص دیگری گفته؛ ضرر و زیان امری نیستی می‌باشد. در این حال ضرر و زیان نیستی سودی می‌باشد که در آن قابلیت سود باشد. اگر کالایی را به همان قیمت خریداری شده فروش شود، از دیدگاه عرف، در این معامله نه سودی حاصل شده و نه ضرر و زیانی، اما اگر قائل به نیستی بودن ضرر و زیان باشیم و آن را در برابر سود بدانیم، در چنین معامله‌ای ضرر و زیان مهستی است.

۲-۲- ضرار

ضرار به کسر ضاء، بر وزن فعال، مصدر باب مفاعله می‌باشد. و درباره معنای لغوی آن نیز ممکنات زیر می‌باشد: از این جهت که از باب مفاعله می‌باشد از این رو یعنی ضرر و زیان زدن به یکدیگر (یعنی مجازات، تلافی) ضرر و زیان زدن به فرد و یا شخص دیگری بدون اینکه سودی عاید ضرر و زیان زنده باشد برخلاف ضرر و زیان که ضرر و زیان رساننده سودی نیز می‌برد- ضرار یعنی ضرر و زیان- یعنی عسر و حرج- زیان رساندن به طور عمدی و ضرر و زیان اعم از عمدی و غیرعمدی - ضرار به معنای تکرار صدور ضرر و زیان (محمدی، ۱۳۸۹).

ضرار را به مجازات بر ضرر و زیانی که از طرف فرد و یا شخص دیگری به انسان می‌رسد، ضرر و زیان رسانی متقابل به یکدیگر، ضرر و زیان رساندن به فرد و یا شخص دیگری بدون اینکه برای ضرر و زیان رسان سودی داشته باشد (بر خلاف ضرر و زیان که ضرر و زیان رسانی برای منتفع شدن ضرر و زیان رسان می‌باشد). مترادف ضرر و زیان، در تنگنا قرار دادن فرد و یا شخص دیگری، زیان عمدی (ضرر و زیان زیان عمدی و غیر عمدی می‌باشد)، زیان رسانی غیرارادی... معنا گرفته‌اند. در برخی امور ضرار بیشتر در معنای تضییق و اهمال و به سختی انداختن به کار می‌رود. نکته قابل ذکر این می‌باشد که سخن از «زیان روحی» می‌باشد. اینکه آیا زیان روحی آسیب می‌باشد یا ضرار... در عرف آمده می‌باشد فردی در معامله آسیب کرد یا دارویی را که برایش آسیب داشت مصرف کرد، اما عرف به شخصی که نسبت به فرد و یا شخص دیگری هتاکی کرده نسبت آسیب‌رسان نمی‌دهد از این رو می‌توان هتاکی به فرد و یا شخص دیگری را ضرار یا زیان روحی را از مصادیق ضرار دانست.

اصل لاضرر و زیان به قصد رد مشروعیت هر گونه ضرر و زیان و اضرار در اسلام می‌باشد. (مشکینی، ۱۳۷۱)

از این اصل به اصل ضرر و زیان، اصل ضرر و زیان و ضرار، اصل لاضرر و زیان و لاضرار و اصل رد ضرر و زیان نیز تفسیر می‌شود. اصل لا ضرر و زیان از اصول معروف فقهی-حقوقی می‌باشد که در بیش‌تر ابواب فقه کاربرد دارد و محتوای آن این می‌باشد که ضرر و زیان در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه آسیب و اضرار در اسلام رد شده می‌باشد.

هستی اصل لاضرر و زیان در فقه دین اسلام، علت این نتیجه‌گیری از سوی بعضی دانشمندان شده که اصل یا اصل ضرر و زیان به مفهوم نهی ضرر و زیان به فرد و یا شخص دیگری در همه سیستم‌های متفاوت حقوقی توسط دانشمندان حقوقی با مبانی می‌باشد دلالتی کم و بیش مشابه پذیرفته شده و ادعا شده می‌باشد غنای فقه دین اسلام در این زمینه می‌تواند در مبناسازی برای مداخله کیفری با می‌باشد استفاده از این اصل راهگشا باشد و یک اصل اولی برای محدود کردن مداخله کیفری دولتی ارائه دهد.

۳- اهمیت اصل لاضرر و زیان و لاضرار

۱-۳- اهمیت اصل لاضرر

یکی از وجوه انصاف آن است که اگر فردی به فرد و یا شخص دیگری زبانی برساند یعنی حقی را از فرد و یا شخص دیگری سلب کند، مجبور به تلافی زیان وارده خواهد شد و اصل فقهی لاضرر و لا ضرار فی الاسلام نیز ناشی از همین تفسیر است. یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد میشود، اصل لاضرر است و مستند بسیاری از مسائل فقهی همین اصل می باشد. دکتر جعفری لنگرودی، اصل لاضرر را از قواعد منطق حقوقی دانسته و بر این باور است که لاضرر نیمی از فقه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۴۴۴).

اهمیت اصل مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور و نزدیک در تالیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده اند. قواعدی مانند اصل لاضرر به دادرس اجازه میدهد که مسائل حادث را با اصول کلی حقوقی منطبق سازد و هنگام روبرو شدن با دعاوی تازه احساس درماندگی نکند.

این اصل در عین سادی ظاهر و کوتاهی عبارت، دارای مفهوم عمیق و کاربرد وسیعی است. با آنکه فقههای عظام در طول تاریخ فقه امامیه بحث های گسترده در رابطه با این اصل بعمل آورده اند، معذک اصل شریف لاضرر و احادیث و مدارک این اصل، رازهای ناشناخته فرد و یا شخص دیگری دارد که کشف این رازها میتواند راه گشای بسیاری از مشکلات حقوقی و اجتماعی باشد. این اصل میتواند وسیله موثری در دست فقها و حقوقدانان و رهبران حکومت اسلامی باشد تا به کمک آن، انصاف و عدالت را برقرار سازد (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰: ۳۶۹).

قانون مدنی ایران نیز معارضه اعمال حق و اصل لاضرر، حاکمیت لاضرر را پذیرفته است. امور زیر را برای مثال میتوان اراسته داد (محقق داماد، ۱۳۷۰: ۱۶۸):

۱- به علت ماده ۶۵ قانون مدنی، صحت وقفی که بعلت اضرار دیان واقع شده است، منوط به اجازه دیان است.
۲- به علت ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی، اجبار شریک برای تعمیر دیوار مشترک در حالی که دفع ضرر به طریق فرد و یا شخص دیگری ممکن نباشد، مجاز شناخته شده است.

۳- به علت ماده ۱۳۲ قانون مدنی، کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر در حال هستی شرایط معین.

۴- به علت ماده ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون مدنی، تصرف در حریم املاک، به منظور جلوگیری از ضرر به صاحب حریم منع گردیده است و میزان حریم به اندازه ای معین گردیده که برای دفع ضرر کافی باشد.

۵- به علت مواد ۵۹۱ و ۵۹۲ قانون مدنی، تقسیم مال مشترک در حالی که متضمن ضرر شریک باشد، بدون رضای شریک متضرر، ممنوع گردیده است.

در هر حال باید دانست که اولاً: اصل لاضرر شامل تمام انواع ضرر می شود، ثانیاً: در شمول اصل اضرار، "قصد اضرار ضروری نیست. در هر موردی که ضرر هستی داشته باشد، خواه با قصد اضرار و خواه بدون قصد اضرار مشمول اصل لاضرر میگردد. ثالثاً: فقها اصل لاضرر را هم در رابطه با عبادات به کار برده اند و هم در مورد احکام مرتبط به معاملات و روابط قراردادی. رابعاً: اصل مذکور را هم در احکام تکلیفی مورد استفاده قرار داده اند و هم در احکام وضعی (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰: ۱۷۱-۱۷۲).

از مجموع مقررات قانون فوق الذکر و نیز سایر مقررات مشابه نیز میتوان استنباط کرد که قانونگذار هیچ ضرری را بدون تلافی نمی گذارد و به هیچ کس اجازه نمیدهد به ناروا به فرد و یا شخص دیگری ضرر بزند. (مفاد اصل لاضرر)

بدین ترتیب اصل لاضرر اصل فقهی فوق العاده مهمی می باشد که دایره شمول آن بسیار وسیع می باشد و میتواند طیف گسترده ای از مشکلات و معضلات حقوقی ما را تحت پوشش خود قرار داده و چاره جویی نماید. بعنوان نمونه استناد به عمومات مربوط به لزوم تلافی تمام ضرر و اصل لاضرر، لزوم تلافی ضررهای روحی و ضرر و زیان های ناشی از جرم مازاد بر میزان دیه و صدمات تأخیر تادیه و اموری از این دست را به راحتی و به آسانی و به دور از استدلال های خشک و تصنعی و خسته کننده توجیه میکند و حقوقدان را از تبیین بیشتر پیرامون مساله، فارغ البال و آسوده می سازد. متأسفانه نیستی توجه والتفات کافی پیرامون این امر یعنی تدفیق و تأمل درباره شمول اصل لاضرر سبب گردیده است خلاهای بسیاری در حقوق ما مشاهده گردد و مسلماً تداوم این امر از غنای حقوق سنتی و ملی ما خواهد کاست.

بعنوان بحث تطبیقی، در حقوق غربی نیز اصل لاضرر آمده است بدین مضمون که اگر فردی بواسطه اعمالش به منافع دیگران لطمه بزند، او را در برابر جامعه مسئول در نظر گرفته اند و بیان کرده اند که صدمات جسمی و روحی زیان دیده را باید تلافی کند. بدیهی است که این حق برای اجتماع حدودی دارد (نجومیان، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

به گفته روبیه، استاد فرانسوی، رهبر عقل در این دآوری ها، فکر عدالت (و انصاف) است؛ یعنی عقل در می یابد که اگر ضرر تلافی شود عادلانه رفتار شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۱: ۹۸).

همچنین از جمله قواعد حاکم بر انصاف در حقوق انگلیس اصل ای است تحت این عنوان که "انصاف اجازه نخواهد داد که یک ضرر بدون تلافی بماند." "Equality will not suffer a wrong to be without a remedy" اصل در ورای این اصل کلی آن است که انصاف، حقی را که شاید بعلت نقضی فنی در حقوق الزام آور نیست، مورد حمایت قرار میدهد. کافی نیست که خواننده به لحاظ تقصیری اخلاقی بتواند مقصر شناخته شود بلکه بایستی حق خواهان حق خواهان برای اجرا شدن توسط دادگاه

قابل ادعا باشد. این اصل کلی قابل اعمال در زمینه های گوناگون از جمله قابل اعمال در زمینه وسائل تلافی منصفانه است، بدین ترتیب که وسیله تلافی منصفانه داده خواهد شد در موردی که تقصیر خواننده از نظر کامن لا تقصیر محسوب نمیگردد. بعنوان مثال در خصوص قرار منع، خواهان میتواند موفق به تحصیل یک قرار منع برای جلوگیری نمودن از یک تجاوز مورد تهدید واقع شده گردد هر چند که بر طبق حقوق کامن لا تا زمانیکه تجاوز وقوع نیافته است حق طرح دعوی نداشته باشد.

در ماده ۲۰ مجله احکام عدلیه نیز مقرر گردیده است که: "الضرر يزال" یعنی "ضرر باید رفع شود". بدین ترتیب، هر کس تجاوزی زیان آور علیه فرد و یا شخص دیگری انجام دهد به تلافی آن محکوم و مکلف است. این یکی از قواعد مهمی است که تعادل اجتماعی افراد حقیقی و حقوقی را تامین میکند (صاحبی، ۱۳۷۶: ۳۵۳).

با تامل و دقت در نظریه های ارائه شده در حقوق خارجی که با اصل لاضرر شباهت دارند، میتوان به این نتیجه رسید که وجه مشترک همه آنها لزوم تلافی ضرر و رد هرگونه ضرری است که بدون تلافی باقی بماند. بدین ترتیب، اصل لاضرر مقبولیت عامه و جهانی دارد.

۴- اهمیت اصل لاضرر در اخلاق و تکلیف معاملات از دیدگاه امام خمینی (ره)

بنیادی ترین و مهم ترین بحث در این مقوله، مفهوم اصل لاضرر است. در این زمینه دیدگاهها یکسان نیست. مهم ترین دیدگاههایی که در زمان ما از آنها سخن به میان آمده و امام خمینی هم به نقل و نقد آن پرداخته اند به شرح زیر است:

۱. حمل نفی بر نهی؛ یعنی مقصود از لاضرر و لاضرار، حرام بودن ضرر زدن به دیگران است.
۲. نفی ضرر غیر متدارک؛ یعنی ضرری که تلافی نشده باشد، در اسلام هستی ندارد.
۳. نفی حکم ضرری
۴. نفی حکم به لسان نفی موضوع

امام خمینی پس از نقل و نقد دیدگاههای یاد شده دیدگاه دیگری را به این شرح آورده است:

(لا) نفی جنس به معنی نهی است. و مقصود از آن نهی حکومتی و سلطانی است، نه نهی تکلیفی، چنانکه دیدگاه نخست، بیانگر آن بود.

در این بخش، پس از اشاره ای گذرا به دیدگاههای دیگر، به شرح این دیدگاه می پردازیم. امام راحل، در گاه روشنگری دیدگاه خود، به مطالب سودمند دیگری چون: احکام حکومتی و مبانی آن، روایات احکام حکومتی و همچنین معیار روایات حکومتی از غیر آن پرداخته که به آنها خواهیم پرداخت.

۴-۱- حمل نفی بر نهی

گروهی از فقهای شیعه و اهل سنت بر این باورند که: مفهوم اصل لاضرر، حکم تکلیفی است، نه وضعی (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۵۷)؛ یعنی ضرر زدن اضرار به یکدیگر از دید شرع ممنوع و حرام است و دلالتی بر بایستگی تلافی ضرر و یا پیش داشتن لاضرر بر دیگر احکام شرعی ... نخواهد داشت.

شیخ انصاری، همین دیدگاه را پذیرفته است:

(فقیهان، دیدگاههای گوناگونی را درباره مفهوم حدیث (ضرر) آورده اند از جمله: از (لاضرر) نهی اراده شده باشد. از این رو، حدیث لاضرر، همانند: نمونه های زیر است: (لا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحج). (لا جلب ولا جنب ولا شعار فی الاسلام) (لا حمی فی الاسلام) (لا مناجته فی الاسلام) (لا احصای فی الاسلام و لابنای کنیسه). (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۱۸۷).

در روایات یاد شده (لا) نفی جنس به معنای نهی آمده است. از این رو، لاضرر و لاضرار نیز هر چند با (لا) نفی جنس آمده است، ولی مقصود از آن نهی است.

وی پس از آوردن نمونه های دیگر و یادآوری این نکته که نقل همه روایاتی که (لا) نفی جنس به معنای نهی به کار برده شده، این گفتار را طولانی می کند می نویسد:

با نقل این نمونه می خواهم بگویم: اراده نهی از نفی بسیار است سخنان کسانی که چنین کاربردی را انکار می کنند، درست نیست. وی، سپس با استناد به لغت بر این معنی تاکید می کند و آن را می پذیرد. (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۲۵۱).

۴-۲- نفی ضرر غیر متدارک

بر بنیاد این دیدگاه نفی به حال خودش باقی است. (لاضرر و لا ضرار) به این معناست که هر کس به فرد دیگری ضرری بزند، باید آن را تلافی کند. بر بنیاد این دیدگاه اگر مالی از کسی از بین برود و تلافی در برابر آن نباشد، این ضرر است و چون این ضرر، در شرع شریعت اسلام نفی شده است، پس باید در برابر آن تدارک و تلافی هستی داشته باشد. اگر کسی جاهل به (غبن) است و مال خود را به کم تر از ارزش واقعی آن به دیگری فروخته، بر او ضرر وارد شده و خيار فسخ که برای او در نظر گرفته شده، برای تلافی زیان اوست.

فقه‌های شیعه، انتقادها و اشکالهای بسیاری به این دیدگاه دارند. شیخ انصاری در ضمن نقد این دیدگاه آن را از همه دیدگاهها ضعیف تر و سست تر دانسته است (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۱۲۴).

۴-۳- نفی حکم ضرری

بر بنیاد این دیدگاه، معنای حدیث (لاضرر و لاضرار) این است: از سوی شارع هیچ حکم ضرری وضع نشده است. به دیگر سخن: هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان آور باشد، ضرر بر نفس مکلف و یا غیر، ضرر مالی یا غیر مالی، حکم یاد شده به استناد اصل لاضرر برداشته می شود. علامه نراقی، همین دیدگاه را پذیرفته است (نراقی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۷۸) و شماری دیدگاه دوم را به او نسبت داده اند، ولی این درست نیست؛ زیرا سخنان ایشان در پذیرش نفی، روشن است (همان). شیخ انصاری، نائینی و بسیاری از دیگر فقیهان بنام، همین دیدگاه را پذیرفته اند. شیخ انصاری پس از نقل و نقد دیگر دیدگاهها، می نویسد:

(مقصود حدیث، نفی حکم شرعی زیان زننده بر بندگان است به این معنی که در اسلام حکم زیان جعل نشده است. به دیگر سخن، حکمی که از عمل به آن ضرری بر بندگان وارد آید در اسلام وضع نشده است. از باب نمونه: حکم شرعی به لزوم بیع غبنی، ضرر بر مغبون است، پس در شرع اسلام نفی شده است. وجوب وضوء در حالی که آب برای وضوء گیرنده ضرر داشته باشد، حکم ضرری است که در اسلام نیست. همچنین جایز بودن ضرر به دیگران، حکم ضرری است که در اسلام نفی شده است....) (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۳۷۲).

۴-۴- نفی حکم به لسان نفی موضوع

آخوند خراسانی دیدگاه شیخ را نپذیرفته اند و بر آن اشکالهایی وارد ساخته و سپس یادآور شده: مفهوم حدیث (لاضرر و لا ضرار) نفی حکم است به لسان نفی موضوع (آخوند خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۴۴).

یعنی نفی ضرر، کنایه از نفی احکام ضرری است. بر بنیاد این دیدگاه، ضرر نفی شده است، نه حکم ضرری، چنانکه شیخ انصاری می گفت. ممکن است در جایی حکم ضرری باشد، ولی موضوع ضرری نباشد. از باب نمونه: در معامله غبنی، خود معامله، زیان زننده نیست، بلکه لزوم آن زیان زننده است (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۱۳۶). از دیدگاه آخوند خراسانی، اصل لاضرر مثل این مورد را نمی گیرد و حال آن که بر بنیاد دیدگاه شیخ، اصل لاضرر بیع ضرری را نیز در بر می گیرد (آخوند خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

پس از شیخ انصاری بیش تر فقیهان، دیدگاه او را پذیرفته اند، از جمله اینان، میرزای نائینی است که می نویسد: (بهترین دیدگاه همان دیدگاه برگزیده شیخ انصاری است و این دیدگاه، میتواند مدرک اصل فقهی قرار گیرد، به عکس دیدگاه دوم و چهارم (حرام بودن زیان زدن و نفی ضرر غیر متدارک) دیدگاه دوم درست نیست؛ زیرا اگر آن را بپذیریم، لاضرر حکم فرعی می شود برای حرام بودن ضرر، مانند دیگر احکام فرعی که بیانگر حرام بودند. اما دیدگاه چهارم درست نیست، چون هیچ یک از فقیهان ضرر را از اسباب غرامت ندانسته و به آن استناد نکرده اند (شیخ انصاری، ج ۲، بی تا: ۱۴۷).

فقیهان بر بنیاد دیدگاه نخست (نفی حکم ضرری) بسیاری از احکام شرعی همانند: خيار غبن، سقوط نهی از منکر و اقامه حدود و لزوم ادای شهادت، وجوب وضوء و جز آن به این اصل استناد جسته اند. مجموعه ای از این امور در کتاب (عناوین) آمده است. هر چند پاره ای از آنها را می شود در بوته نقد گذارد؛ زیرا در پاره ای از آنها تنها مدرک حکم اصل لاضرر نیست. در هر حال، این اصل مدرک بسیاری از مسائل است و کسی که در کتابهای فقیهان، بویژه (تذکره) علامه جست وجو کرده باشد، بر آن آگاه خواهد شد. (نائینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۶۱).

امام خمینی، در چندین جا، همین دیدگاه را پذیرفته (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۱۱۰)، ولی در رساله مستقل خود دیدگاه جدیدی را ارائه داده است.

۴-۵- نهی حکومتی و سلطانی

امام خمینی، پس از نقل دیدگاههای یاد شده، با دقت و به شرح، به نقد و بررسی آنها می پردازد و سپس یادآور می شود: اگر بنا باشد از میان دیدگاههای یاد شده یکی را برگزینیم، دیدگاه شیخ الشریعه برتر از دیدگاههاست (امام خمینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۲۱) که آنها را هم به نقد می کشد و از پذیرفتن آن، سر باز می زند و دیدگاه خود را به این شرح، ارائه می دهد. (و هیئتا احتمال رابع یكون راجحا فی نظری القاصر و ان لم اعثر علیه فی کلام القوم، وهو کونه نهیا لایمکنی الا لهی حتی یکون حکما الهیا کحرمة شرب الخمر و حرمة القمار بل بمعنی النهی السلطانی الذی صدر عن رسول الله (ص) بما انه سلطان المله و سأس الدولة) (امام خمینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۳۰).

در حدیث لاضرر، دیدگاه چهارمی هستی دارد که از نگاه من برتر از دیگر دیدگاههاست، هر چند در سخن فقیهان به آن برخورد ام. در این دیدگاه، نفی به معنای نهی است؛ اما نه نهی الهی، تا لاضرر حکم شرعی الهی همانند: حرام بودن نوشیدن

شراب و حرام بودن قمار باشد، بلکه نهی سلطانی و حکومتی است. این نهی از پیامبر (ص) به سبب آن که رهبر و حاکم بوده است صادر شده است.

امام راحل، دیدگاه محقق خراسانی را به حال مستقل نیاورده است؛ از این روی، از دیدگاه خود به عنوان احتمال چهارم یاد می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۶۱-۳۶۲).

امام خمینی، برای روشن شدن دیدگاه خود چند نکته را یادآور می‌شود که اکنون خلاصه‌ای از آنها را ارائه می‌دهیم و سپس به جمع بندی می‌پردازیم:

۱. پیامبر اسلام (ص) دارای سه منصب و مقام است:

الف. نبوت و رسالت: بر بنیاد این منصب، به تبلیغ احکام الهی می‌پردازد.

ب. مقام حکومت و سیاست: پیامبر، ولی و پیشوای جامعه اسلامی از سوی خداوند است. بر بنیاد این منصب، آن حضرت حق امر و نهی دارد و پیروی از او واجب است، آیه: (اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم) (نساء/۵۹) و آیه: (و ما کان لمومن و لا مومنه اذا قضی الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیره) (احزاب/۳۶) به این گونه از دستورها و بازداشتها اشارت دارند.

۲. مقام قضاوت و داوری در میان مردم: پیامبر اسلام (ص) بر بنیاد این منصب به قضاوت در میان مردم می‌پردازد و بر مسلمانان نیز پیروی از احکام وی و نیز اجرای آن واجب است. آیه شریفه: (فلا وربک لا یومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم...) (نساء/۶۵) به این منصب اشارت دارد (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۶۵: ۵۰).

۳. در متون روایی، روایاتی که بیانگر احکام حکومتی پیامبر (ص) و یا امامان معصوم (ع) اند، با دیگر روایات در کنار هم آمده اند و این سبب اشتباه شماری از فقیهان شده است، از این روی، امام خمینی بر آن می‌شود معیاری برای شناخت روایات حکومتی از غیر آن ارائه دهد:

(هر روایتی که از پیامبر (ص) و علی (ع) با واژه‌هایی چون: (قضی)، (حکم)، یا (امر) و... وارد شده، بر حکم حکومتی و قضایی دلالت دارد، نه بر حکم شرعی. و اگر مقصود از آن روایت، حکم شرعی باشد، یا به حال مجاز در آن معنی به کار برده شده و یا ارشاد به حکم الهی است؛ زیرا از ظاهر این واژه برمی‌آید: پیامبر (ص) از آن جهت که حاکم و قاضی است دستور داده، نه از آن جهت که بیان کننده احکام الهی و مبلغ حلال و حرام است... تحقیق در مقام و همچنین ظهور لفظی، سخنان ما را تأیید می‌کند، افزون بر این، اگر در مورد کار برد این واژه‌ها: قضی، امر، حکم، پی جویی دقت کنیم، همین مطلب به دست می‌آید.) (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۵۱).

سپس یادآور می‌شود: چون دیگر امامان معصوم (ع) حکومت ظاهری نداشته اند، چنین تفسیرهایی از آنان دیده نمی‌شود. و اگر در امور اندک از این واژه‌ها استفاده کرده، به اعتبار آن بوده که بزرگواران به حسب واقع حاکم بر مردم بوده اند.

۳. آیا با این معیار و تراز می‌توانیم همه روایات و احکام حکومتی و قضایی را بشناسیم و از دیگر روایات جدا کنیم؟ بی‌گمان با معیار یاد شده بسیاری از احکام حکومتی را می‌توان شناخت، ولی چه بسیار روایاتی که بیانگر احکام حکومتی و یا قضایی اند، ولی با این واژه‌ها در متون روایی نیامده اند. امام خمینی، گاه کامل کردن معیاری که ارائه داده می‌نویسد: احکام حکومتی و قضایی در پاره‌ای از روایات با واژه (قال) و مانند آن آمده که شناخت آنها از راه قرینه حالی یا مقامی امکان پذیر است، از باب نمونه:

اگر در حدیثی آمده بود: پیامبر (ص) به فردی گفت: تو رئیس لشگری، به فلان منطقه حرکت کن. هر چند با واژه (قال) از آن حضرت نقل شده باشد، ولی به قرینه مقام می‌فهمیم که این دستور، دستور حکومتی است (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۵۲).

۴. در مقدمه چهارم، مجموعه‌ای از روایات را که با واژه‌های یاد شده:

قضی، امر و حکم وارد شده اند و همچنین روایاتی که بدون آن واژگان حکم حکومتی دلالت می‌کنند، برای تأیید نکته‌های گذشته آورده است (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۶۵: ۵۲-۵۴).

۵- منابع اصل لاضرر و زیان در کتب شیعه

روایات متعددی به شکل منابع اصل حدیث شده می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها جریان سمره بن جندب می‌باشد که ابتدا این حدیث تبیین خواهد شد.

حدیث اول

رَوَى الْحَسَنُ الصَّبَّاحُ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لِسَمْرَةَ بِنْتِ جَنْدَبٍ نَخْلَةٌ فِي حَائِطِ بَنِي فَلَانٍ فَكَانَ إِذَا جَاءَ إِلَى نَخْلَتِهِ نَظَرَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَهْلِ الرَّجُلِ يَكْرَهُهُ الرَّجُلُ قَالَ قَدَّهَبَ الرَّجُلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَاهُ... امام (ره) و شاگردان ایشان با می‌باشند به این حدیث بر این باورند اصل لاضرر و زیان تنها در مکتب دولتی می‌باشد. یعنی حاکم می‌تواند مالکیتی را که علت اذیت دیگران می‌باشد را محدود کند. از این رو اصل لاضرر و زیان، فرع فقهی-حقوقی حکومتی و ليس باصل فقیه... مفاد این حدیث امر دولتی یا اصل فقهی-حقوقی را اثبات می‌کند.

تبیین حجت حدیث اول:

الف) محمد بن علی بن حسین عن الحسن الصبیقل؛ حجت شیخ صدوق به حسن صبیقل حجت درستی می‌باشد و لو اینکه در این سلسله علی بن حسین سعد آبادی که صریحاً توثیق ندارد هستی داشته باشد. و لیکن اشاراتی مهستی است که دال بر توثیق علی بن حسین می‌شود:

۱. علی بن حسین از مشایخ اهل قم بوده می باشد. قمی‌ها معروف به وسواس زیاد در گرفتن حدیث بوده‌اند. قمی‌ها ملاک عدالت و فسق راوی را در حدیث موثق حدیث می‌دانستند به طوری که فضای قم طوری بود که احمد بن محمد بن محمد بن عیسی؛ احمد بن محمد بن خالد برقی را از قم تبعید کردند؛ با این وسواسی که در فضای اهل قم حاکم بود؛ قمی‌ها علی بن حسین را شیخ حدیثی خودشان قرار دادند. این اولین موید برای توثیق علی بن حسین می باشد.

۲. بزرگانی مثل کلینی و فقیه زراری به علی بن حسین اعتماد کردند. ما در توثیق حدیث تنها ملاک را رجال نجاشی و کشی قرار نمی‌دهیم بلکه تبیین می‌کنیم که این راوی از اصحاب اجماع یا از مشایخ اجازه هستند یا خیر؟ این‌ها قرائنی می باشد که می‌توان وثاقت راوی را به دست آورد. پس حدیث کردن افراد بزرگ و جلیل القدر می‌تواند اماره‌ای برای توثیق افراد باشد. ۳. شاهد سوم اینکه علی بن حسین، توثیق عام کامل الزیارات را دارد.

(ب) ابی عُبَیْدَةَ الْحَدَّاءَ (کفاش)، نام او زیاد بن عیسی می‌باشد؛ ثقة می باشد؛ وی از حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) حدیث می‌کند. درباره او بیان کرده‌اند: کان حَسَنَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ زَمَلِ ابی جَعْفَرِ الی مکه.

حدیث دوم

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا (گروهی که از احمد بن خالد برقی حدیث می‌کنند حداقل یک ثقة در بین آنها مهستی است). عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ (وی از آن فتحی‌هایی می باشد که تا مرگ عبدالله بر این باور به امامت او بود. بعد از مرگ عبدالله به امامت حضرت کاظم بر این باور شد). عَنْ زُرَّارَةَ (پس حدیث موثقه می باشد). عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جَنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدَقٌ (درخت خرمائی که به پار نشسته می باشد). فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبُسْتَانِ وَ كَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نَخْلَتِهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمْرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَشَكَا إِلَيْهِ ... در این حدیث علی مؤمن یا علی یقینی مهستی نیست. در حدیث شیخ صدوق (ره) (حدیث اول)، اصل لا ضرر و زیان و لا ضرر هم مهستی نیست.

حدیث سوم

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ (کلینی) (ره) از علی بن محمد بن بندار حدیث می‌کند که نوه دختری احمد بن محمد بن خالد برقی می باشد. وی بزرگی می باشد که گاهی به اسم علی بن محمد ابی القاسم ماجیلویه می باشد ثقة فاضل فقیه؛ تأدب علیه (نزد پدر بزرگ (احمد بن محمد) تربیت شده می باشد. این حجت، شیخ اجازه کلینی می باشد). عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عن احمد بن ابی عبدالله یعنی عن احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا (با این حجت، حدیث مرسل شد). عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جَنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدَقٌ وَ كَانَ طَرِيقُهُ إِلَيْهِ فِي جَوْفِ مَنْزِلِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ ... اصل و برهان تحقیق در باب اصل لا ضرر و زیان این حدیث می باشد.

۵- بنای عقلا در مورد اصل ضرر و زیان

صرف نظر از دلایل لفظی در مورد اصل ضرر و زیان، به نظر می‌رسد بنای عقلا پشته‌نامه‌ای برای این اصل محسوب می باشد. بی تردید بنای عقلا در این امر محقق می باشد که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپحجت می باشد و ثانیاً عامل زیان در برابر زیان دیده مسئول پرداخت زیان می باشد و از این رو این اصل در کلیه سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده و در مورد چنین بنایی از ناحیه شرع مقدس، رد و منعی واصل نشده که از این رهگذر، امضای حاکم دینی احراز می‌گردد. با توجه به این دلیل، اغلب مشکلات در مورد اصل لا ضرر و زیان از میان برداشته می‌شود. برای مثال، تحقیق این که آیا اصل لا ضرر و زیان می‌تواند وضع ضمان کند یا خیر، ناشی از تفسیر «لا» در جمله لا ضرر و زیان و لا ضرر می باشد، اما در تمسک به بنای خردمندان طبعاً پاسخ واضح می باشد.

مدرک اصل

طوائف زیادی از روایات، مدرک این اصل می‌باشند که مهم‌ترین آن‌ها قصه سمره بن جندب می باشد. این جریان را شیعه و سنی، حدیث گرفته‌اند.

شیخ انصاری (ره) در پایان تحقیق برائت، آخوند خراسانی نیز در کفایه این تحقیق را آورده‌اند. سمره بن جندب درختی در چهار دیواری یک فرد انصاری داشت. وی به بهانه آب دادن درخت خرمای خود مزاحم اهل و عیال آن فرد انصاری می‌شد. مرد انصاری نیز از او گله کرد و گفت موقع آمدن خبر بدهید. سمره گوشش به این سخنان بدهکار نبود و می‌گفت درخت خودم می‌باشد و نیازی به اجازه نیست. مرد انصاری نزد پیامبر رفته و شکایت کرد؛ پیامبر خیلی تلاش کرد که با سمره مصالحه کند اما او حتی به درختی در بهشت هم راضی نشد. پیامبر با دیدن این لجاجت سمره، به مرد انصاری فرمود برو و درخت را از ریشه بکن و به سمت سمره بیانداز. پیامبر (ص) فرمود سمره فردی مضار می باشد و در دین امری که علت ضرر و زیان به مؤمنی باشد، نداریم.

روی الشیخ عن هارون بن حمزه الغنوی، عن ابی عبدالله (علیه السلام) فی رجل شهد بعیراً مریضاً و هو یباع فاشتره رجل بعشرة دراهم، و اشرك فيه رجلاً بدرهمین بالرأس والجلد، و قضی ان البعیر برئ، فبلغ ثمنه (ثمانیه خ ل) دانیر قال: فقال لصاحب الدرهمین خمس ما بلغ، فان قال: ارید الرأس والجلد فلیس له ذلك، هذا الضرار، و قد اعطی حقه اذا اعطى الخمس. (الوسائل، ج ۱۳، باب ۲۲، از ابواب بیع حیوان، ح ۱) ... تفاسیر گوناگونی درباره این اصل بیان شده که به طور عمده می‌توان به دو بخش تقسیم

کرد؛ گروهی مراد «لا» در این اصل را «ناهی» در نظر می‌گیرند و گروهی «نافیه». اگر به معنای نهی گرفته شود، تنها بر نهی تکلیفی دلالت دارد و اگر معنای نافیه مورد نظر باشد، بر رد امر لازم دلالت می‌کند. حال آن امر ضرر و زیانی، تکلیفی باشد یا وضعی. از این رو، دو دیدگاه در این جا بیان می‌شود.

۱. نهی از ضرر و زیان: بعضی از فقیهان اولیه تشیع و اغلب فقیهان اهل تسنن، بر این باورند که مدلول حدیث اصل لاضرر و زیان و لاضرار بیان امر تکلیفی حرمت وارد ساختن زیان ابتدائاً، یعنی نباید شخصی به فرد و یا شخص دیگری ضرر و زیان بزند و نیز حرمت مجازی دفع ضرر و زیان به وسیله ضرر و زیان می‌باشد. این قصد که مثلاً شخصی جایز نیست دیوار خانه فرد و یا شخص دیگری را خراب کند و اگر چنین کاری کرد، صاحب دیوار نباید برای در برابر دیوار خانه او را خراب کند. از بین فقیهان تشیع شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی در رساله‌ای که در باب اصل لاضرر و زیان نوشته می‌باشد به نحو مبسوط این دیدگاه را بیان و در توجیه آن دلایلی ذکر نموده می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها بیان شواهدی می‌باشد از کتاب و سنت در مورد کاربرد لای رد جنس در معنای نهی، از جمله: لارفت و لافسوق و لاجدال فی الحج و فان لک فی الحیات ان تقول لامساس یا لا ضروره فی الاسلام، لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق، لا هجر بین المسلمین فوق ثلاثه ایام و یا غش بین المسلمین... کسانی که با این دیدگاه مخالفت گرفته اند دلیل خود را چنین بیان گرفته اند که می‌باشد عمل رد به جای نهی، یعنی به کار بردن لفظ در معنای مجازی، خلاف ظاهر می‌باشد و عدول از معنای ظاهری کلام در حالی جایز می‌باشد که حمل آن بر آن معنا ممکن نباشد، در حالی که می‌باشد عمل متن «اصل لاضرر و زیان» در معنای ظاهری آن یعنی رد ضرر و زیان ممکن می‌باشد.

۲. رد ضرر و زیان غیر متدارک: بعضی بر این باورند که «اصل لاضرر و زیان» بر رد ضرر و زیان دلالت می‌کند، با تقیید ضرر و زیان به ضرر و زیان غیر متدارک. یعنی ضرر و زیانی که تلافی نشده باشد، در اسلام تجویز نشده می‌باشد. ملاً احمد نراقی بر این باور می‌باشد از آنجا که ضرر و زیان هر گاه تلافی شود دیگر ضرر و زیان نیست امر به تلافی ضرر و زیان از طرف حاکم دینی، به منزله آن می‌باشد که ضرر و زیان مهستی نیست. بر این دیدگاه انتقاداتی وارد شده می‌باشد، از جمله «ضرر و زیان در حالی می‌تواند معدوم فرض شود که در واقع و در عالم خارج تلافی شده باشد». روشن می‌باشد که به مجرد امر حاکم دینی به تلافی ضرر و زیان، ضرر و زیانی که در عالم خارج واقع شده می‌باشد، تلافی نمی‌شود. علاوه بر آن، حاکم دینی امر به تلافی همه ضرر و زیانها نکرده می‌باشد. حاکم دینی به تلافی ضرر و زیانی که شخص بر خود وارد می‌سازد، یا زیانی که بر اثر فروش کمتر از ارزش کالا توسط تاجری به سایر تجار وارد می‌گردد، امر نکرده می‌باشد.

۳. رد امر ضرر و زیانی: بعضی بر این باورند مقصود از حدیث «اصل لاضرر و زیان»، و به تبع آن اصل لاضرر و زیان، آن می‌باشد که حقیقت ضرر و زیان در عالم تشریع رد شده می‌باشد. به این قصد که از طرف حاکم دینی امری که علت ضرر و زیان مکلفان گردد، جعل نشده می‌باشد. برای نمونه طوفی حنبلی در تفسیر حدیث «اصل لاضرر و زیان و لاضرار» آورده می‌باشد که هنگام تعارض مصلحت با امر منصوص لازم می‌باشد مصلحت، بر سبیل تخصیص یا تبیین مقدم داشته شود» به بیان دیگر، پس از هر امری این جمله افزوده شود که مگر در امری که مصلحت خلاف آن را لازم نماید، یعنی از امر، ضرر و زیانی حاصل شود. به این ترتیب به عقیده طرفداران این دیدگاه دلیل ضرر و زیان مثل عسرو حرج، از امر و احکام ثانویه می‌باشد. امر شرع به لزوم بیع غبنی ضرر و زیان بر معبون می‌باشد و یا وجوب وضو در حالی که آب برای وضو گیرنده مضر می‌باشد و یا تهیه آن مستلزم پرداخت بهای سنگین می‌باشد، ضرر و زیان بر مکلف می‌باشد. از این رو به علت حدیث اصل لاضرر و زیان این امر و احکام برداشته شده‌اند.

اخیراً تعدادی از فقیهان مثل شیخ احمد نراقی و شیخ مرتضی انصاری از این نظریه حمایت گرفته اند و پس از ایشان توسط بسیاری از فقیهان دیگر پجحتیده شده می‌باشد. شیخ مرتضی انصاری بر این باور می‌باشد این دیدگاه، قصد اول، یعنی حرمت اضرار به غیر را نیز در بر دارد، زیرا مباح بودن اضرار به غیر، امر ضرر و زیانی می‌باشد که در شرع رد شده می‌باشد.

۴. رد امر به لسان رد موضوع: معنای فرد و یا شخص دیگری از آخوند خراسانی صاحب کفایه، برای اصل لاضرر و زیان توصیه شده می‌باشد: مقصود از «اصل لاضرر و زیان» رد امر به لسان رد موضوع باشد، به این قصد که مقصود از اصل لاضرر و زیان، رد حقیقت ضرر و زیان می‌باشد، و لیکن رد حقیقت ممکن می‌باشد حقیقتاً باشد یا ادعائاً مقصود از رد حقیقی به طور ادعائی رد آثار می‌باشد، مثل آنکه گفته شود: لاصلوه لجار المسجد آلاً فی المسجد و یا لیس بین الوالد و ولده ربا که مقصود از آنها رد آثار صلاه و ربا می‌باشد. به این ترتیب حاکم دینی با رد ضرر و زیان، در واقع امر و احکام موضوعاتی را که ضرر و زیان در آنها راه پیدای کند، رد کرده می‌باشد. به بیان دیگر، امر و احکام خود را از موضوعات ضرر و زیانی برداشته می‌باشد.

۶- نتیجه‌گیری

در فقه و حقوق اسلام اصل لاضرر و زیان بر حمایت از حق زیان دیده تاکید داشته و ابتدای رد ضرر و زیان در فقه دین اسلام قرار گرفته می‌باشد و این اصل بیش از اینکه به مجازات عمل ضرر و زیان و یا تقصیر و بی تقصیری او بیندیشد به لزوم تلافی زیان می‌پردازد. تلافی زیان شخص زیان دیده و برقراری عدالت اجتماعی از مهم‌ترین اهداف پذیرش اصل قابلیت تلافی کلیه خسارات و انتساب زیان وارده به شخص عامل زیان و رد ضرر و زیان در اجتماع مهم‌ترین منای نظری پذیرش این اصل در حقوق مسئولیت مدنی می‌باشد.

در خصوص تبیین مطلوبیت اصل قابلیت تلافی زیان کلیه خسارات از لحاظ اجتماعی و اقتصادی باید گفت که این اصل حقوقی نیز همثل سایر اصول حقوقی، هم دارای نقاط ضعف و دارای نقاط مثبت می‌باشد. هر چند که پذیرش این اصل اثرات و پیامدهای مرد اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، همچون گسترش لجام گسیخته دعاوی مسئولیت مدنی و افزایش دامنه تلافی زیان، گرانی حق بیمه‌های دریافتی و به تبع آن ایجاد فضای آشفته در سطح جامعه، جلوگیری از آزادی عمل و ابتکار و نوآوری و مشکلات حقوقی ناشی از استناد به عرف را در پی خواهد داشت. و لیکن اعمال اصل قابلیت تلافی زیان در راستای اهداف مسئولیت مدنی که همان تلافی زیان و بازدارندگی می باشد، می‌باشد چون پذیرش این اصل در رتبه اول بردامنه زیان قابل تلافی می‌افزاید و حمایت هر چه بیشتر از زیان دیدگان را علت می‌شود و در رتبه بعدی بازدارندگی بیش‌تر در سطح جامعه را فراهم می‌آورد.

امام خمینی، با این که مفهوم لاضرر را نهی حکومتی می‌داند، به حکومت لاضرر بر اصل تسلیط حکم کرده است. به نظر وی، واجب نبودن وضعی که ضرر داشته باشد، و یا لزوم در معامله غبنی و همانند آن، هیچ پیوستگی و پیوندی با لاضرر ندارد و احکامی از این دست که فقها در سرتاسر فقه برای ثابت کردن آنها، به لاضرر، استدلال بسته اند از مفهوم این حدیث، به دورند. گروهی برآنند: بربنیاد این مبنا بسیاری از فروع فقهی، همانند خیار غبن و... دلیل فقهی خود را از دست می‌دهند، امام به این شبهه پاسخ می‌دهد هر جا، در بابهای گوناگون فقه، به اصل لاضرر استناد شده، مدرک آنها، تنها لاضرر نیست از باب نمونه: خیار غبن، امری عرفی و عقلایی است. کسی که در معامله ای زیان ببیند، از نگاه عقلا می‌تواند آن معامله را به هم بزند و برای ثابت کردن آن نیازی به اصل لاضرر نیست.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، عبدالله (۱۳۸۲). جرم قاچاق، انتشارات میزان، تهران.
۳. انصاری، شیخ مرتضی (بی‌تا)، فرائد الاصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۳۲۱). کفایه الاصول، جلد دوم، انتشارات موسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم.
۵. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۳۸۹). کفایه الاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.
۶. انصاری، مرتضی (۱۳۱۴). رسائل، تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع) کتاب خطی
۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۴۶۰.
۸. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۰). سو استفاده از حق، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران
۹. بجنوردی، محمد حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، تحقیق: مهدی المهریزی - محمد حسین الدرایتی، قم: نشر الهادی.
۱۰. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی کالا، چاپ اول تهران، موسسه انتشار گستر
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۴). دائره المعارف اسلامی قضایی (منطق حقوقی)، ج ۳
۱۲. خویی، ابو القاسم، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۱۸.
۱۳. روحانی، محمد، منتقى الاصول، ج ۵، ص ۳۸۳.
۱۴. شریعت‌اصفهانی، فتح‌الله بن محمدجواد (...). اصل لاضرر و زیان، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الدین اسلام.
۱۵. صاحبی، مهدی (۱۳۷۶). تفسیر قرار دادها در حقوق خصوصی، انتشارات ققنوس
۱۶. عاملی، شیخ حر (۱۴۱۱) وسایل الشیعه، نشر آل البيت، قم.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۶۵) فرهنگ عمید، جلد ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۸. فرهنگ دلیر، مهدی (۱۳۹۲). امر و احکام قاچاق و تبیین امر و احکام فقهی-حقوقی خرید و فروش کالای قاچاق، انتشارات قلم جوان، قم.
۱۹. قطبی، میلاد (۱۳۹۵). تبیین ظرفیت‌های فقه در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، معاونت فرهنگی و تحقیق ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، جلسه علمی تخصصی فقه و قاچاق کالا و ارز.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). فلسفه حقوق، جلد اول، تهران، چاپ هفتم، شرکت سهامی انتشار
۲۱. گرایلی، محمد باقر (۱۳۹۱). تبیین مبانی فقهی-حقوقی، حقوقی قاچاق کالا و ارز (مجموعه مقالات)، اداره کل تبلیغات دین اسلام خراسان رضوی، مشهد.
۲۲. محسنی، حسن (۱۳۸۹). پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدیده قاچاق، مجموعه مقالات اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۰). قواعد فقه، بخش مدنی (۱)، نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی، چاپ سوم، تهران، تابستان
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶). اصل های فقه، جلد ۴، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۹). فقه پزشکی. انتشارات حقوقی. چاپ اول.

۲۶. محمودی جانکی، فیروز، مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۲۷. محمدی ابوالحسن (۱۳۸۹). اصل‌های فقه، چاپ یازدهم، انتشارات میزان.
۲۸. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص ۲۰۳.
۲۹. معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۰. مقامی‌نیا، داریوش (۱۳۹۷). مبانی فقهی-حقوقی مسئولیت مدنی با نگاهی به اصل لاضرر و زیان فصدنامه قانون یار شماره ۸ زمستان ۹۷ ص ۴۰۵.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). الاصل‌های الفقهی-حقوقیه، جلد اول، ناشر مدرسه الامام علی ابن ابی طالب قم.
۳۲. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۴). توضیح المسائل (محشی)، جلد ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۳۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، الرسائل، تحقیق مجتبی طهرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۲ ق) الاصل‌های الفقهی-حقوقیه، جلد اول.
۳۵. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۸). فوائد الاصول، دفتر انتشارات دین اسلام وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۳۶. نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول (۱۳۶۵ق). ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۴.
۳۷. نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. دار احیاء التراث العربی. الطبعة السابعة.
۳۸. نراقی، محمد بن احمد، عوائد الایام (۱۲۵۳). ص ۱۷-۱۸.
۳۹. نراقی، ملااحمد (۱۳۷۵). عوائد الایام، بیروت: نشر مکتب الاعلام الدین اسلام.
۴۰. نراقی، ملااحمد (۱۲۹۴). مشارق الامر و احکام، بیروت، دارالخلافة الباهره.
۴۱. نگهداری، فاطمه ف مشایخ گندس کلایی، نصیر (۱۳۹۹). تبیین اصل تلافی زیان از دیدگاه قرآن، فقه تشیع و حقوق ایران، فصلنامه مطالعات قرآنی سال یازدهم شماره ۴۳.
۴۲. نجومیان، حسین (۱۳۷۶). مبانی حقوق در ایران. موسسه و چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم
۴۳. یعقوبی، داریوش (۱۳۹۳). تبیین عوامل مؤثر بر قاچاق کالا، معاونت فرهنگی و تحقیق ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران.
۴۴. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.
۴۵. قانون مجازات اخلاگران در سیستم اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.

بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تربیتی در فضای مجازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

سهیلا شه میری لجی^۱

چکیده

از آنجا که آموزش و پرورش بعنوان یکی از مؤثرترین متولیان امر تربیت و آموزش فرزندان از جایگاه و نقش برجسته‌یی برخوردار است و ورود فضای مجازی و استفاده از آن در امر آموزش ناگزیر است، پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه فضای مجازی در تعلیم و تربیت و همچنین بررسی برخی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو به روش توصیفی و مطالعه اسنادی صورت گرفته است. جهان امروز در معرض تحولات فزاینده‌یی قرار دارد. فضای مجازی نقش عمده‌یی در این تغییر و تحولات دارند و اصولاً هر تغییر و تحولی در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه‌های آموزشی و فرهنگی، آثار و تبعات متناسب با اهداف و کارکردهای خود را بدنبال خواهد داشت و فضای مجازی از این امر مستثنی نیست. فضای مجازی علاوه بر فرصتهایی که میتواند در پی داشته باشد، چالش‌هایی نیز بدنبال دارد. فضای مجازی هم فرصت است و هم تهدید و چنانچه قبل از ورود این تکنولوژی‌ها نحوه درست استفاده از آنها را یاد بگیریم، تبعات منفی آن نیز کمتر خواهد شد. در واقع، فضای مجازی بعنوان یک فرصت اسباب آموزش مجازی، کاهش هزینه، سرعت و یکسان‌سازی اطلاعات و استفاده از دیگر مزایایی از این دست را فراهم می‌آورد. از این‌رو، در نوشتار حاضر سعی شده است به بررسی و تحلیل جایگاه فضای مجازی در نظام تعلیم و تربیت پرداخته شود و فرصتها و چالشهایی که در این ارتباط وجود دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، فضای مجازی، فرصتها و چالشها

۱- مقدمه

فناوری همیشه مثل یک شمشیر دو لبه است. تحقیقات نشان می‌دهد که جذابیت‌ها و امکاناتی که فناوری‌های نوین در اختیار طیف گسترده کاربران قرار می‌دهد، بسیاری از مقاومت‌های اولیه را در هم می‌شکند و چالش‌های بزرگی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیش روی دولت و نهادهای دولتی قرار می‌دهد. در چنین عرصه‌ای اگر برای اطلاعات طرح و نقشه جامعی وجود نداشته باشد و به کارگیری آن منطبق با اهداف معین و هوشمندانه نباشد خطرات زیادی جوامع و فرهنگ بشری را تهدید می‌کند. معلم در نظام جدید آموزش و پرورش در مقام یاور بالندگی انسان، ایفای نقش می‌کند نه انتقال دهنده اطلاعات. با ظهور فناوری‌های جدید، حرفه تدریس از تأکید بر معلم محوری و آموزش مبتنی بر سخنرانی به فراگیر محوری و محیط‌های یادگیری تعاملی تغییر یافته است. معلم باید روش‌های تفکر را که اغلب توسط فناوری در اختیار او قرار می‌گیرد، مدنظر قرار دهد. بر اساس نظریه‌ی کنترل اجتماعی، عاملی که باعث جلوگیری از رفتارهای انحرافی نوجوانان و جوانان می‌شود، پیوند اجتماعی است. گسترش فضای مجازی، ضرورت اجرای سیاست‌های کاربردی در این حوزه را آشکار می‌سازد. در این میان با توجه به رشد روزافزون چالش‌های اینترنتی بایستی به فرهنگ‌سازی و آموزش در این باره پرداخت تا با آگاهی بخشی به افراد بتوان از وقوع آسیب‌های اجتماعی در این زمینه پیشگیری کرد. اینترنت در دنیای کنونی هویت نسل نوجوان و جوان را در ابعاد مختلف فکری و اخلاقی چنان تحت تأثیر قرار داده که آسیب‌های اجتماعی حاصل از آن ارتباط تنگاتنگی با مقوله فناوری اطلاعات و جهانی شدن پیدا کرده است. استفاده خارج عرف از اینترنت، سبب ایجاد وابستگی روانی و فکری می‌شود به گونه‌ای که برخی از کاربران به یک فضای غیرواقعی پناه می‌برند و در آن روزگار می‌گذرانند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که درصد بالایی از نوجوانان و جوانان از اینترنت برای فعالیت‌هایی نظیر دوست‌یابی، بازی و ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند و محیط جذاب و به ظاهر صمیمانه سایت‌های اینترنتی سبب می‌شود که کاربران بدون آن که گذر زمان را حس کنند، در آنها فعالیت داشته باشند و برنامه‌های سایت را لذت بخش‌تر از ارتباط با والدین خویش بدانند و در نتیجه، ارتباطات، رفتار و زندگی اجتماعی آنها با اختلال روبرو می‌شود. اینک با فراگیر شدن اینترنت و دسترسی بیشتر افراد به آن، جامعه با ابعاد مختلف این مقوله روبرو است که از جمله می‌توان به چالش‌های اینترنتی اشاره داشت که می‌تواند سبب تقویت خلاقیت افراد شوند زیرا این چالش‌ها در واقع بازی‌هایی هستند که در آنها فرد با کمک ذهن خویش می‌تواند مسایل مطرح شده در آنها را حل کند اما باید دانست برخی از این چالش‌ها فرد را مجبور به تخریب، کشتن، از میان بردن و سرکوب می‌کند. از بازی‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند، می‌توان به بازی‌های جنگی اشاره کرد. اینگونه افرادی که به این بازی‌ها می‌پردازند، خشن، پرخاشگر، ضد اجتماع، قانون شکن، ناهنجار و عصبی خواهند شد. این تفریح‌های رایانه‌ای به عنوان سرگرمی در جامعه رواج پیدا کرده و از درون آنها چالش‌های خطرناکی به وجود آمده است که بیشتر قشر نوجوان را به خود جذب می‌کند (چی ۲۰۱۸).

در واقع گروه سنی که قدرت تصمیم‌گیری مناسبی ندارند. به همین دلیل مسوولان امر باید برای این حوزه با شتاب و سرعت بیشتری برنامه ریزی کنند و همانند کشورهای پیشرفته برای حضور گروه‌های سنی مختلف در شبکه‌های اجتماعی به فرهنگ‌سازی بپردازند و قوانین قابل اجرایی داشته باشند تا جامعه شاهد رخدادهای ناگوار نباشد. از این رو در این مقاله سعی بر آن شده است تا به بررسی و تحلیل نقش فضای مجازی در نظام تعلیم و تربیت پرداخته و فرصت‌ها و چالش‌هایی که در این ارتباط وجود دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۲- بازی‌های اینترنتی

۲-۱- گسترش بازی‌های اینترنتی و علاقه به ماجراجویی

فضای مجازی با دگرگونی‌های بسیاری همراه است که این مهم زندگی افراد را دستخوش تغییرهای فراوانی می‌کند، به گونه‌ای که انسان برنامه‌های خود را با این تحول‌ها یکسان می‌سازد. در این میان گسترش بازی‌های رایانه‌ای و علاقه به ماجراجویی نوجوانان و جوانان از جمله آثار پیشرفت دنیای مجازی و چالش‌های اینترنتی است که به طور ناخودآگاه آنان را در مسیر دلخواه سازندگان آن هدایت می‌کند (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲- تغییر فرهنگ و چالش‌های فضای مجازی

برخی از بازی‌های رایانه‌ای با هدف نفوذ میان نوجوانان و جوانان برای هدایت آنان به طرف مسیرهای مشخص ساخته می‌شوند که الگوهای رفتاری متفاوت با فرهنگ‌های رسمی کشور را به وجود می‌آورند. گاهی اوقات این مقوله به وضعیت بحرانی نزدیک می‌شود و کاربران و گروه‌های خاص را سازماندهی می‌کنند. بازی‌های اینترنتی برای بیشترین سرعت و کمترین کنترل طراحی شده‌اند، بنابراین کنترل حوزه اخلاق در آن دشوار است و رفتار کاربران را به گونه‌ای جهت‌دهی می‌کنند که از آنها در

حمله به دیگران بهره ببرند. همچنین محتوای ناشایست و مستهجن برخی برنامه ها از دیگر معضل های فضای مجازی به شمار می رود که نوجوانان و جوانان را گرفتار می کند (پورعلی و بهمنی، ۱۳۹۴).

۲-۳- تغییر در تفکر افراد با بازی های اینترنتی نامناسب

بازی های اینترنتی در مرحله های مختلف افراد را با چالش هایی روبرو می سازند و ناگزیر به پذیرفتن این موارد می کنند. گاهی اوقات در این بازی ها، مرگ و خودکشی بالاترین امتیاز را به خود اختصاص می دهد و وقتی فکر نوجوان و جوان درگیر این چالش ها می شود، مجبور به انجام دادن آخرین مرحله خواهد بود زیرا در صورت نپذیرفتن از گروه طرد و صفت های ناشایستی همچون ترسو و ضعیف بودن به آنان اطلاق می شود که این برای این قشر بسیار اهمیت دارد. خودکشی آخرین تصمیمی است که این بازی های برای فرد به وجود می آورند. دوری از خانواده، پیدا کردن همسالان همفکر، ضعف در درس و منزوی شدن از دیگر آسیب های این گونه بازی های رایانه ای به شمار می رود. همچنین گسترش این نوع بازی ها در درون نوجوانان و جوانان انرژی های کاذبی ایجاد می کند و به طور ناخودآگاه خشونت را در آنان افزایش می دهد. ناآگاهی و نداشتن سواد کافی برخی خانواده ها نیز سبب می شود تا کودکان به دنیای بازی های رایانه ای راه پیدا کنند و با چالش های پرخطری روبرو شوند (دهقان بنادکی و نصیری زاده، ۱۳۹۸).

۲-۴- پرداخت هزینه های هنگفت برای بازی های اینترنت

نیروهای امنیتی کشور بایستی نسبت به شناسایی، افشا و معرفی ماهیت مرکزهایی که در زمینه اشاعه بازی های اینترنتی نامناسب فعالیت دارند، نظارت و اعمال بیشتری صورت دهند و مسیرهای ارتباطی آنها را به وسیله فضای مجازی و شبکه های بانکی مدیریت کنند. با توجه به اینکه جمع آوری بازی های غیرمجاز و دور کردن آنها از دسترس کاربران ناممکن است، می توان با تولید بازی هایی در داخل کشور همگون با فرهنگ ملی به رقابت آنان پرداخت. همچنین رسانه ها در معرفی و شناساندن آسیب های احتمالی این بازی ها نقش اساسی دارند. آگاهی بخشی به خانواده ها درباره آسیب های ناشی از بازی های رایانه ای از دیگر اقدام های لازم است زیرا باید به افراد آگاهی داد تا نسبت به انتخاب نوع بازی های رایانه ای متناسب با سن فرزندان خویش دقت داشته باشند و با اختصاص دادن زمانی خاص برای بازی رایانه ای بکوشند تا تعامل خود را با آنها حفظ کنند. روانشناسان، حقوقدان و مشاور خانواده نیز معتقدند، بازی های رایانه ای به بخش جدایی ناپذیر از اوقات فراغت کودکان و نوجوانان تبدیل شده اند، به همین دلیل بررسی آسیب ها و پیامدهای ناشی از آن اهمیت ویژه ای دارد. در ادامه دیدگاه های وی را در این باره مرور می کنیم (نعمتی انارکی، ۱۳۹۰).

۲-۵- نیاز به دیده شدن عاملی برای ورود به چالش های اینترنتی

کودکان و جوانان از لحاظ سنی علاقه زیادی به دیده شدن و سرگرمی دارند و ورود به دنیای بازی های اینترنتی برای آنها بسیار مهم به شمار می رود. این قشر پر از هیجان و نشاط است و در برخی مواقع دارای ضریب هوشی بالایی نیز هستند. در سال های اخیر بازی های رایانه ای و موبایلی با عنوان سرگرمی برای نوجوانان تعریف می شوند که در شکل های مختلف مانند هشتگ زدن درباره مسایل مختلف به دنیای آنان نفوذ پیدا کرده اند. آنها برای جلب توجه بیشتر وارد این گونه چالش ها می شوند و با عضویت در گروه های مختلف می توانند در مسیر اینگونه بازی ها قرار بگیرند. علاقه به دیده شدن سبب می شود تا در پایان برخی از این چالش ها که به مرگ شخص می انجامد، افراد هنگام خودکشی با انتشار فیلم هایی از خود جلب توجه کنند. با بررسی ماهیت بازی های رایانه ای مشخص می شود که در این بازی ها، کاربران یا همدیگر را می کشند یا خودشان کشته می شوند (نورمحمدی، ۱۳۹۰).

۳- نقش خانواده و نظام آموزشی

۳-۱- نقش خانواده در انتخاب بازی های رایانه ای فرزندان

نوجوانان و جوانان در تنهایی خود به دنبال سرگرمی هستند، بنابراین خیلی زود وارد فضای مجازی خواهند شد و تصور می کنند، ضرر و زیان هر چیزی که در فضای مجازی اتفاق می افتد، قابل جبران است. خانواده ها به تصور اینکه که با کنترل گوشی های همراه فرزندان خود می توانند بر آنها نظارت کنند خیال خودشان راحت می شود، در حالی که این چالش ها در قالب گروه های همکلاسی تعریف می شود. این گونه بازی ها محتوای بسیار خطرناکی دارند و ممکن است، افراد در شبکه های مختلف اجتماعی به طور ناخودآگاه عضو شوند و حریم خصوصی خانواده خود را به اشتراک بگذارند. نبود برنامه ریزی مناسب برای آموزش در این زمینه می تواند افراد را به این نوع فضاها نزدیک کند. بنابراین اگر والدین به عنوان الگوی کودکان خواسته ها و تمایلات خود را بر مبنای ارزش های اسلامی و دینی چون آرامش و محبت قرار دهند، کودکان تمایل بیشتری به گذراندن اوقات خود با

آنان خواهند داشت. تقویت بُعد ارزشی افراد در جامعه نیز خواهد توانست هدفمندی آنها را تحت تاثیر قرار دهد و این مهم زیاده روی در بازی هایی را که تنها هیجان و سرگرمی به دنبال دارند، تعدیل می کند (هاتف، ۱۳۸۸).

۳-۲- نقش نظام آموزشی در انتخاب اهداف نسل جوان

محدود شدن فعالیت های فیزیکی نوجوانان و جوانان یکی از مهمترین دلایل گرایش آنها به چالش های فضای مجازی است. نظام آموزشی باید متناسب با نسل جدید رشد کند و با برنامه ریزی و فراهم آوردن اوقات مناسب و مفید نیازهای آنان را برآورده سازد تا در کنار برطرف کردن نیازهای جامعه برای دانش آموزان نیز جذابیت داشته باشد. اینکه نوجوانان از چه سنی به اینترنت نیاز دارند و چه سایت هایی را می توانند مشاهده کنند، از جمله اصولی به شمار می رود که نهادهای مسوول باید بر آن نظارت بیشتری داشته باشند. برگزاری دوره های آموزشی برای والدین در جهت کسب آگاهی از فضاهای مجازی و بازی های اینترنتی می تواند آنان را در چگونگی تربیت و کنترل فرزندان خویش یاری رساند تا از هرگونه آسیب های اجتماعی به دور باشند.

۴- آسیب ها و چالش های فضای مجازی

بهره برداری صحیح و سودمند از فضای مجازی مستلزم رعایت هنجارهایی است که تخطی از آن ها می تواند، باعث آسیب هایی جدی شود و برخی از آن ها حتی مستوجب جرم انگاری و مجازات هستند. امروزه فضای مجازی به بخش تفکیک ناپذیری از زندگی انسان ها تبدیل شده و با سرعت شتابان، تمامی شئون و عرصه های زیست بشر را تحت تاثیر قرار داده است از این رو ماهیت شناسی این فضا و تشخیص شرایط و الزامات تبدیل شدن به بازیگری توانمند در این عرصه نخستین گام است و هر گونه بی توجهی و غفلت نسبت به این پدیده صدمه ها و آسیب های خطرناکی را متوجه جامعه خواهد کرد، بهره برداری صحیح و سودمند از این فضا مستلزم رعایت هنجارهایی است که تخطی از آن ها می تواند، باعث آسیب هایی جدی شود و برخی از آنها حتی مستوجب جرم انگاری و مجازات هستند. خیلی از مسائلی که الان در فضای مجازی و به نوعی در قلمرو کارهای اصلی قرار گرفته، اصل آن در فضای حقیقی است، فضای مجازی نشأت گرفته از مسائلی که به دور از فضای حقیقی باشد، وجود ندارد یا خیلی کم است و فضای مجازی در حقیقت باز نشر دارد و تولید کننده و اجرا کننده آن در همه حالات در فضای حقیقی است. فناوری اطلاعات نه تنها در شیوه افعال و اقدامات روزمره ما تاثیر می گذارد، بلکه علاوه بر آن تلقی ما از آن ها را نیز تغییر داده است. برخی از مفاهیمی که در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی کاربردی خاص داشته اند با پیشرفت فناوری اطلاعات دچار چالش شده اند که از آن جمله می توان به مفهوم مالکیت، مفهوم حریم خصوصی، مفهوم توزیع قدرت، مفهوم آزادی های اساسی و مفهوم مسئولیت اخلاقی اشاره کرد. فراتر از بحث اخلاق در شناخت فردی، اخلاق را می توان به هنجاری اجتماعی تعریف کرد که در گروه های اجتماعی پایه گذاری می شود. اخلاق در برگیرنده هنجارهای رفتاری، حقوقی و وظایفی است که از نظر اجتماعی مورد تأیید است و از سنت های فرهنگی نشأت می گیرد از سویی دیگر وقوع انقلاب تکنولوژیک در دهه های اخیر سبب شده سطح ارتباطات فردی و جمعی و نیز شیوه نگرش انسان به دنیا (آنچه به او ارائه می شود و برداشت فرد از آنچه می بیند) به کلی دستخوش تغییر شود. دسترسی بی وقفه به تصاویر، ایده ها و اطلاعات و سرعت انتقال مافوق تصور آن ها پیامدهای مثبت و منفی فراوانی برای توسعه و حتی ناهنجاری های روانی، اخلاقی و اجتماعی فرد و نیز برای ساختار و کارکرد جوامع و برای ارتباطات بین فرهنگی و دریافت و انتقال ارزش ها، نگرش ها و باورها داشته باشد. رسانه های نوین، ابزاری قدرتمند برای آموزش، توسعه فرهنگ، فعالیت های بازرگانی و تبلیغاتی، مشارکت سیاسی و گفت و گوی میان فرهنگی هستند اما همین ابزار می تواند به خدمت بهره کشی، کنترل، اهداف و اغراض شخصی و فساد و نیز کینه توزی و افزایش نفرت درآیند و پیامدهای اخلاقی بی شماری برای فرد، جامعه و جهان داشته باشد. از این رو بحث اخلاق در فضای مجازی به یک موضوع مهم برای بحث و قانون گذاری تبدیل شده است چرا که فضای مجازی در حال جایگزین شدن فضای واقعی است و بخش مهمی از ساعات روز ما به حضور در این فضا اختصاص دارد. در این زمینه چند محور و موضوع مهمتر از سایر موارد است (هاشمی، ۱۳۹۰).

۴-۱- تاثیرات فضای مجازی بر سلامت روان نوجوانان

تحقیقات نشان می دهد جوانان و نوجوانانی که بیش از ۲ ساعت در روز را صرف استفاده از رسانه های اجتماعی می کنند، بیشتر احتمال دارد که در معرض خطر ابتلا به اختلالات روانی مانند افسردگی و اضطراب قرار گیرند.

۴-۲- اختلالات در خواب

اعتیاد به اینترنت: "کیمبرلی یانگ" برای اولین بار در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۶ مطرح کرد که استفاده نامناسب از کامپیوتر می‌تواند، معیارهای اعتیاد را پر کند در کشورهایی مانند چین و کره جنوبی اعتیاد به اینترنت به عنوان یک تهدید سلامت عمومی تلقی می‌شود (کاسیدی و همکاران، ۲۰۱۹).

۵- اثرات مثبت رسانه‌های اجتماعی بر جوانان و نوجوانان

دسترسی به اطلاعات سلامت یکی از فواید رسانه‌های اجتماعی است. اطلاعات تخصصی سلامت که شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهند، برای نوجوانانی که ممکن است از نظر بهداشت روان رنج برند، فرصتی برای خواندن، تماشا یا گوش دادن و درک تجربه‌های بهداشتی را فراهم می‌کند و آن‌ها را به واقعیت و هویت واقعی خود نزدیک می‌کند. همچنین مکالمات در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند، جوانان و نوجوانان را با تعاملات ضروری برای غلبه بر مسایل مربوط به سلامت آماده کند؛ به خصوص هنگامی که ممکن است برای حمایت چهره به چهره در فضای واقعی دسترسی وجود نداشته باشد. در عین حال بسیاری از جوانان و نوجوانان با پیوستن به گروه‌های صفحات مربوط به آن‌ها می‌توانند همدردی کرده و افکار و نگرانی‌های خود را با افراد دیگری اشتراک بگذارند. افزایش خودباوری در نوجوانان: بنا بر اعلام معاونت بهداشت وزارت بهداشت، خودباوری و هویت فردی، جنبه‌های مهم توسعه در طول سال‌ها هستند، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان یک سکوی موثر برای بیان احساسات، مثبت عمل کنند؛ به این ترتیب که نوجوانان و جوانان بهترین ایده‌های خود را ارائه دهند. شواهدی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه دوستی قوی جوانان و نوجوانان می‌تواند با تعاملات رسانه‌های اجتماعی تقویت شود و آن‌ها بتوانند با کسانی که قبلاً می‌شناختند ارتباط بیشتری برقرار کنند.

۶- راهکارهای پیشگیرانه

یکی از مظاهر تمدن جدید، فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری تحولات گستره‌هایی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بشر داشته است. جهان در حال تبدیل شدن به یک جامعه اطلاعاتی است بنابراین فناوری اطلاعات توجه بسیاری از کشورها را به خود معطوف نموده است. مانند هر فناوری نوظهور دیگر، این فناوری نیز آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی‌ای را نیز در پی داشته است و مخاطرات آن، خانواده‌ها را نگران ساخته است. یکی از مخاطرات فناوری اطلاعات و ارتباطات معطوف به فضای مجازی است. در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسئولیت وجود دارد. انجام بی‌اخلاقی در فضای مجازی همان آسیب‌های جامعه واقعی را در پی خواهد داشت؛ انتشار تصاویر و مطالب خلاف اخلاق و مستهجن، نشر اکاذیب، آموزش تخریب، خیانت، انتشار ویروس‌های مخرب، نفوذ در حسابهای مالی دیگران و دزدی اموال و غارت بانک‌ها و غیره همه و همه مواردی است که قطعاً نمی‌تواند از یک انسان با اخلاق سرزند.

گرچه تدابیر پیشگیرانه به صورت موقت می‌توانند از صدمات اخلاقی برخاسته از این فضا جلوگیری به عمل آورند اما باید توجه داشت که در درازمدت، این تدابیر اخلاقی هستند که به نحوی کار را از انحرافات اخلاقی صیانت به عمل می‌آورند. با اتکاء به عقل، دین و علم اخلاق و در پرتو رهنمودهای صادره از آنها، می‌توان از آسیب‌های این پدیده نوین در حوزه هرزه‌نگاری در امان ماند. پلیس با توجه به رویکرد مردمی خود و دیدگاه پیشگیرانه نسبت به تهدیدات و آسیب‌های پیش رو همواره وظیفه خود می‌داند که با اطلاع‌رسانی و هشدار دهی به هنگام به تمامی افراد در راستای تهدیدات پیش روی فضای مجازی، اقدام به مقابله و برخورد با مجرمان این فضا و پیشگیری از وقوع آسیب‌های مختلف در جامعه کند. تردیدی نیست که کاربران فضای مجازی باید قبل از هر چیز، با کسب دانش و آگاهی لازم نسبت به تاثیرات و نکات مثبت و منفی این فضا و نحوه استفاده و حفظ امنیت خود و اطرافیان اطلاعات لازم را کسب کرده و همواره نگاهشان به فضای مجازی و اثرات گوناگون آن به مانند فضای حقیقی باشد. ریشه بسیاری از آسیب‌های وارده در فضای مجازی در شرایط کنونی ناشی از ناآگاهی و نداشتن سواد رسانه‌ای در فضای مجازی از سوی کاربران است که در این زمینه می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سطح مدارس، دستگاه‌های دولتی، مراکز عمومی و در راستای ارتقاء سواد رسانه‌ای شهروندان گام‌های مفید و موثری را برداشت. امنیت اجتماعی لازمه هر گونه رشد و توسعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی است که با توجه به نوع مأموریت‌های ناجا، اقتدار، هوشمندی، پویایی و کفایت از مهمترین مولفه‌های تحقق این هدف به شمار می‌رود. با توجه به این که مجرمان فضای مجازی، همواره با بهره‌گیری از گمنامی فضای مجازی به دنبال مخفی کردن هویت واقعی و سرپوش گذاشتن بر اعمال مجرمانه خود هستند بنابراین افزایش توان تاکتیکی و عملیاتی پلیس فتا ضروری است. سازمان آموزش و پرورش با توجه به در اختیار داشتن حجم زیادی از دانش آموزان و همچنین انجمن‌های اولیاء و مربیان، ظرفیت زیادی برای آموزش این قشر از جامعه و والدین آنها دارد که در این زمینه پلیس فتا باید با تعامل فراگیر خود با آموزش و پرورش با به کارگیری کارشناسان زبده و با تجربه، در بستر آموزش‌های بهنگام و بهینه خود، دانش آموزان را هرچه بیشتر با خطرات و تهدیدات روزافزون فضای سایبری آشنا کند. بی‌شک راهکار برخورد با مشکل مذکور، هرگز یک برخورد فیزیکی

نیست، بلکه باید با ارتقاء فرهنگ روز افزون جامعه و استفاده مطلوب از ظرفیت های بهینه سازمان های مردم نهاد و دیگر برنامه ریزان فرهنگی، در راستای تولید محتویات مفید و نوین گام برداشت و در بستر یک تعامل دوسویه، آنان را با تهدیدات موجود در فضای مجازی و راه های برون رفت از آن آشنا کرد.

تحقیقات نشان می دهد که جذابیت ها و امکاناتی که فناوری های نوین در اختیار طیف گسترده کاربران قرار می دهد، بسیاری از مقاومت های اولیه را در هم می شکند و چالش های بزرگی در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیش روی دولت و نهادهای دولتی قرار میدهد. در چنین عرصه ای اگر برای اطلاعات طرح و نقشه جامعی وجود نداشته باشد و به کارگیری آن منطبق با اهداف معین وهوشمندانه نباشد خطرات زیادی جوامع و فرهنگ بشری را تهدید میکنند. معلم در نظام جدید آموزش و پرورش در مقام یاورباندگی انسان، ایفای نقش می کند نه انتقال دهنده اطلاعات. با ظهور فناوری های جدید، حرفه تدریس از تاکید بر معلم محوری و آموزش مبتنی بر سخنرانی به فراگیر محوری و محیط های یادگیری تعاملی تغییر یافته است. معلم باید روش های تفکر را که اغلب توسط فناوری در اختیار او قرار می گیرد، مدنظر قرار دهد. بر اساس نظریه ی کنترل اجتماعی، عاملی که باعث جلوگیری از رفتارهای نحرافی نوجوانان و جوانان می شود، پیوند اجتماعی است (چیکوسکی، ۲۰۲۰).

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که مرزهای قابل نفوذی دارد و فضای مجازی توانسته است در آن رخنه کند؛ لذا ورود فضای مجازی به کانون خانواده موجب بروز آسیب هایی در هنجارها و نقش های اعضای خانواده به ویژه کودکان شده است. هدف از این تحقیق، بررسی آسیب های فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان بوده است که در آن، آثار و پیامدهای منفی اینترنت را در رابطه با آداب و اخلاق زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار داده است (هانتز، ۲۰۲۰).

۷- نتیجه گیری

در عصر رسانه ای شدن فضای مجازی جایگاه ویژه ای در زندگی انسان ها پیدا کرده است و بیشتر افراد جامعه با فضای مجازی درگیر هستند، بنابراین فضای مجازی می تواند سبک زندگی و افکار و عقاید مردم را با تحولات اساسی مواجه کند. فضاهای مجازی نقش بسیار تعیین کننده ای در عرصه های اجتماعی برعهده دارد به همین دلیل امروزه مدیریت دانش و اطلاعات نیازمند یک سری تغییرات در تکنولوژی ها است به طوری که باید به سمتی حرکت کنیم که در حداقل زمان بتوانیم حداکثر اطلاعات را به افراد ارائه دهیم. برای حرکت به این سمت نیازمند بازنگری جدیدی در حوزه نرم افزار، سخت افزار و تکنولوژی های جدید هستیم. فناوری همیشه مثل یک شمشیر دو لبه است. تحقیقات نشان می دهد که جذابیت ها و امکاناتی که فناوری های نوین در اختیار طیف گسترده کاربران قرار می دهد، بسیاری از مقاومت های اولیه را در هم می شکند و چالش های بزرگی در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیش روی دولت و نهادهای دولتی قرار می دهد. در چنین عرصه ای اگر برای اطلاعات طرح و نقشه جامعی وجود نداشته باشد و به کارگیری آن منطبق با اهداف معین وهوشمندانه نباشد خطرات زیادی جوامع و فرهنگ بشری را تهدید می کند. تکنولوژی های جدید مانند فضای مجازی هم فرصت هستند و هم تهدید و چنانچه قبل از ورود این تکنولوژی ها نحوه درست استفاده از آنها را یاد بگیریم تبعات منفی آن نیز کمتر خواهد شد. در واقع فضای مجازی یک فرصت است ولی اینکه چگونه از آن استفاده می شود که بحث زیادی دارد در کشور و نیز در حالی که آموزش مجازی، کاهش هزینه، سرعت و یکسان سازی اطلاعات و استفاده از ویدئو کنفرانس از جمله مزیت استفاده از فضای مجازی است و ما هنوز به طور کامل استفاده صحیح از فضای مجازی و فرصت ها و چالش های آن فرهنگ سازی نشده است.

گسترش روزافزون فضای مجازی، فرصت ها و چالش هایی را برای ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی جامعه ایران فراهم ساخته است که اهمیت بحث پیرامون آن را ضرورت می بخشد. در بسیاری از ارزیابی هایی که از چالش ها و فرصت های فضای مجازی انجام گرفته، مباحث حوزه چالش ها حول دو محور مطرح بوده است: یکی چالش های کارکردی فضای مجازی و دیگری، نحوه مدیریت و واپایش فضای مجازی که محور دوم باعث شده تا کفه ترازوی چالش های فضای مجازی برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران سنگین تر باشد. امروزه فضای مجازی به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند در دست صاحبان قدرت در عرصه حقیقی است. این قدرت ها می کوشند از طریق فضای مجازی، فضای تربیت سیاسی و اجتماعی جوامع را واپایش و مدیریت کنند. البته این امر باعث نادیده گرفتن فرصت های فضای مجازی نمی شود، ولی باید توجه داشت که در حال حاضر با توجه به نحوه مدیریت آن، چالش های فضای مجازی بیش از فرصت ها می باشد.

۸- پیشنهادها

- تعامل و همکاری همه دستگاه ها، سازمان ها و نهاد های دولتی و غیر دولتی با پلیس در حوزه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در فضای حقیقی و مجازی به ویژه در بین خانواده ها
- توجه جدی به نظام آموزشی به ویژه در مدارس و دانشگاه ها

- تولید محتوای آموزشی مناسب برای کارکنان دولت در قالب برنامه های آموزشی ضمن خدمت یا پودمانی
- تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی در قالب نماهنگ، کلیپ، تیزر و فیلم با موضوع محاسن و معایب اینترنت و فضای مجازی و پخش آن از صدا و سیما و شبکه های اجتماعی
- تولید محتوای آموزشی ویژه دانش آموزان در قالب کتب درسی
- تربیت روابط اجتماعی افراد با کمک دستگاه های فرهنگی و آموزشی، بهره مندی از اساتید آموزشی برای شناسایی آسیب های اجتماعی و شناسایی راهکارهای اصلاح و ایجاد فرهنگ صحیح بهره مندی از اینترنت و فضای مجازی

منابع

۱. احمدوند، کبری و تقی زاده قوام، زهرا و غلامی هره دشتی، سهیلا، (۱۳۹۷)، فرصت ها و چالش های فضای مجازی در عرصه تعلیم تربیت، نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، زاهدان.
۲. پورعلی کویخی، زهرا و بهمنی، زهرا، (۱۳۹۴)، فضای مجازی و تعلیم و تربیت؛ تهدیدها و فرصت ها، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
۳. دهقان بنادکی، فاطمه و نصیری زاده، نوید، ۱۳۹۸، چالش های فضای مجازی و راهکارهای سیره رضوی، همایش علمی فرهنگ رضوی و بانوان فرهیخته و نیکوکار - بزرگداشت بانو سنی فاطمه، یزد.
۴. نعمتی اتارکی، لیلا (۱۳۹۰) «نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اقتصادی نوین در کشورهای شمال و جنوب»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، ص ۲۱۷-۲۳۵.
۵. نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۰) «جنگ نرم فضای سایبر و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۶، ص ۱۲۷-۱۴۶.
۶. هاتف، مهدی (۱۳۸۸) «چالشها و چشم اندازهای امنیت در فضای مجازی»، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۹۳-۱۱۷.
۷. هاشمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰) «بررسی اعتیاد اینترنتی و تاثیر آن بر رفتار نوجوانان»، مجموعه مقالات برگزیده همایش منطقه ای آسیبهای اجتماعی نوپدید، دفتر تحقیقات کاربردی و معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان مازندران.
8. Cassidy, W., Brown, K., & Jackson, M. (2019). Making kind cool: Parents' suggestions for preventing cyber bullying and fostering cyber kindness, *Journal of Educational Computing Research*, 46 (4), 415-43.
9. Chi, H. (2018). Gender difference and related factors affecting online gaming addiction. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 193(4), 273-277.
10. Chickowski E. (2020) General information, develop an IT ethics policy. *Your Policy Begins Where The Low Ends* 27 (20): 1.
11. Hunter, E. (2018). Class list [not equal to] friend list. *Educational Horizons*, 90 (2), 21;

Investigating educational opportunities and threats in cyberspace

Abstract

Since education as one of the most effective custodians of education and training of children has a prominent position and role and the entry of cyberspace and its use in education is inevitable, the present study aims to investigate the position of cyberspace in education and training. Also, some of the leading opportunities and threats have been studied by descriptive method and documentary study. The world today is undergoing increasing changes. Cyberspace has a major role in these changes and developments, and in principle, any changes and developments in various fields, including educational and cultural fields, will have effects and consequences commensurate with their goals and functions, and cyberspace is no exception. In addition cyberspace's opportunitiesng, it also poses challenges. Cyberspace is both an opportunity and a threat, and if we learn how to use these technologies properly before they arrive, the negative consequences will be less. In fa , as an opportunity for e-learning, cyberspace, reduces costs, speeds up and streamlines information, and takes advantage of other benefits. Therefore, in this article, we have tried to study and analyze the position of cyberspace in the education system and to analyze the opportunities and challenges in this regard.

Keywords: Education, Cyberspace, Opportunities and Challenges

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

